



مرحله اضطراری

مرداد ۱۴۰۴/۲۵۸۴

پروژه
شکوفایی
ایران



گردآورنده

سعید
قاسمی نژاد



نویسندگان

پیام
علی پور



نجات
بهرامی



مهدی
بقایی



د.ل.ب



شیرین
گلی



محمد
جهان پرور



سیامک
جوادی



مهدی
کتابچی



نوید
محبی



پوریا
مجابی



بورگان نظامی
نراج آباد



محمد
نایب یزدی



آیدین
پناهی



شبثم
پناهی



حسین
پورمند



کونین
راد



سورن
رایان



بهرام
واحدی



بقیه ی اعضای تیم

احمد
عشقیار



آرمیتا
هومان



آناهیتا
حسینی



علیرضا
کیانی



نادر
صادقی



امیر شریف
امامی



تایماز
توماج



ایران: مرحله اضطراری

۱۰۰ تا ۱۸۰ روز نخست

تیر ۱۴۰۴/۲۵۸۴

وضعیت اجرایی برنامه	4
۱ اهداف دولت موقت	6
۲ حوزه‌های اساسی	6
۳ روند و ساختار سیاسی گذار از جمهوری اسلامی	6
۴ روند و ساختار حقوقی گذار از جمهوری اسلامی	14
۵ حفظ عملکردهای اساسی	24
۶ آموزش	28
۷ سیاست خارجی	44
۸ نظامی و امنیتی	68
۹ بازیابی و حفظ دارایی‌ها	89
۱۰ انرژی	103
۱۱ صنعت، تولید و زیرساخت‌های اقتصاد	114
۱۲ آب	122
۱۳ محیط زیست	128
۱۴ بهداشت و درمان	139
۱۵ اقتصاد کلان	147

این قسمت عامدانه خالی مانده است

سلب مسئولیت: این نشریه توسط نویسندگان برای NUFDI تهیه شده است. دیدگاه‌های ارائه شده صرفاً متعلق به نویسندگان و/یا NUFDI است و لزوماً نشان‌دهنده مواضع یا حمایت کارفرمایان نویسندگان نیست.

وضعیت اجرایی برنامه

هدف «پروژه شکوفایی ایران» (IPP)

پروژه شکوفایی ایران (IPP) یک برنامه دقیق، اجرایی و مبتنی بر توصیه‌های کارشناسی است که توسط متخصصان برجسته داخل و خارج از کشور، با شناختی عمیق و تجربه‌ای مستقیم از ایران، ارائه شده است. این پروژه با هدف تثبیت و بازسازی کشور پس از فروپاشی جمهوری اسلامی طراحی شده و می‌کوشد مردم ایران، ایرانی‌های مقیم خارج از کشور و جامعه بین‌المللی را با تصور و تحقق ظرفیت کامل یک ایران آزاد و شکوفا آشنا سازد.

جدول زمانی پروژه شکوفایی ایران

پروژه شکوفایی ایران در سال ۲۰۲۴ آغاز شد. نخستین مجموعه سپیدنامه‌ها^۱ در ماه اردیبهشت ۱۴۰۴ منتشر شد. برخلاف انتشار اولیه که بر مبنای یک جدول زمانی پژوهشی کلاسیک انجام شد، اکنون پیش‌نویس‌ها در مراحل ابتدایی‌تری به اشتراک گذاشته می‌شوند تا پاسخ‌گوی فوریت‌های کنونی باشند.

نمای کلی پروژه شکوفایی ایران

پروژه شکوفایی ایران از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

۱. ثبات‌بخشی بنیادین

۲. احیای صنعتی

^۱ Whitepapers

هر بخش شامل سه زیربخش است:

ثبات بخشی بنیادین	احیای صنعتی
اقتصادی	انرژی و منابع
اجتماعی	تولید
سیاسی	خدمات

بخش ثبات بخشی بنیادین با هدف تضمین یک گذار مطمئن سیاسی و اداری طراحی شده و پایه‌ی اصلاحات بلندمدت را فراهم می‌کند. هر زیربخش آن حدوداً پنج موضوع کلیدی در بر دارد و در مجموع حدود ۱۵ مقاله تخصصی توسط متخصصان ایرانی تهیه شده است. این مقالات تحت فرآیند بازبینی دقیق و تخصصی قرار می‌گیرند.

هر موضوع (نظیر بودجه، سیاست خارجی و...) در سه بازه زمانی بررسی می‌شود:

- **مرحله اضطراری:** حدود ۱۰۰ تا ۱۸۰ روز نخست پس از تغییر رژیم

- **دوره گذار:** ۲ تا ۳ سال نخست

- **چشم‌انداز بلندمدت:** تصویری از آینده‌ای باثبات و شکوفا

برای ساده‌سازی، این دفترچه عناصر مربوط به مرحله اضطراری هر موضوع را کنار هم قرار می‌دهد. تصور کنید این برنامه مانند یک کیک سه‌لایه است: مرحله اضطراری، دوره گذار و آینده بلندمدت. هر «برش» (موضوع) به صورت جداگانه توسعه یافته است. اکنون با توجه به شرایط کنونی، در حال گردآوری لایه «مرحله اضطراری» همه موضوعات در قالب یک دفترچه یکپارچه برای ۱۰۰ تا ۱۸۰ روز نخست هستیم.

بخش احیای صنعتی بر پایه‌ای که در مرحله ثبات بخشی ایجاد شده، بنا می‌شود. تیم پروژه شکوفایی ایران یک طرح اولیه برای سیاست صنعتی تدوین کرده است که در آن صنایع حیاتی برای بازسازی اقتصادی کشور شناسایی شده‌اند.

در ادامه، یک رقابت پروژه‌محور با دسترسی آزاد برگزار خواهد شد که از کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و نهادها دعوت می‌کند تا طرح‌هایی مشخص و اجرایی را در راستای این چشم‌انداز صنعتی ارائه دهند. پروژه شکوفایی ایران چارچوب ساختاری، الگوی ارزیابی و معیارهای اولویت‌بندی لازم را برای هدایت این فرآیند فراهم خواهد کرد.

۱. اهداف دولت موقت

- پرهیز از هرگونه آسیب‌رسانی
- عادی‌سازی روابط خارجی
- تثبیت شرایط کشور
- اداره امور پایه‌ای حکمرانی
- فراهم‌سازی بستر رشد سریع و پایدار

۲. حوزه‌های اساسی

- نظامی و امنیتی: برقراری کنترل و زنجیره فرماندهی
- تداوم حکمرانی: ارائه خدمات پایه دولتی
- چارچوب حقوقی: ایجاد ساختارهای قانونی کوتاه‌مدت
- چارچوب پولی و مالی: مدیریت بودجه، بانکداری و بازارها
- خدمات اجتماعی: حفظ نظام رفاه و خدمات درمانی

۳. روند و ساختار سیاسی گذار از جمهوری اسلامی

بخش اول - پیش از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

۱ در شرایطی که ایران در وضعیت انقلابی است و جمهوری اسلامی در تلاش‌های واپسین برای تحمیل خود به ملت ایران است، شاهزاده رضا پهلوی در جایگاه رهبر خیزش ملی و با هدف مدیریت دوران گذار (از این پس «رهبر خیزش ملی»)، مبادرت به تشکیل دو نهاد می‌کنند:

۱.۱ «نهاد خیزش ملی» که نقش مشورتی داشته باشد و بازوی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری رهبر خیزش ملی محسوب شود. هموندان این نهاد اشخاصی از درون و بیرون کشور خواهند بود.

۱.۲ «نهاد اجرایی موقت» که وظیفه آن عملی کردن سیاست‌ها و اجرای تصمیمات رهبر خیزش ملی باشد. هموندان این گروه اشخاصی از درون و بیرون کشور خواهند بود.

۲ بنا به ملاحظات امنیتی ناشی از کارنامه ننگین جمهوری اسلامی در حذف مخالفین، اسامی این اشخاص تا سرنگونی جمهوری اسلامی آشکار نخواهد شد.

بخش دوم - پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

۳ پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در انقلابی ملی به دست ملت ایران و پیوستن نیروهای نظامی و انتظامی به ملت، «سامانه گذار» به اداره کشور در دوران گذار خواهد پرداخت. سامانه گذار تحت رهبری رهبر خیزش ملی عمل خواهد کرد و شامل سه نهاد است که عبارت‌اند از «نهاد خیزش ملی»، «دولت گذار» و «دیوان گذار».

۴ نصب و عزل رؤسای هر سه نهاد با پیشنهاد نهاد خیزش ملی (که مستلزم رأی اکثریت مطلق هموندان است) و با تایید رهبر خیزش ملی انجام می‌پذیرد. هر یک از سه نهاد، در ادامه، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف - نهاد خیزش ملی

۵ نهاد خیزش ملی، علاوه بر نقش نامبرده در بند ۱.۱، نقش قوه مقننه را در دوران گذار به عهده خواهد داشت.

۶ هموندان نهاد خیزش ملی، که گوناگونی و رنگارنگی ملت یکپارچه ایران را نمایندگی خواهند کرد، از سوی رهبر خیزش ملی منصوب می‌گردند. برای تغییر تعداد کل هموندان و عزل یک هموند، رای اکثریت مطلق هموندان نهاد و تایید رهبر خیزش ملی لازم می‌باشد.

۷ از جمله وظایف نهاد خیزش ملی موارد ذیل است:

۷.۱ بازبینی تمام نهادها و سازمان‌های دوران جمهوری اسلامی با هدف تعیین آن دسته که باید منحل شوند و آن دسته که می‌توانند با یا بدون تغییرات ابقا شوند.

۷.۲ بازآرایی ساختار فرماندهی نیروهای مسلح.

۷.۳ تعیین آن دسته از قوانین که با سرنگونی جمهوری اسلامی باید ابطال شوند و آن دسته که تا تشکیل مجلس شورا (از این پس «مهستان» - مشروح ذیل بند ۱۲.۹.۲) قابلیت بقا خواهند داشت. جزئیات این روند در سپیدنامه «روند و ساختار حقوقی گذار از جمهوری اسلامی» توضیح داده شده است.[1]

۷.۴ وضع قوانین موقت برای اداره کشور در دوران گذار.

۷.۵ بررسی و تایید بودجه‌ای که دولت گذار پیشنهاد می‌کند.

۷.۶ تعیین سیاست کلی برای ایجاد تغییرات لازم در کتب درسی دانش‌آموزان و دانشجویان با هدف هماهنگ‌سازی این کتاب‌ها با ارزش‌های عصر نوین در ایران.

۷.۷ تعیین «شمار» کرسی‌های مجلس موسسان و «شرایط» نامزدها (برای نمونه، حداقل سن و حداقل مدرک تحصیلی مورد نیاز) که در یک انتخابات آزاد انتخاب خواهند شد (مشروح ذیل بند ۱۲.۸). پیشنهاد

می‌شود شمار کل کرسی‌ها حداقل ۷۰ و حداکثر ۳۱۰ باشد. این موارد باید تا قبل از همه‌پرسی نوع حکومت (مشروح ذیل بند ۱۲.۶) تعیین شوند تا مردم و احزاب سیاسی بتوانند در فاصله بین همه‌پرسی نوع حکومت و انتخابات مجلس موسسان، با آگاهی از شمار کرسی‌ها و شرایط نامزدها، به گفت‌وگویی ملی پیرامون انتخابات بپردازند.

۷.۸ بازگرداندن استقلال کامل کانون وکلای دادگستری به این نهاد و همچنین تخصیص بودجه به «اداره معاضدت قضایی» که زیر نظر کانون وکلا فعالیت می‌نماید. این بودجه با هدف افزایش کمک‌های حقوقی به افراد بی‌بضاعت اختصاص یافته است تا آسیب‌های ناشی از تغییرات پرشتاب قوانین در دوران گذار به حداقل برسد. تخصیص بودجه به معنای امکان دخالت در حوزه اختیارات کانون وکلا نخواهد بود.

۸ با انتخاب مهستان، نقش تقنینی نهاد خیزش ملی به اتمام خواهد رسید ولیکن تا زمان انحلال دولت گذار به نقش مشورتی خود به رهبر خیزش ملی ادامه خواهد داد. انحلال دولت گذار منجر به انحلال نهاد خیزش ملی نیز خواهد شد (مشروح ذیل بند ۱۲.۱۰).

ب - دولت گذار

۹ دولت گذار نقش قوه مجریه را در دوران گذار ایفا خواهد کرد.

۱۰ وزرای دولت گذار توسط رئیس دولت، پس از تایید نهاد خیزش ملی (به رای اکثریت مطلق)، منصوب می‌گردند.

۱۱ شاکله دولت گذار (به عنوان نمونه، تعداد وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها) امری است که در وقت مقتضی، توسط دولت گذار و در مشورت با نهاد خیزش ملی و تایید رهبر خیزش ملی مشخص خواهد شد.

۱۲ از جمله وظایف دولت گذار موارد ذیل می‌باشد:

۱۲.۱ اجرای قوانین و اداره امور روزمره کشور و مردم.

۱۲.۲ پاسداری از مرزهای ایران و حفظ یکپارچگی کشور از طریق نیروهای نظامی و انتظامی.

۱۲.۳ کنترل امنیت کشور از طریق نیروهای انتظامی.

۱۲.۴ مدیریت امور بین الملل کشور، همچون:

۱۲.۴.۱ در دست گرفتن سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در تمامی کشورها و فرستادن نمایندگان موقت به آن‌ها.

۱۲.۴.۲ جایگزین کردن نمایندگان ایران در تمامی سازمان‌های بین‌المللی که ایران در آن‌ها عضویت دارد.

۱۲.۴.۳ رسیدگی به و مدیریت تمام دارایی‌های ایران در خارج از کشور.

۱۲.۴.۴ شروع مذاکرات با سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، دولت‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی، برای رفع هرچه سریع‌تر تمامی تحریم‌ها علیه ایران (اعم از مالی، تجاری، حقوق بشری و تسلیحاتی) و همچنین محدودیت‌های روادید علیه ایرانی‌ها.

۱۲.۴.۵ بازبینی تعهدات بین‌المللی ایران در جهان و منطقه خاورمیانه با هدف هماهنگ‌سازی این تعهدات با عصر نوین در ایران.

۱۲.۴.۶ ایجاد تغییرات لازم در گزرنامه و سایر اسناد مسافرتی ایرانی‌ها.

۱۲.۵ اجرای تغییرات لازم در کتب درسی دانش‌آموزان و دانشجویان بر اساس سیاست‌های تعیین شده توسط نهاد خیزش ملی (مشروح ذیل بند ۷.۶).

۱۲.۶ برگزاری همه‌پرسی نوع حکومت: دولت‌گذار باید در یک بازه چهار ماهه یک همه‌پرسی برگزار کند که در آن، نوع سامانه یک حکومت دموکراتیک (پادشاهی یا جمهوری) تعیین می‌شود.

۱۲.۶.۱ احزاب و کنشگران سیاسی طرفدار هر یک از دو سامانه حداقل سه ماه (از بازه چهار ماهه) فرصت خواهند داشت تا سامانه مورد نظر خود را به مردم معرفی و ترویج نمایند. [2] نهادها و سازمان‌های دولت‌گذار که در این فرآیند دخیل هستند (مانند سازمان رادیو و تلویزیون ملی و بنگاه‌های خبررسانی دولتی)، با حامیان هر دو سامانه به طور یکسان رفتار خواهند کرد و فرصت و امکانات برابر به آن‌ها خواهند داد.

۱۲.۶.۲ این همه‌پرسی به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی انجام خواهد گرفت و شرکت در آن برای تمام ایرانی‌های واجد حق رای فراهم خواهد بود.

۱۲.۷ برگزاری همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت سران رژیم جمهوری اسلامی: دولت‌گذار موظف خواهد بود همزمان با همه‌پرسی نوع حکومت (مشروح در بند پیشین)، همه‌پرسی دیگری به منظور تعیین سرنوشت سران سیاسی، نظامی، انتظامی و اقتصادی رژیم جمهوری برگزار کند. [3] حداقل دو گزینه پیش روی ملت ایران قرار می‌گیرد:

۱۲.۷.۱ محاکمه علنی و مجازات سران رژیم، با رعایت استانداردهای بین‌المللی و با هدف برقراری عدالت، التیام درد قربانیان، اجتناب از انتقام‌جویی و ایجاد بازدارندگی از تکرار چنین فجایی در تاریخ؛ یا

۱۲.۷.۲ اعلام بخشش ملی با هدف تسریع روند گذار.

چنانچه ملت ایران گزینه نخست (محاکمه علنی و مجازات) را انتخاب نمایند، «نهاد حقیقت‌یاب» (مشروح ذیل بند ۱۶.۵) بلافاصله کار خود را آغاز خواهد کرد. لازم به ذکر است که این روند (همه‌پرسی، نهاد حقیقت‌یاب، محاکمه علنی و یا بخشش ملی) تنها ناظر بر جنبه کیفری اعمال سران رژیم است و نافی حقوق خصوصی قربانیان و یا خانواده آن‌ها نمی‌باشد. همچنین، این روند تنها ناظر بر جرایمی است که سران جمهوری اسلامی پیش از سقوط رژیم مرتکب شده‌اند. چنانچه پس از سقوط رژیم، این افراد به هر ترتیبی علیه امنیت کشور،

نظم عمومی و یا سامانه گذار اقدام کنند، جرمی جدید محسوب می‌شود که امکان محاکمه این افراد را در روندی مستقل از روند مذکور در این بند ایجاد خواهد کرد.

۱۲.۸ برگزاری انتخابات مجلس موسسان: پس از مشخص شدن نتیجه همه‌پرسی نوع حکومت (مشروح ذیل بند ۱۲.۶)، دولت گذار باید در یک بازه حداکثر دو ماهه، انتخابات مجلس موسسان را برگزار کند. این انتخابات به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی انجام خواهد گرفت و امکان شرکت در آن برای تمام ایرانی‌های واجد حق رای فراهم خواهد بود. دستور کار مجلس موسسان تنظیم قانون اساسی نوین بر اساس نوع حکومتی است که ملت در همه‌پرسی بند ۱۲.۶ تعیین کرده‌اند. این مهم در یک بازه شش تا ۱۲ ماهه صورت خواهد گرفت. در این راستا، مجلس موسسان موظف است به:

۱۲.۸.۱ مشورت مستقیم با هیأت‌هایی تخصصی در اموری چون اقتصاد، صنایع، فرهنگ و اجتماع، خانواده، آموزش، محیط زیست، دفاعی و امنیتی؛

۱۲.۸.۲ تعیین یک هیات هفت نفره از حقوق‌دانان برجسته (که سه نفر از آن‌ها متخصص رشته حقوق اساسی باشند) و اعمال نظر این هیات در تنظیم هر اصل قانون اساسی. این امر در راستای تضمین بالاترین سطح استانداردهای حقوقی برای متن قانون اساسی نوین است؛ و

۱۲.۸.۳ انتشار گسترده هر اصل تنظیم شده. این امر با هدف آگاه ساختن ملت از روند کار و همچنین دریافت و پیاده‌سازی بازخورد ایشان در تنظیم اصول قانون اساسی است.

۱۲.۹ برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی: پس از تنظیم قانون اساسی پیشنهادی توسط مجلس موسسان، دولت گذار موظف به برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی در یک بازه حداکثر یک ماهه خواهد بود. این همه‌پرسی به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی و با امکان شرکت برای تمام ایرانی‌های واجد حق رای صورت خواهد گرفت.

۱۲.۹.۱ چنانچه ملت ایران به قانون اساسی پیشنهادی رای منفی دهد، مجلس موسسان باید ظرف مدت حداکثر سه ماه تغییرات لازم را در متن قانون اساسی پیشنهادی، مطابق بازخورد ملت، پیاده کند و سپس دولت گذار این متن نوین را به همه‌پرسی بگذارد. چنانچه ملت ایران برای بار دوم هم به قانون اساسی پیشنهادی رای منفی دهند، این مجلس موسسان منحل می‌شود و دولت گذار، در یک بازه یک ماهه، انتخاباتی برای تشکیل مجلس موسسان جدید برگزار خواهد کرد.

۱۲.۹.۲ چنانچه ملت ایران به قانون اساسی پیشنهادی رای مثبت دهند:

۱۲.۹.۲.۱ دولت گذار موظف به برگزاری انتخابات «مهستان» در یک بازه زمانی دو ماهه است. [4] این انتخابات به صورت آزاد با رعایت استانداردهای بین‌المللی و برای تمام ایرانی‌های واجد حق رای برگزار خواهد شد.

۱۲.۹.۲.۲ فعالیت مجلس موسسان تا مشخص شدن رئیس حکومت (پادشاه یا رئیس‌جمهور) متوقف خواهد شد. با مشخص شدن رئیس حکومت (مشروح ذیل بند ۱۲.۱۰)، مراسم ادای

سوگند این فرد در برابر مجلس موسسان اجرا می‌شود و پس از آن، این مجلس منحل خواهد شد.

۱۲.۱۰ آماده سازی شرایط برای تشکیل دولت آتی: دولت گذار موظف به آماده‌سازی شرایط برای یکی از موارد ذیل، بسته به نوع حکومت تعیین شده در همه‌پرسی، خواهد بود:

۱۲.۱۰.۱ در صورت گزینه پادشاهی، دولت گذار در یک بازه حداکثر دو ماهه، مراسم تاجگذاری پادشاه را برگزار خواهد کرد. سپس بر اساس ساختار پیش‌بینی شده در قانون اساسی نوین، نخست وزیر و کابینه او سوگند یاد کرده و دولت منتخب را تشکیل می‌دهند. با سوگند دولت منتخب، دولت گذار منحل می‌شود.

۱۲.۱۰.۲ در صورت گزینه جمهوری، دولت گذار موظف است انتخابات ریاست جمهوری را همزمان با انتخابات مهستان برگزار نماید (مشروح ذیل بند ۱۲.۹.۲). بر اساس ساختار پیش‌بینی شده در قانون اساسی نوین، رئیس جمهور منتخب سوگند یاد کرده و:

۱۲.۱۰.۲.۱ در جمهوری پارلمانی: نخست وزیر و کابینه او دولت منتخب را تشکیل می‌دهند. با سوگند دولت منتخب، دولت گذار منحل می‌شود.

۱۲.۱۰.۲.۲ در جمهوری ریاستی: رئیس‌جمهور کابینه پیشنهادی خود را به مهستان معرفی می‌نماید. با سوگند دولت منتخب، دولت گذار منحل می‌شود.

ج - دیوان گذار

۱۳ در راستای جایگزینی و به کارگیری صحیح واژگان پارسی در این متن، واژه «دیوان» جایگزین «قوه قضاییه» می‌شود و بر این اساس و به علت اجتناب از تداخل عناوین نهادها، عنوان «دادگاه عالی کشور» جایگزین «دیوان عالی کشور» و عنوان «دادگاه عدالت اداری» جایگزین «دیوان عدالت اداری» می‌شود.

۱۴ دیوان گذار نقش قوه قضاییه را در دوران گذار بر عهده خواهد داشت.

۱۵ رئیس این دیوان، یک حقوقدان برجسته و خوشنام (ترجیحا قاضی) خواهد بود که نصب و عزل وی مطابق روند مشروح در بند ۴ این سپیدنامه انجام خواهد گرفت.

۱۶ از جمله وظایف رئیس دیوان گذار به ترتیب زیر است:

۱۶.۱ نصب و عزل رئیس دادگاه عالی کشور، رئیس دادگاه عدالت اداری، دادستان کل کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، رئیس سازمان پزشکی قانونی کل کشور و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

۱۶.۲ تاسیس نهادی با عنوان «نهاد قضایی» به شرح زیر:

۱۶.۲.۱ وظیفه این نهاد بازبینی مقررات حاکم بر نصب و عزل قضات و دادستان‌ها و همچنین نظارت بر روند نصب و عزل آن‌ها در سراسر کشور است.

۱۶.۲.۲ این نهاد پنج هموند دارد که شامل دو قاضی، یک دادستان، یک وکیل پایه یک دادگستری و یک استاد دانشگاه است که همگی از بین افراد با تجربه و خوشنام منصوب می‌شوند. در طول مدت هموندی در این نهاد، اشخاص نامبرده امکان اشتغال به قضاوت، دادستانی، وکالت و تدریس را نخواهند داشت.

۱۶.۳ تاسیس سازمانی با عنوان «سازمان بودجه دیوان»: هدف از تاسیس این سازمان ایجاد استقلال مالی قوه قضائیه از قوه مجریه است. از جمله وظایف آن موارد زیر است:

۱۶.۳.۱ تهیه پیش‌نویس بودجه سالانه دیوان.

۱۶.۳.۲ ارسال پیش‌نویس بودجه سالانه به رئیس دیوان، برای بررسی و تایید بودجه پیشنهادی.

۱۶.۳.۳ ارسال بودجه پیشنهادی به دولت گذار برای گنجاندن در لایحه بودجه کشور (که در نهایت به نهاد خیزش ملی برای بررسی و تصویب تقدیم خواهد شد). لازم به ذکر است که:

۱۶.۳.۳.۱ بدون موافقت سازمان بودجه دیوان، دولت گذار مجاز به تغییر مفاد بودجه پیشنهادی این سازمان نیست.

۱۶.۳.۳.۲ در بررسی لایحه بودجه، اگر نهاد خیزش ملی پرسشی پیرامون بخش مربوط به دیوان داشته باشد، سازمان بودجه دیوان مستقل از دولت گذار در جلسه مربوطه حاضر خواهد شد و از بودجه پیشنهادی خود دفاع می‌کند.

۱۶.۳.۴ پس از تصویب بودجه در نهاد خیزش ملی، نظارت بر اجرای صحیح بودجه و ارجاع هرگونه تخطی به سازمان بازرسی کل کشور.

۱۶.۴ بررسی و تایید بودجه پیشنهادی توسط سازمان بودجه دیوان (مشروح ذیل بند ۱۶.۳.۲).

۱۶.۵ تاسیس نهادی با عنوان «نهاد حقیقت یاب» به ریاست فردی برجسته و خوشنام: چنانچه ملت ایران در همه‌پرسی تعیین سرنوشت سران رژیم جمهوری اسلامی (مشروح ذیل بند ۱۲.۷)، گزینه محاکمه علنی را انتخاب کنند، «نهاد حقیقت یاب» به منظور بررسی کارنامه سران رژیم جمهوری اسلامی (اعم از سیاسی، نظامی، انتظامی و اقتصادی) تاسیس می‌شود. از جمله وظایف این نهاد موارد زیر است:

۱۶.۵.۱ جمع آوری، راستی‌آزمایی و مستندسازی مدارک و شواهد جنایت علیه ملت ایران و یا غارت اموال ملی توسط سران نام برده. نتایج به دست آمده «گزارش نخست» نامیده می‌شود. برای جلوگیری از تأخیر در اجرای عدالت، به محض آماده شدن گزارش نخست در مورد هر یک از رهبران رژیم، آن گزارش به مرحله بعدی می‌رود.

۱۶.۵.۲ ارسال «گزارش نخست» به رئیس دیوان گذار برای دریافت و گنجاندن نظرات و ملاحظات وی. متن به دست آمده «گزارش نهاد حقیقت‌یاب» نامیده می‌شود.

۱۶.۵.۳ ارسال «گزارش نهاد حقیقت‌یاب» به رهبر خیزش ملی، نهاد خیزش ملی و دولت گذار برای دریافت و گنجاندن نظرات و ملاحظات ایشان. متن به دست آمده «گزارش فرجامین نهاد حقیقت‌یاب» نامیده می‌شود.

۱۶.۵.۴ ارسال «گزارش فرجامین نهاد حقیقت‌یاب» به دادستان کل کشور برای شروع محاکمه فرد و یا گروه مربوطه.

۱۶.۵.۵ انتشار گسترده «گزارش فرجامین نهاد حقیقت‌یاب» برای آگاهی ملت.

بخش سوم - زمان لازم برای دوران گذار

۱۷ روند پیشنهادی در این متن نیازمند حداقل ۱۸ ماه و حداکثر ۳۶ ماه است. بدیهی است که بروز رخدادهای غیرقابل پیش‌بینی (برای نمونه فجایع طبیعی و یا جنگ) می‌تواند سبب تمدید زمان‌بندی یاد شده شود. در این صورت:

۱۷.۱ هرگونه تمدید برای بیش از شش ماه، نیازمند تصویب هر سه نهاد (نهاد خیزش ملی، دولت گذار و دیوان گذار) و تایید رهبر خیزش ملی است؛ و

۱۷.۲ چنانچه تمدید مورد نیاز برای بیش از ۱۲ ماه باشد، برگزاری یک همه‌پرسی نیز ضرورت خواهد داشت.

پی‌نوشت

[1] د.ل.ب.، سپیدنامه «پروژه شکوفایی ایران - روند و ساختار حقوقی گذار از جمهوری اسلامی»، ویرایش چهارم (۲۲ ژوئیه ۲۰۲۵).

[2] هدف از این زمان‌بندی، ایجاد تعادل بین دو اولویت است: از یک سو، فراهم کردن زمان کافی برای شکل‌گیری بحثی ملی در مورد موضوعی با اهمیت، و از سوی دیگر، جلوگیری از طولانی شدن دوره گذار.

[3] واژه «سران» در برگزیده مدیران و کارمندان اداری (چه کشوری و چه لشکری) نمی‌باشد.

[4] در راستای جایگزینی و به کارگیری صحیح واژگان پارسی، در این متن واژه «مهستان» جایگزین «مجلس شورا» می‌شود.

۴. روند و ساختار حقوقی گذار از جمهوری اسلامی

چکیده

۱ این سپیدنامه به ارزیابی ساختارهای حقوقی ممکن برای مدیریت امور حقوق داخلی ایران توسط «سامانه گذار» [1] و همچنین، روند ناشی از هر ساختار، می‌پردازد. [2] این متن سه گزینه را مطرح و بررسی کرده، تا با توجه به چالش‌های ویژه‌ای که ایران با آن روبروست، ساختار بهینه مشخص شود.

ساختارهای حقوقی ممکن

۲ سه گزینه برای ساختار حقوقی دوران گذار امکان پذیر می‌باشد.

۲.۱ گزینه بازگردانی: این گزینه تمام قوانینی را که توسط نهادهای جمهوری اسلامی تصویب شده‌اند لغو کرده و بلافاصله قوانینی را که در دوران محمدرضا شاه پهلوی اجرا می‌شدند باز می‌گرداند.

۲.۲ گزینه حفظ: این گزینه قوانین جمهوری اسلامی را در دوران گذار حفظ کرده و موضوع بازنگری قوانین را به مجلس منتخب در آینده (از این پس «مهستان») [3] واگذار می‌نماید.

۲.۳ گزینه ترکیبی: این گزینه قوانین جمهوری اسلامی را به صورت پیش‌فرض حفظ کرده، لیکن قوانین و مقررات خاصی را که نماد جمهوری اسلامی هستند و یا مانع پیشرفت سامانه گذار محسوب می‌شوند، لغو می‌نماید.

۳ این سپیدنامه نشان می‌دهد که «گزینه ترکیبی» بهترین ساختار است چرا که با تمام معیارهای یک ساختار بهینه مطابقت دارد:

۳.۱ امکان‌پذیری، یعنی ساختار باید توسط سامانه گذار قابلیت اجرا داشته و آن را از انجام سایر وظایف ضروری خود باز ندارد.

۳.۲ ثبات‌آفرینی، یعنی ساختار باید تداوم و ثبات حقوقی را در زندگی روزمره مردم ایران تضمین کند.

۳.۳ امیدبخشی، یعنی ساختار باید الهام بخش امید به آینده‌ای بهتر برای ملت باشد و اعتماد آنان را به سامانه گذار تقویت نماید.

خاستگاه گزینه ترکیبی

۴ نمونه‌های شناخته‌شده‌ی تغییر رژیم در پنج دهه گذشته (همچون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، برکناری صدام حسین در عراق در ۲۰۰۳، یا انقلاب‌های تونس و مصر در ۲۰۱۱) الهام بخش گزینه ترکیبی نمی‌باشند. گرچه آن کشورها تغییرات سیاسی چشمگیری را تجربه کردند، نظام حقوقی آن‌ها دچار یک دگرگونی ایدئولوژیک، مشابه

آنچه در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ رخ داد، نشد. تغییراتی که انقلاب اسلامی به نظام حقوق ایران تحمیل کرد را بایستی بنیادی و ماهوی دانست.

۵ در مقابل، گزینه ترکیبی، از تجربه بریتانیا در موضوع «برگزیت» الهام گرفته است. اگرچه برگزیت شامل تغییر سامانه حکومت نبود، اما مستلزم تغییراتی بنیادی و ماهوی در نظام حقوقی بریتانیا شد. در دوران گذار پس از خروج از اتحادیه اروپا، بریتانیا تمامی قوانین اتحادیه اروپا را که قابلیت اعمال در بریتانیا داشت به عنوان قوانین داخلی خود حفظ نمود و سپس، در همان روز نخست، دستور لغو برخی از قوانین نمادین اتحادیه اروپا (مانند قانون جوامع اروپایی ۱۹۷۲) را صادر کرد. این رویکرد در عین تضمین ثبات حقوقی، پیامی قاطع از گسست بریتانیا از اتحادیه اروپا را به همراه داشت.

ساختار حقوقی پیشنهادی

۶ ساختار حقوقی پیشنهادی برای دوران گذار شامل اقدامات زیر می‌باشد:

۶.۱ اقدام اول: انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی همراه با تمامی (یا برخی از) نهادهای آن. [4] این اقدام به سامانه گذار رسمیت بخشیده و گسست آشکار از رژیم پیشین را نشان می‌دهد، که خود امکان شناسایی رسمی سامانه گذار از سوی سایر دولت‌ها و حمایت جهانی از آن را فراهم می‌نماید.

۶.۲ اقدام دوم: حفظ تمام قوانین موجود مگر آن دسته که به صراحت در «اقدام سوم» (و یا در مراحل بعدی) لغو می‌شوند. این رویکرد ثبات حقوقی را تضمین نموده و از هرج و مرج در دوران گذار جلوگیری می‌نماید.

۶.۳ اقدام سوم: لغو قوانین و مقررات خاصی که آشکارا در تضاد با شعار انقلاب ملی ایران هستند: زن، زندگی، آزادی - مرد، میهن، آبادی. شش ارزش مندرج در این شعار، نه تنها مبنایی برای شناسایی قوانین قابل لغو فراهم می‌آورند، بلکه به کارگیری آن‌ها هم راستا با آرمان‌های ملت بوده و سبب تقویت وحدت ملی خواهد شد.

۷ ساختار پیشنهادی، رویکردی عمل‌گرا، ثبات‌آفرین و امیدآفرین برای دوران گذار ارایه می‌دهد. با ترکیب تداوم حقوقی و لغو هدفمند قوانین، این ساختار مسیر را برای حرکت به سوی نوسازی نظام حقوقی ایران و آینده‌ای دموکراتیک فراهم می‌سازد.

بخش اول - زمینه و تعاریف

۸ به طور کلی، بر اساس «اصل تداوم قوانین»، قوانینی که در دوران یک رژیم سرنگون شده تصویب شده‌اند، به صورت خودکار پس از انحلال قانون اساسی آن رژیم بی‌اعتبار نمی‌شوند، مگر این که ریشه در ایدئولوژی آن رژیم داشته باشند. بنابراین، قوانین مدنی، کیفری و اداری عموماً تا زمانی که مرجع حقوقی جدیدی آن‌ها را به طور رسمی لغو نماید، همچنان معتبر باقی می‌مانند. با این حال، در مورد جمهوری اسلامی، بسیاری از قوانین (به ویژه بخش‌های مهمی از قانون مدنی و کلیت قانون مجازات اسلامی) از ایدئولوژی دینی و سیاسی رژیم جدایی‌ناپذیر هستند. در نتیجه، این

قوانین به محض انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی، به صورت خودکار فاقد اعتبار خواهند شد که حتی ممکن است سبب بی‌اعتباری برخی اسناد حقوقی و مدارک صادر شده بر اساس آن قوانین نیز شود. این وضعیت ناگزیر به هرج و مرج منجر خواهد شد و لزوم ایجاد یک ساختار حقوقی جامع برای جلوگیری از چنین پیامدی را نشان می‌دهد.

۹ هنگام تدوین یک ساختار حقوقی برای دوران گذار ایران، باید میان دو ضرورت رقیب توازن برقرار نمود: از یک سو، میل مشروع به حذف فوری قوانین واپس‌گرای جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر، نیاز حیاتی به حفظ ثبات در دوران گذار (که ممکن است تا سه سال به طول انجامد). هدف، طراحی ساختاری بهینه است که بتواند این ضرورت‌های رقیب را متوازن سازد.

۱۰ اصطلاح «ساختار بهینه» در این سپیدنامه به ساختاری حقوقی اطلاق می‌شود که واجد سه معیار زیر باشد:

۱۰.۱ امکان‌پذیر بوده، یعنی ساختار باید برای سامانه گذار، با توجه به مسئولیت‌های گسترده‌اش، قابلیت اجرا داشته باشد.

۱۰.۲ ثبات‌آفرین بوده، یعنی باید استمرار و ثبات حقوقی در امور روزمره کشور و مردم را طی دوران گذار تضمین نماید.

۱۰.۳ امیدبخش بوده، یعنی باید الهام‌بخش امید و اعتماد در میان مردم ایران باشد. فقدان این عنصر روانی، حتی با تحقق دو معیار دیگر، ممکن است به سرخوردگی جمعی منجر شود و در نهایت موفقیت سامانه گذار را به خطر اندازد.

۱۱ بخش‌های آتی، با در نظر داشتن این سه معیار، به بررسی ساختارهای حقوقی موجود برای دوران گذار می‌پردازد تا گزینه‌ای که معیارهای فوق را برآورده سازد، شناسایی کند.

بخش دوم - ساختارهای حقوقی ممکن

۱۲ برای ساختار حقوقی دوران گذار، سه گزینه موجود است.

۱۲.۱ گزینه بازگردانی. این گزینه:

- کلیه قوانینی را که توسط نهادهای قانون‌گذاری جمهوری اسلامی تصویب شده‌اند لغو نموده، چرا که این قوانین ریشه در قدرت نامشروع، فساد، ناکارآمدی و تبعیض دارند؛ و
- بلافاصله قوانین دوران پادشاهی را بازمی‌گرداند.

۱۲.۲ گزینه حفظ. این گزینه:

- قوانین موجود جمهوری اسلامی را در دوران گذار حفظ نموده؛ و
- وظیفه نوسازی قوانین را به مهستان منتخب در آینده واگذار می‌نماید.

این رویکرد، به طور کلی، همان شیوه‌ای است که دولت گذار سوریه پس از برکناری بشار الاسد در پیش گرفت. با این حال، به نظر می‌رسد که در ماه‌های پس از آن، این مسیر تغییر یافته، به گونه‌ای که آن دولت مبادرت به قانون‌گذاری و اجرای سیاست‌های جدید، به ویژه در حوزه‌های اقتصاد و آموزش، کرد.

۱۲.۳ گزینه ترکیبی. این گزینه:

- به صورت پیش‌فرض، قوانین جمهوری اسلامی را در دوران گذار حفظ می‌نماید؛ ولیکن
- بلافاصله، قوانین و مقررات خاصی را که نماد جمهوری اسلامی بوده و یا مانع موفقیت سامانه گذار می‌شود لغو می‌نماید.

۱۳ بنا به دلایلی که در ادامه توضیح داده می‌شود، گزینه ترکیبی تنها گزینه‌ای است که با سه معیار یک ساختار بهینه (یعنی امکان‌پذیری، ثبات‌آفرینی و امیدبخشی) هماهنگی دارد.

الف - گزینه بازگردانی

۱۴ لغو قوانین جمهوری اسلامی و بازگرداندن قوانین دوران پادشاهی، گزینه مناسبی برای دوران گذار محسوب نمی‌شود و در نتیجه، این سپیدنامه آن را توصیه نمی‌کند. دلیل آنکه، گزینه بازگردانی گرچه جذاب به نظر می‌آید، اما به دلیل فقدان دو معیار نخستین بهینگی (یعنی امکان‌پذیری و ثبات‌آفرینی)، به بی‌نظمی حقوقی منجر خواهد شد.

۱۵ جمهوری اسلامی تقریباً به مدت ۵۰ سال حکومت کرده است. طی این مدت، تحولات عمده‌ای در زندگی روزمره مردم در سراسر جهان، از جمله در ایران، رخ داده است. به عنوان نمونه، می‌توان به ظهور فناوری‌های نوین، اشکال جدید معاملات، و پیشرفت‌های علمی اشاره کرد؛ اموری که در نیم قرن پیش وجود نداشتند و در نتیجه، هیچ قانون خاصی نیز برای آن‌ها وضع نشده بود. در این پنج دهه، جمهوری اسلامی تعداد فراوانی قانون و مقررات وضع کرده است تا، در حد امکان، با این نیازهای نوین هماهنگ شود. این قوانین و مقررات، با وجود ناکارآمدی و نداشتن رویکرد علمی، نقش مهمی در پر کردن خلأ حقوقی ایفا می‌کنند.

۱۶ یکی از اهداف کلیدی در دوران گذار، تضمین ثبات در امور روزمره مردم ایران است (معیار ثبات‌آفرینی). لغو فوری تمام قوانین جمهوری اسلامی نیل به این هدف را دشوار می‌سازد، چرا که قوانین دوران پادشاهی نمی‌توانند خلأ حقوقی ایجاد شده را به طور کامل و موثر پر کنند. تنها راه پر کردن این خلأ این خواهد بود که سامانه گذار حجم عظیمی از قوانین جدید را وضع نموده؛ مسئولیتی که با توجه به اولویت‌ها و وظیفه‌های دیگر سامانه گذار، امکان‌پذیر نخواهد بود (معیار امکان‌پذیری).

۱۷ در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا همین منطق در مورد بخش‌های سنتی‌تر نظام حقوقی، مانند قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، نیز صدق می‌کند؟ آیا می‌توان دستکم این دو قانون را با نسخه‌های دوران پادشاهی جایگزین کرد؟ چنین کاری، هرچند در نگاه نخست جذاب به نظر می‌رسد، اما با دو چالش اساسی روبروست: اول، نسخه‌های کنونی این قوانین به گونه‌ای با صدها آیین نامه و مقرر پیوسته و درهم تنیده هستند که بدون نسخه‌های کنونی این

قوانین، آن آیین‌نامه و مقرره‌ها عملاً از کار خواهند افتاد. دوم، فاصله ۵۰ ساله موجب شده است که نسل فعلی وکلا و قضات آشنایی لازم با نسخه‌های دوران پادشاهی این دو قانون را نداشته باشند. تلاش برای جایگزینی فوری این قوانین به احتمال زیاد موجب از کارافتادگی نظام قضایی خواهد شد.

۱۸ بدیهی است که این تحلیل به معنای حفظ دائمی قوانین جمهوری اسلامی نیست. این قوانین واپس‌گرایانه، غیرعلمی و تبعیض‌آمیز قطعاً بایستی جایگزین شوند، اما موضوع، زمان‌بندی آن است. دوران گذار زمان مناسبی برای چنین بازنگری فراگیری نیست. در عوض، پس از انتخابات مهستان، قوانین دوران پادشاهی می‌تواند به عنوان نقطه آغاز مناسبی برای بازنگری و نوسازی نظام حقوقی ایران، متناسب با نیازها و آرمان‌های نوین ملت، عمل کند.

ب - گزینه حفظ

۱۹ این گزینه شامل حفظ قوانین جمهوری اسلامی در دوران گذار و واگذاری نوسازی آن‌ها به مهستان منتخب در آینده است. این سپیدنامه گزینه حفظ را نیز توصیه نمی‌کند. گرچه این گزینه با معیار اول (یعنی امکان‌پذیری و سهولت در اجرا) هم راستا است، اما از تحقق معیار سوم (یعنی امیدبخشی) ناتوان است.

۲۰ بخش قابل توجهی از نارضایتی‌ها و حتی خصومتی که مردم ایران نسبت به جمهوری اسلامی احساس می‌کنند، ریشه در این دارد که قوانین موجود، زندگی روزمره آنان را به چالشی طاقت فرسا بدل کرده‌اند. از آن‌جا که دوران گذار ممکن است تا سه سال به طول انجامد، انتخاب گزینه حفظ، مردم ایران را از احساس تغییری که در زندگی روزمره انتظارش را دارند، محروم می‌کند و احتمالاً به نارضایتی جمعی منجر خواهد شد.

۲۱ افزون بر این، قوانین متعددی (مانند قوانینی که علیه زنان تبعیض روا می‌دارند، مجازات بدنی و اعدام را تحمیل می‌کنند، یا دسترسی به اینترنت را محدود می‌سازند) به طور بنیادین با مفهوم آغاز دوران نوین برای کشور در تضاد هستند.

ج - گزینه ترکیبی

۲۲ این گزینه از دو عنصر کلیدی تشکیل شده است: حفظ قوانین موجود در دوران گذار به عنوان پیش‌فرض، همراه با لغو گزینشی آن دسته از قوانین و مقرراتی که یا نماد جمهوری اسلامی بوده و یا مانع موفقیت و فعالیت سامانه گذار می‌شوند. این سپیدنامه گزینه ترکیبی را توصیه می‌نماید، چرا که هر سه معیار یک ساختار بهینه را برآورده می‌سازد.

۲۲.۱ امکان‌پذیری: این ساختار حجم کار حقوقی سامانه گذار را به حداقل رسانده و اجرای آن را بدون تحمیل بار اضافی بر منابع این سامانه امکان‌پذیر می‌سازد.

۲۲.۲ ثبات آفرینی: با حفظ تداوم حقوقی در امور روزمره کشور و مردم، این ساختار ضامن ثبات تا زمان تصویب قوانین جدید خواهد بود.

۲۲.۳ امیدبخشی: لغو هدفمند قوانین مرتبط با جمهوری اسلامی نشانه‌ای ملموس از پیشرفت ارائه داده، و امید و اعتماد ملت را نسبت به این که سامانه گذار در مسیر درست حرکت می‌کند تقویت می‌نماید.

۲۳ پرسش بعدی آن که آیا گزینه ترکیبی برگرفته از نمونه‌های شناخته شده تغییر رژیم در جهان طی پنج دهه گذشته است؟

بخش سوم - نمونه هایی از سایر کشورها

الف - اتحاد جماهیر شوروی، عراق، تونس و مصر

۲۴ بررسی تغییر رژیم در کشورهای دیگر طی پنج دهه گذشته نشان می‌دهد که تجربه‌های آن‌ها راهنمای چندانی برای ایران فراهم نمی‌نماید. علت این است که چالش‌های پیش روی ایران با چالش‌های پیش روی آن کشورها تفاوت اساسی دارد. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران صرفاً ساختار سیاسی کشور را دگرگون نکرد، بلکه نظام حقوقی آن را به شکلی بنیادی و ماهوی تغییر داد.[5] چنین تغییر ایدئولوژیکی در نظام حقوقی سایر کشورهایی که نظام سیاسی آن‌ها دچار دگرگونی شد مشاهده نمی‌شود.

۲۵ به عنوان نمونه، انقلاب ۲۰۱۱ مصر که در پی «بهار عربی» رخ داد، اگرچه ساختار سیاسی مصر را دگرگون کرد، اما نظام حقوقی آن دستخوش تحولات اساسی ایدئولوژیک نشد. این موضوع درباره انقلاب تونس در همان سال، و تا میزان زیادی درباره عراق ۲۰۰۳، نیز صادق است.

۲۶ تنها نمونه برجسته تغییر رژیم از سال ۱۳۵۷ که می‌توان گفت با یک دگرگونی ایدئولوژیک همراه بوده، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ است. انتظار می‌رفت این دگرگونی ایدئولوژیک سبب گذار از کمونیسم به اقتصاد بازار آزاد و اصول دموکراتیک شود. اینکه آیا این آرمان‌ها در روسیه محقق شد یا خیر، موضوع بحث ما نیست، بلکه نکته آن است که میزان دگرگونی حقوقی در روسیه، در مقایسه با تغییرات حقوقی پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، بسیار محدود بود. بسیاری از اجزای زیرساخت حقوقی شوروی حفظ شدند و اصلاحات عمدتاً در چارچوب همان نظام حقوقی قبلی صورت گرفت.

۲۷ فقدان دگرگونی ایدئولوژیک در نظام حقوقی این کشورها، تجربه آن‌ها را از تجربه ایران متمایز می‌سازد. بنابراین، دوران گذار آن‌ها نیز اطلاعات کاربردی چندانی برای مواجهه با وضعیت منحصربه‌فرد ایران فراهم نمی‌نماید. بازگرداندن تغییرات ایدئولوژیکی تحمیل شده به نظام حقوقی ایران در ۱۳۵۷، نیازمند رویکردی به همان میزان بنیادی و ماهوی است. برای الهام‌گیری، باید به تجارب کشورهایی نگاه بیندازیم که گذاری ایدئولوژیک در نظام حقوقی خود تجربه کرده‌اند.

۲۸ پژوهش انجام شده برای این سپیدنامه نشان می‌دهد که تجربه حقوقی بریتانیا در دوران «برگزیت»، نزدیک‌ترین و در نتیجه مرتبط ترین نمونه برای الهام‌گیری می‌باشد.

۲۹ خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (در سال ۲۰۱۶ به آن رای داده شد و در سال ۲۰۲۰ به طور رسمی اجرا گردید) به تغییرات عمده‌ای در قوانین این کشور انجامید؛ فرایندی که همچنان ادامه دارد. برآورد می‌شود که بیش از ۵۰ هزار قانون در بریتانیا مرتبط با اتحادیه اروپا بوده‌اند. ممکن است این پرسش مطرح شود که برگزیت چه ارتباطی با ایران دارد؛ به ویژه که هیچ تغییر رژیمی نیز در میان نبوده است؟

۳۰ باید توجه داشت که برخی از عوامل ریشه‌ای و مهم برگزیت، ایدئولوژیک یا شبه‌ایدئولوژیک بودند، مانند حاکمیت ملی، ناسیونالیسم، یا مهاجرت و پوپولیسم ضد نظام مستقر. این عوامل سبب تغییراتی بنیادی و ماهوی در نظام حقوقی بریتانیا شدند. در نتیجه، دوران گذار طراحی شده توسط قانون‌گذاران بریتانیایی می‌تواند منبع مهمی برای الهام‌گیری باشد. فارغ از ارزیابی مثبت یا منفی از پیامدهای سیاسی و اقتصادی برگزیت برای بریتانیا، نحوه طراحی و اجرای دوره گذار توسط قانون‌گذاران آن کشور، به وضوح کارآمد بود.

۳۱ هنگامی که برگزیت در سال ۲۰۲۰ به طور رسمی اجرایی شد، دوره‌ای انتقالی به مدت حدود یک سال در نظر گرفته شد. در این دوره:

۳۱.۱ قوانین اتحادیه اروپا که در روز خروج در بریتانیا قابل اجرا بودند، به عنوان قوانین داخلی باقی ماندند تا از بروز هرج و مرج حقوقی جلوگیری شود؛ اما

۳۱.۲ قوانین خاصی از اتحادیه اروپا که نماد عضویت بریتانیا در این اتحادیه تلقی می‌شدند (مانند قانون جوامع اروپایی ۱۹۷۲)، از همان روز نخست لغو شدند.

این رویکرد، به قانون‌گذاران بریتانیایی امکان داد تا از خلأ حقوقی اجتناب کرده و در عین حال، فضای لازم را برای ابقا یا لغو قوانین به صورتی دموکراتیک در آینده فراهم کند.

۳۲ تجربه بریتانیا در برگزیت و طراحی دوران گذار آن، نمونه‌ای موفق و مرتبط با ایران به شمار می‌آید که می‌تواند الهام‌بخش ما باشد. گزینه ترکیبی که پیش‌تر در بند ۲۲ شرح داده شد، از این رویکرد الهام گرفته است.

۳۳ بریتانیا و فرانسه، نمایندگان دو سنت حقوقی برجسته می‌باشند: کامن‌لا (حقوق عرفی) و سیویل‌لا (حقوق مدنی). برخلاف فرانسه، بریتانیا سنت پادشاهی خود را کنار نگذاشت، بلکه به مرور آن را به پادشاهی پارلمانی تبدیل نمود. این تداوم تاریخی در طول قرن‌ها، به قانون‌گذاران بریتانیایی امکان داد تا مهارت بالایی در زمینه پیاده نمودن

تغییرات بنیادین حقوقی (با ایجاد کمترین اختلالات اجتماعی) کسب نمایند. طراحی دوره گذار برای برگزیت نیز نمونه‌ای از این مهارت است.

۳۴ ساختار حقوقی پیشنهادی در این سپیدنامه بر پایه «گزینه ترکیبی» و الهام گرفته از تجربه حقوقی بریتانیا در «برگزیت» می‌باشد. جزئیات این ساختار در بخش بعدی تشریح خواهد شد.

بخش چهارم - ساختار حقوقی پیشنهادی

۳۵ شورای خیزش ملی [6] فرمانی رسمی صادر می‌نماید که دربرگیرنده سه اقدام است.

- اقدام اول: انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی به همراه تمام (یا برخی از) نهادهای آن. از دیدگاه حقوقی، این اقدام به تاسیس سامانه گذار رسمیت بخشیده و گسستی ضروری از رژیم پیشین ایجاد می‌نماید که خود، حمایت جهانی و مشروعیت بین‌المللی به همراه خواهد آورد.
- اقدام دوم: اعلام این که علی‌رغم انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی، تمامی قوانین موجود معتبر خواهند ماند به استثنای آن دسته که صراحتاً در اقدام سوم (و یا در آینده) فهرست خواهند شد. [7] هدف «اقدام دوم» حفظ ثبات حقوقی در دوران گذار است.
- اقدام سوم: اعلام لغو تعداد مشخصی از قوانین و مقررات. این اقدام آغاز دورانی جدید را برای ملت رقم زده و زمینه نوسازی حقوقی در آینده را فراهم می‌سازد.

۳۶ این ساختار پیشنهادی امکان می‌دهد که فعالیت‌های اجتماعی بدون وقفه ادامه یابند و از بروز اختلال ناگهانی یا از کارافتادگی قضایی جلوگیری شود. همچنین، این ساختار حجم کار نهاد خیزش ملی را کاهش داده تا بر اولویت‌های مهم‌تر تمرکز نماید. افزون بر این، به نمایندگان منتخب مهستان امکان می‌دهد تا در آینده به صورت دموکراتیک درباره تغییرات اساسی در نظام حقوقی ایران بحث و تصمیم‌گیری نمایند.

۳۷ پرسش کلیدی آن که نهاد خیزش ملی بایستی از چه فرمولی برای شناسایی قوانینی که در «اقدام سوم» لغو می‌شوند، استفاده نماید؟ از آن جا که این موضوع به کارکرد روانی ساختار مرتبط است (یعنی امیدبخشی)، فرمول مزبور باید به گونه‌ای طراحی شود که بی‌درنگ با افکار عمومی پیوند عاطفی برقرار نماید.

۳۸ الهام بخش‌ترین منبع برای طراحی این فرمول، شعاری است که به نماد انقلاب نوین ایران بدل شده است: زن، زندگی، آزادی - مرد، میهن، آبادی. این شعار شش واژه‌ای، شش پایه اصولی برای شناسایی قوانین قابل لغو ارایه می‌دهد. هر قانون و یا مقرراتی که آشکارا با هر یک از این شش پایه در تضاد باشد، می‌بایست در اولویت لغو در فرمان رسمی قرار گیرد.

۳۹ افزون بر فراهم سازی فرمولی روشن برای لغو قوانین، این شعار دو مزیت دیگر نیز به همراه دارد: نخست، با ملت ایران هم نوایی عاطفی داشته و در نتیجه، امید و اعتماد ملی به سامانه گذار را تقویت می‌نماید؛ و دوم، شناخته‌شدگی جهانی این شعار سبب ارتقای جایگاه سامانه گذار در سطح بین‌المللی و تقویت مشروعیت آن می‌شود.

۴۰ جدول پیش رو نشان می‌دهد که این شعار شش واژه‌ای چگونه می‌تواند برای شناسایی قوانین و مقررات قابل لغو به کار رود.

شش پایه	زن	زندگی	آزادی	مرد	میهن	آبادی
نمونه هایی از قوانین و مقررات شناسایی شده برای لغو	۱ - قوانین و مقرراتی که پوشش اجباری برای زنان تعیین کرده است.	۱ - قوانین و مقرراتی که مجازات اعدام و سنگسار را تجویز کرده است.	۱ - قوانین و مقرراتی که سانسور مطبوعات، نشریات، صنعت فیلم، و همچنین فیلترینگ اینترنت را ممکن کرده است.	۱ - قوانین و مقرراتی که عدم پرداخت مهریه یا نفقه از سوی مردان را جرم‌انگاری کرده است.	۱ - قوانین و مقرراتی که پرچم رسمی جمهوری اسلامی با نماد «الله» و سرود آن را الزامی کرده است.	۱ - قوانین و مقرراتی که به نهادهای مذهبی (مانند حوزه های علمیه، مساجد و امامزاده ها) و مشابیهات آن، از بودجه کل کشور و دارایی همگانی اختصاص داده است.
	۲ - قوانین و مقرراتی که تبعیض جنسیتی در طلاق، ارث، حضانت، و شهادت/اهلیت حقوقی را مجاز کرده است.	۲ - قوانین و مقرراتی که مجازات‌های بدنی (مانند قطع عضو و شلاق) تجویز کرده است.	۲ - قوانین و مقرراتی که تبعیض علیه اقلیت‌ها به ویژه اقلیت‌های مذهبی را ممکن کرده است (مانند محدودیت در عبادت، مالکیت، یا تصدی مناصب عمومی).	۲ - قوانین و مقرراتی که چند همسری مردان را مجاز کرده است، مانند ازدواج دائمی با چهار زن و تعداد نامحدود همسر موقت (صیغه). [8]	۲ - درخواست جمهوری اسلامی از سازمان‌های بین‌المللی برای استفاده از عنوان «جمهوری اسلامی» برای ایران در اسناد رسمی.	۲ - قوانین و مقرراتی که (به تشخیص کارشناسان) به ثبات پول ملی آسیب وارد کرده است (مانند کنترل نرخ ارز و یارانه‌های تورم‌زا).
	۳ - قوانین و مقرراتی که اجازه کار، تحصیل یا دریافت گذرنامه برای زنان را مشروط به رضایت مردان کرده است.	۳ - قوانین و مقرراتی که ورود آلاینده‌های زیان بار به هوا، آب یا خاک را ممکن کرده است (به تشخیص کارشناسان).	۳ - قوانین و مقرراتی که روابط همجنس گرایانه را جرم‌انگاری کرده است. [9]	۳ - قوانین و مقرراتی که پوشش مردان در مکان عمومی را محدود کرده است (مانند ممنوعیت پوشیدن لباس بی‌آستین یا شلوار کوتاه).	۳ - قوانین و مقرراتی که ساخت و ساز در نزدیکی آثار تاریخی و یا زیست بوم‌های حفاظت شده را ممکن کرده است.	۳ - قوانین و مقرراتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران را محدود کرده است.

۴ - قوانین و مقرراتی که مانع تصدی مناصب عمومی (اعم از حکومتی، دولتی، قضایی و نظامی) توسط زنان یا تحصیل آنان در برخی رشته های دانشگاهی شده است.	۴ - قوانین و مقرراتی که غربالگری ژنتیکی جنین در دوران بارداری را ممنوع کرده است.	۴ - قوانین و مقرراتی که فروش یا مصرف الکل را ممنوع و محدودیت هایی برای صنعت مهمان پذیری ایجاد کرده است (مانند ممنوعیت بار و کلاب شبانه).	[10]	۴ - قوانین و مقرراتی که مانع احیای منابع طبیعی مهم مانند دریاچه ارومیه و رودخانه زاینده رود شده است.	۴ - قوانین و مقرراتی که صدور ویزا را (به ویژه برای گردشگران و بازرگانان خارجی) دشوار و صنعت گردشگری را محدود کرده است.
--	--	--	------	--	--

نتیجه

۴۱ این سپیدنامه ساختارهای ممکن برای مدیریت امور حقوق داخلی ایران در دوران گذار پس از جمهوری اسلامی و همچنین، روند ناشی از هر ساختار را، بررسی نمود. سه گزینه مورد ارزیابی قرار گرفت و سرانجام، «گزینه ترکیبی» به عنوان مناسب ترین ساختار پیشنهاد شد.

۴۲ گزینه ترکیبی، قوانین موجود را به صورت پیش فرض حفظ کرده، لیکن قوانین یا مقررات خاصی را که نماد جمهوری اسلامی هستند و یا مانع پیشرفت سامانه گذار می شوند، لغو می نماید.

۴۳ قوانین قابل لغو بر اساس شعاری که به نماد انقلاب نوین ایران بدل شده است تعیین می شوند: زن، زندگی، آزادی - مرد، میهن، آبادی. این شعار شش واژه ای، دربردارنده شش ارزش بنیادین برای شناسایی قوانین قابل لغو می باشد. قوانینی که به صورت آشکار با هر کدام از این ارزش ها در تضاد باشند، در اولویت لغو قرار خواهند گرفت.

۴۴ این رویکرد مرحله ای، تداوم کارکردهای اجتماعی را بدون ایجاد تنش های عمومی و یا از کارافتادگی قضایی تضمین می نماید. همچنین این امکان را به نهاد خیزش ملی می دهد که بر اولویت های فوری تمرکز نماید، در حالی که بازنگری جامع نظام حقوقی به مهستان منتخب در آینده واگذار خواهد گردید.

۴۵ اجرای این ساختار حقوقی می تواند زمینه ساز گذاری موفق و مسالمت آمیز به آینده ای دموکراتیک برای ملت ایران باشد

پی نوشت

[1] عنوان «سامانه گذار» چتری است در برگیرنده سه نهادی که اداره ایران را در دوران گذار، تحت رهبری شاهزاده رضا پهلوی، بر عهده خواهند داشت. این سه نهاد عبارتند از: نهاد خیزش ملی (در نقش قوه مقننه)، دولت گذار (در نقش قوه مجریه) و دیوان گذار (در نقش قوه قضاییه). برای اطلاعات بیشتر، مراجعه شود به: د.ل.ب، سپیدنامه «پروژه شکوفایی ایران - روند و ساختار سیاسی گذار از جمهوری اسلامی»، ویرایش چهارم (۲۱ ژوئیه ۲۰۲۵).

[2] این سپیدنامه موضوعات پیش رو را پوشش نمی‌دهد، چرا که هر یک نیازمند تحلیلی جداگانه و تفصیلی می‌باشد: (الف) منابع مشروعیت سامانه گذار؛ (ب) انحلال نهادهای حکومت جمهوری اسلامی و جایگزین‌های احتمالی آن‌ها در دوران گذار؛ (ج) تعهدات بین‌المللی که سامانه گذار از جمهوری اسلامی به ارث خواهد برد؛ و (د) اصلاحات ساختاری در نظام حقوقی ایران، از جمله در منابع حقوق و حدود اختیارات نهادهایی چون مجلس و دادگاه‌ها.

[3] این جایگزینی در راستای به کارگیری صحیح واژگان پارسی می‌باشد.

[4] تصمیم‌گیری پیرامون این که کدام یک از نهادهای جمهوری اسلامی (مانند سپاه پاسداران) باید در دوران گذار منحل شوند، خارج از حوزه موضوعی این سپیدنامه است.

[5] اصطلاح «نظام حقوقی» هم دربرگیرنده منابع حقوق است و هم نهادهای حقوقی (مانند پارلمان و دادگاه‌ها).

[6] برای اطلاعات درباره وظایف نهاد خیزش ملی، مراجعه شود به: د.ل.ب.، سپیدنامه «روند و ساختار سیاسی گذار از جمهوری اسلامی»، ویرایش چهارم (۲۲ ژوئیه ۲۰۲۵).

[7] در این فرمان رسمی، پیشنهاد می‌شود نهاد خیزش ملی اختیار افزودن قوانین جدید به فهرست قوانین لغو شده را برای خود، در طول دوران گذار، محفوظ بدارد. این انعطاف‌پذیری برای مقابله با چالش‌های پیش‌بینی نشده‌ای است که ممکن است در روند کار پدید آیند.

[8] لغو این قانون نه تنها برای پیشبرد برابری جنسیتی ضروری است، بلکه در ارتقای شان و تصور جهانی از مردان ایرانی نیز نقش مهمی دارد.

[9] واژه «رابطه» عمداً به جای «ازدواج» به کار رفته است تا از ایجاد واکنش منفی در میان بخش‌های محافظه‌کار جامعه جلوگیری شود. در دوران گذار، بهتر آن است که سامانه گذار صرفاً بر جرم‌زدایی از این روابط تمرکز کند، بدون آن که به موضوعات گسترده‌تری چون ازدواج، ارث، یا حق فرزندخواندگی برای زوج‌های همجنس بپردازد. مناسب‌تر است که این موضوعات در زمان مقتضی توسط مهستان منتخب مورد بررسی قرار گیرند.

[10] قوانین مربوط به سربازی اجباری برای مردان می‌توانست در این جدول گنجانده شود. با این حال، ذکر آن‌ها در این مرحله مناسب تشخیص داده نشد، چرا که لغو این قوانین ممکن است سامانه گذار را از دسترسی به نیروی سرباز تازه محروم کند. امری که از منظر سیاست دفاعی در دوران گذار، چندان مطلوب نیست. مساله توازن میان نیازهای دفاع ملی و برابری جنسیتی می‌تواند در آینده، پس از انتخاب مهستان، مورد بررسی قرار گیرد.

۵. حفظ عملکردهای اساسی

دولت انتقالی با هدف تثبیت کشور، تلاش می‌کند عملکردهای حیاتی را بدون وقفه حفظ کند. این برنامه، راهبردهای شش‌ماه نخست را برای حفظ ثبات اجتماعی در هر دو بخش دولتی و خصوصی تشریح می‌کند.

اهداف:

- تضمین ارائه بدون وقفه خدمات ضروری
- تثبیت اقتصاد از طریق حمایت از صنایع کلیدی

- حفظ نظم و قانون برای جلوگیری از ناآرامی‌های اجتماعی

اولویتهای اصلی:

- امنیت غذایی: تضمین دسترسی مردم به اقلام غذایی ضروری
- مدیریت زنجیره تأمین: تداوم فعالیت زنجیره‌های تأمین کالاهای اساسی
- پایداری زیرساخت‌ها: حفظ عملکرد سامانه‌های حمل‌ونقل و خدمات شهری مانند برق و آب
- سلامت عمومی: استمرار خدمات بهداشتی و درمانی برای مدیریت بحران‌های سلامت
- ثبات اقتصادی: حفظ سطح تولید و مشارکت اقتصادی
- خدمات عمومی: تداوم ارائه خدمات ضروری دولتی مانند پلیس و اورژانس

فرضیات:

- همکاری و کمک منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم خواهد بود
- ذی‌نفعان کلیدی با دولت انتقالی همکاری خواهند کرد
- زیرساخت‌های اساسی پس از سقوط رژیم آسیب جدی ندیده‌اند
- کارگران صنایع کلیدی و ضروری به فعالیت خود ادامه خواهند داد

اقدامات:

- همکاری با بخش خصوصی برای تضمین تداوم عملکردها
- تسهیل واردات کالاهای اساسی زنجیره تأمین غذا، مانند خوراک دام
- مشارکت با تأمین‌کنندگان داخلی و بین‌المللی برای واردات غذا در صورت کمبود، مانند همکاری با برنامه جهانی غذا (WFP)

زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک:

- ارزیابی فوری وضعیت جاده‌ها، خطوط ریلی و فرودگاه‌ها و شناسایی مسیرها و زیرساخت‌های اولویت‌دار برای بازسازی در صورت تخریب گسترده
- همکاری با شرکت‌های خصوصی حمل‌ونقل و لجستیک برای تضمین تداوم فعالیت‌ها

خدمات شهری و زیرساختی (برای جزئیات بیشتر به بخش انرژی مراجعه شود):

- ارزیابی احتمال کمبود و تدوین برنامه‌های جایگزین
- شناسایی صنایع و مراکز حیاتی مانند بیمارستان‌ها برای اولویت‌دهی در تأمین برق و سایر خدمات حیاتی
- همکاری با شرکت‌های خدمات شهری برای تضمین عرضه مداوم
- اجرای طرح‌های اضطراری برای مدیریت اختلالات
- شناسایی و توقف مصرف انرژیِ فعالیت‌های خاص وابسته به جمهوری اسلامی و سپاه مانند استخراج بیت‌کوین که موجب کمبود انرژی شده و به نفع عموم مردم نیستند
- ترویج صرفه‌جویی در مصرف انرژی در سطح جامعه از طریق ابزارهای اقتصاد رفتاری

خدمات بهداشتی (برای جزئیات بیشتر به بخش سلامت مراجعه شود):

- همکاری با نهادهای بین‌المللی سلامت مانند سازمان جهانی بهداشت برای تأمین فوری دارو و تجهیزات پزشکی در مواقع ضروری
- همکاری با بخش خصوصی برای تداوم فعالیت مراکز درمانی
- تسهیل واردات دارو و تجهیزات پزشکی
- در صورت نیاز، اجرای نظام سهمیه‌بندی برای داروهای غیرضروری
- ارزیابی کمبودهای فعلی و احتمالی دارو و برنامه‌ریزی برای واردات و مدیریت بحران

خدمات عمومی:

- استقرار نیروهای امنیتی برای حفاظت از زیرساخت‌ها و تأسیسات عمومی
- حفظ ارتباط با نهادهای محلی برای اطمینان از استمرار خدمات
- تشکیل تیم واکنش سریع برای رسیدگی به شکایات عمومی و وضعیت‌های اضطراری
- ارزیابی احتمال اعتصاب نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی در بخش‌های خدمات عمومی و دولتی و تدوین طرح‌های جایگزین برای کاهش اختلال

دانش نهادی:

- دیجیتالی‌سازی اسناد مهم دولتی و پایگاه‌های دانشی
- ایجاد سیستم مدیریت دانش برای تسهیل اشتراک‌گذاری اطلاعات
- حفظ و استفاده از نیروهای باتجربه در نهادهای دولتی برای آموزش نسل جدید از طریق کارگاه‌ها، برنامه‌های آموزشی و اقدامات مشابه

توصیه‌ها:

- ایجاد شراکت راهبردی با سازمان‌های بین‌المللی برای دریافت کمک‌های فنی و مالی
- همکاری با جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی برای تداوم عملکرد
- بهبود راهبردهای ارتباطی برای اطلاع‌رسانی شفاف و جلب مشارکت مردم
- تقویت ساختارهای حکمرانی محلی برای اجرای موثر برنامه‌ها

نتایج مورد انتظار:

- دسترسی پایدار به غذا، حمل‌ونقل، خدمات عمومی و زیرساخت‌ها
- کاهش اختلالات اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی به دولت انتقالی
- حفظ دانش و تجربه نهادهای دولتی

نظارت و ارزیابی:

- تشکیل کمیته نظارت برای پیگیری عملکردهای اساسی
- استفاده از شاخص‌هایی مانند اختلالات زنجیره تأمین، تغییرات در کمبود مواد غذایی، و سطح رضایت عمومی برای سنجش پیشرفت
- انجام ارزیابی‌های منظم برای اصلاح و به‌روزرسانی برنامه‌ها

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده:

- مقاومت گروه‌های مخالف دولت انتقالی
- احتمال عدم همکاری از سوی دستگاه‌های بوروکراتیک موجود
- بی‌ثباتی سیاسی که می‌تواند بر تخصیص منابع و تصمیم‌گیری‌ها اثر بگذارد

راهکارهای مقابله با چالش‌های سیاسی:

- گفت‌وگوی فراگیر، تقسیم قدرت، عفو عمومی، ارتباط شفاف، استفاده از چهره‌های تأثیرگذار
- مشوق‌های ماندگاری، شرح وظایف روشن، آموزش، حمایت از افشاگران، گذار تدریجی
- چارچوب‌های حقوقی موقت، نظارت مستقل، گزارش‌دهی عمومی، تیم‌های واکنش سریع، حل‌وفصل منازعات

1. آموزش

چکیده

این سند راهبردی، یک طرح اصلاحات آموزشی مرحله‌بندی‌شده برای ایران پس از جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌دهد و ضمن تکیه بر تجربیات پس از دوران تمامیت‌خواهی در کشورهایمانند آلمان پس از نازی‌ها و ژاپن، ریشه در سکولاریسم، دموکراسی و انسجام و ادغام ملی دارد. هدف آن از بین بردن میراث ایدئولوژیک رژیم سابق و ایجاد یک سیستم آموزشی مدرن، فراگیر و جهانی است که تفکر انتقادی، برابری جنسیتی و شکوفایی فردی را ترویج می‌دهد.

اصلاحات آموزشی مورد نظر ما در سه مرحله بخش‌بندی شده اند: ایدئولوژی‌زدایی و تثبیت اضطراری (مرحله 1)، اصلاحات سیستماتیک برنامه درسی و نهادی (مرحله 2) و تثبیت بلندمدت از طریق پیشرفت و بین‌المللی‌سازی (مرحله 3). هر مرحله در این مقاله، همراه با اهداف خاص، استراتژی‌های اجرایی و موانع - از جمله چالش‌های زیرساختی، مقاومت احتمالی معلمان و رکود فرهنگی - و پاسخ‌های راهبردی پیشنهادی شرح داده شده است.

1. مقدمه: آموزش به عنوان بازسازی سیاسی

دهه‌ها اقتدارگرایی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، جامعه‌ای از هم گسیخته به جا خواهد گذاشت که از آسیب‌های روانی و نهادهای ناکارآمد زخم خورده هستند. هیچ جا به اندازه نظام آموزشی، ردپای این میراث آشکار نیست. مدارس

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که برای تقویت اقتدار دینی و سرکوب مخالفان طراحی شده بودند، به ابزاری برای انطباق مذهبی، جداسازی جنسیتی و محدودیت فکری تبدیل شده‌اند. آموزش به جای پرورش تفکر انتقادی یا مشارکت مدنی، تابع اهداف مبتنی بر کنترل سیاسی و صدور یک پروژه انقلابی، فراملی و شیعی بود. این میراث در تضاد کامل با نظام‌های دموکراتیک است. در نظام‌های دموکراتیک آموزش به عنوان پایه‌ای برای کثرت‌گرایی، تحقیق و خرد عمومی عمل می‌کند.

سال‌ها انزواگرایی، سرمایه انسانی ایران را به صورت تصاعدی تخلیه و روابط با شبکه‌های فکری و اقتصادی جهانی را قطع کرده است. در حالی که کشور به دنبال احیا و ادغام مجدد در نظام جهانی است، آموزش باید به پایه و اساس نوسازی مدنی و اقتصاد دانش‌بنیان مدرن تبدیل شود. ابتکاراتی مانند «پیمان کوروش» که توسط شاهزاده رضا پهلوی مطرح شده‌اند و چهره ایران را به عنوان رهبر منطقه‌ای در دیپلماسی و نوآوری‌های زیست‌محیطی ترسیم می‌کنند، نیاز به نسل جدیدی دارد که در علوم، حقوق، سیاست‌گذاری عمومی و علوم انسانی آموزش دیده‌اند.

بنابراین، بازسازی زندگی مدنی و فکری در ایران باید با یک تحول اساسی در نظام آموزشی آغاز شود. این تحول را نمی‌توان از طریق بازنگری‌های سطحی به دست آورد. این امر مستلزم بازنگری جامع در نهادها، برنامه‌های درسی، آموزش و پرورش، پرسنل و زیرساخت‌ها است. اصلاحات همچنین باید در حوزه‌های متنوع - علم، ادبیات، موسیقی، تجارت، هنر و ورزش - سرمایه‌گذاری کند و در عین حال مدارس خدمات عمومی ممتاز مطابق با استانداردهای بین‌المللی تأسیس کند. مهم‌تر از همه، باید بر دانش به عنوان یک حق انسانی تأکید کند. پس از دهه‌ها کنترل ایدئولوژیک، ایرانی‌ها شایسته نظام آموزشی هستند که کرامت، استقلال و توسعه کامل پتانسیل فردی را در اولویت قرار دهد.

فرض اصلی این مقاله این است که اصلاحات آموزشی نیازی اساسی برای بهبود ملی است و سمت و سوی آن به طرف چهار هدف اصلی است:

۱. از بین بردن میراث فکری، فرهنگی و روانی رژیم تمامیت‌خواه اسلام‌گرا
۲. ایجاد یک فرهنگ فکری سکولار و دموکراتیک
۳. توسعه ظرفیت‌های فکری عمومی لازم برای مشارکت موفق ایران در جامعه و اقتصاد جهانی قرن بیست و یکم
۴. ایجاد شایستگی‌های تخصصی لازم برای پیشبرد اهداف استراتژیک ایران در علم، دیپلماسی، بوم‌شناسی و توسعه پایدار.

۲. پیشینه: بحران‌های ایدئولوژیک، نهادی و زیرساختی آموزش در جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی طی چهار دهه، نظام آموزشی ایران را به ستون اصلی کنترل اقتدارگرایانه تبدیل کرده است. امروز، نظام آموزشی ایران از یک بحران سه‌گانه - ایدئولوژیک، نهادی و زیرساختی - رنج می‌برد که هر یک

دیگری را تقویت می‌کند. این بحران‌ها با مجموعه‌ای از شکست‌های سیستمی متقاطع همراه بوده است که نابرابری را گسترش داده‌اند، ناکارآمدی را تثبیت کرده‌اند و انقطاع نظام آموزشی از واقعیت‌های ملی و جهانی را عمیق‌تر کرده‌اند. هرگونه اصلاح معنادار باید با یک تسویه حساب صادقانه با این میراث آغاز شود.

۲.۱. میراث آموزش ایدئولوژیک

رژیم جمهوری اسلامی از بدو تأسیس، نظام آموزشی را برای تغییر شکل آگاهی اجتماعی و سیاسی، با هدف تربیت شهروندان وفادار و متدین، طراحی کرده است. مطابق با سایر جنبه‌های سازمان دولتی، جمهوری اسلامی نظام آموزشی را به صورت انحصاری و متمرکز اداره کرده است و از طریق کنترل‌های شدید بر برنامه‌های درسی و استخدام معلمان، سازگاری با ایدئولوژی دولت را تضمین می‌کند. جنبه‌های کلیدی این سیستم به شرح زیر است:

- اسلامی‌سازی حیات فکری و سرکوب رشته‌های انتقادی: علوم انسانی و اجتماعی یا حذف یا با نسخه‌های اسلامی‌شده جایگزین شده‌اند، به عنوان مثال، رشته‌هایی مانند فلسفه، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی پاکسازی یا با انواع اسلامی‌شده جایگزین شده‌اند. آزادی آکادمیک به طور سیستماتیک از بین رفته است و معلمان و دانش‌آموزان توسط شبکه‌های بسیج از نزدیک تحت نظارت قرار گرفته‌اند. این شامل بازنگری جامع کتاب‌های درسی برای همسو شدن با اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب نیز بوده است.
- القای مذهبی: کتاب‌های درسی و برنامه‌های درسی به شدت بر فقه اسلامی، شهادت، جهاد و اطاعت از ولایت فقیه متمرکز بوده‌اند. این محتوا دانش‌آموز را نه به عنوان یک شهروند مستقل، بلکه به عنوان یک تابع اقتدار الهی در نظر می‌گیرد.
- انحصار ایدئولوژیک: مطالعات اجتماعی، ادبیات و حتی علوم با شعارهای انقلابی و مضامین توطئه‌آمیز ضد غربی آغشته شده‌اند. هدف، بستن امکان چارچوب‌های سیاسی یا معرفت‌شناختی جایگزین بوده است.
- امت‌سازی: هویت ملی ایرانی تابع دیدگاهی از فراملی‌گرایی اسلامی قرار گرفته است که هدف آن انحلال فرهنگ و تاریخ ایران به نفع یک ماموریت مذهبی-سیاسی فراملی بوده و دانش‌آموزان را تشویق می‌کرد تا خود را بخشی از «امت» (جامعه فراملی مسلمانان) بدانند و وظیفه دفاع و گسترش انقلاب اسلامی را بر عهده داشته باشند.
- جداسازی جنسیتی: این امر برای تقویت نقش‌های سنتی زنان و مردان مطابق با آموزه‌های اسلامی بوده است. جداسازی هم فیزیکی و هم فکری است. مدارس از نظر فیزیکی بر اساس جنسیت از هم جدا شده‌اند و محتوای برنامه درسی نقش‌های مردسالارانه را تقویت می‌کند.

این شیوه‌ها، جامعه‌ای را پدید می‌آورد که از نظر فکری ظرفیت محدودی برای تعامل جهانی، نوآوری علمی یا مشورت دموکراتیک پیدا می‌کند. از بین بردن این میراث نیازمند رویکردی دقیق و مرحله‌بندی‌شده است که ریشه در درس‌های تاریخی دارد و پاسخگوی چالش‌های کنونی است.

۲.۲. بحران مدیریت و عدم انعطاف سازمانی و ساختاری

به موازات انعطاف‌ناپذیری‌های ایدئولوژیک، نظام آموزش و پرورش در ایران از شکست‌های عمیق مدیریتی رنج می‌برد. ساختار اداری، متورم، ناکارآمد و بسیار مقاوم در برابر اصلاحات است. جنبه‌های کلیدی این اختلال نهادی عبارت‌اند از:

- ساختارهای زائد: افزایش وزارتخانه‌ها، سازمان‌های تابعه و مقامات موازی منجر به خلق هزاران موقعیت زائد و هزینه‌های عمومی قابل توجه با حداقل بازده شده است.
- تداخل وظایف: مسئولیت‌های سازمانی متضاد منجر به تلاش‌های تکراری، پاسخگویی بسیار ضعیف و ناکارآمدی در ارائه خدمات شده است.
- نیروی انسانی ناعادلانه: منابع انسانی به طور نامتناسبی در مراکز شهری متمرکز شده‌اند و مناطق روستایی و حاشیه‌ای را به شدت محروم می‌کنند.
- فقدان حرفه‌ای‌گری و تجربه: فرهنگ روتین و ناکارآمدی و بی‌خیالی بر بسیاری از ادارات کل و معاونت‌ها و مؤسسات آموزشی حاکم است. ارتقاء و انتصابات اغلب بر اساس وفاداری ایدئولوژیک است تا شایستگی یا صلاحیت.

این بحران مدیریتی حتی تلاش‌های اصلاحی متوسط را نیز مختل می‌کند و به بی‌اعتمادی گسترده به سیستم آموزشی دامن می‌زند. بدون ساده‌سازی نهادی و حرفه‌ای‌سازی، اصلاحات فنی و آموزشی غیرقابل اجرا خواهند ماند.

۳.۲. بحران سخت افزاری و زیرساختی

زیرساخت‌های فیزیکی سیستم آموزشی ایران در وضعیت فروپاشی آشکار قرار دارد. سال‌ها بی‌توجهی، سوءمدیریت بودجه و نابرابری منطقه‌ای، محیط‌های یادگیری ناامن و نابرابر ایجاد کرده است. مشکلات کلیدی این حوزه عبارتند از:

- کمبود شدید امکانات: کمبود شدید فضای آموزشی، به ویژه در مناطق شهری پرجمعیت و استان‌های دورافتاده و محروم وجود دارد.
- ساختمان‌های ناامن مدارس: تقریباً ۳۰ درصد از مدارس ایران از نظر ساختاری آسیب‌دیده یا در معرض خطر فروپاشی هستند که تهدیدی مستقیم برای دانش‌آموزان و کارکنان محسوب می‌شود.
- شرایط مدارس موقت: هزاران مدرسه در سراسر کشور در ساختمان‌هایی ساخته شده از گل، کاه، ظروف فلزی یا سایر مواد بی‌کیفیت فعالیت می‌کنند.

- تجهیزات ناکافی: آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و مدارس حرفه‌ای از کمبود مزمن تجهیزات اساسی رنج می‌برند که یادگیری عملی و توسعه مهارت‌ها را به شدت محدود می‌کند.
- کمبود بودجه: سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش ناکافی است و تلاش‌ها برای جذب حمایت‌های مردمی یا خیریه به دلیل بی‌اعتمادی و کنترل متمرکز تا حد زیادی شکست خورده است.

۴.۲. شکست‌های سیستماتیک دیگر

- علاوه بر سه بحران اصلی ایدئولوژی، مدیریتی و زیرساخت، سیستم آموزش و پرورش ایران از ضعف و شکست‌های سیستماتیک متعدد دیگری هم رنج می‌برد که عدالت، تداوم و ارتباط را تضعیف می‌کند. این شکست‌ها نابرابری‌های موجود را عمیق‌تر می‌کنند و نشان‌دهنده زوال گسترده‌تر و تیره و تار شدن امید به بهبود اوضاع هستند.
- بحران آموزش رایگان و غیررایگان: به طور کلی وعده قانون اساسی مبنی بر آموزش رایگان در جمهوری اسلامی از بین رفته است. اکثر مدارس دولتی اکنون به عنوان موسسات شهریه‌بگیر تحت عناوین مختلف - مانند مدارس هیئت امنایی، مدارس شاهد، مدارس دولتی نمونه و مدارس استعدادهای درخشان و ... - فعالیت می‌کنند. این موضوع تغییرات مثبت را کند و نابرابری‌ها را، به ویژه برای اقشار کم‌درآمد، افزایش داده است و در نتیجه هر روز بیش از روز گذشته دانش‌آموزانی به طور فزاینده از آموزش با کیفیت محروم می‌شوند. در عین حال، بنیانگذاران مدارس خصوصی - که زمانی انتظار می‌رفت نوآوری کنند و فشار را بر بخش دولتی کاهش دهند - از استقلال مورد نیاز به شکل معناداری محروم شده‌اند. همچنین، فروپاشی انسجام سیستم به خاطر تکثیر بیش از بیست نوع مدرسه مختلف، که منجر به چندپارگی، ناکارآمدی و فروپاشی استانداردهای جهانی می‌شود، تشدید می‌شود.

- بحران ترک تحصیل و کودکان بازمانده از تحصیل: هر ساله تعداد زیادی از کودکان ایرانی ترک تحصیل می‌کنند یا هرگز وارد سیستم آموزشی نمی‌شوند. طبق برآورد سال ۲۰۱۹ مرکز پژوهش‌های مجلس ایران، بیش از دو و نیم میلیون کودک از مدرسه خارج شده‌اند. این بحران ناشی از ترکیبی از مشکلات اقتصادی، مسافت‌های طولانی تا مراکز آموزشی، کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و فقدان آینده تحصیلی یا حرفه‌ای قانع‌کننده است. دولت به طور مداوم در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر شکست خورده و چرخه‌های فقر و محرومیت را تشدید کرده است.
- بحران انزوا و گسست ارتباط: سیستم آموزشی جمهوری اسلامی نه تنها از نظر ایدئولوژیکی منزوی است، بلکه از نظر عملکردی نیز از نیازهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر کشور جدا افتاده است. ادغام و ارتباط بسیار کمی بین مدارس و بخش‌هایی مانند صنعت، کشاورزی یا سیاست‌های زیست‌محیطی وجود دارد و برنامه‌های درسی انتزاعی و جدا از کاربردهای دنیای واقعی باقی می‌مانند. دانش‌آموزان با دانشی فارغ التحصیل می‌شوند که ارزش محدودی در بازار کار یا زندگی عمومی دارد. انزوای بین‌المللی ایران، این درون‌گرایی را تشدید می‌کند: آموزش زبان ضعیف است، استانداردهای دانشگاهی جهانی نادیده گرفته می‌شوند و دانش‌آموزان برای رقابت در عرصه‌های جهانی آمادگی کمی دارند. در نتیجه، آموزش ایران نه تنها در اصول، بلکه در عملکرد نیز شکست می‌خورد.

۳. حذف میراث فکری و فرهنگی جمهوری اسلامی

- سیستم آموزشی جدید ابتدا باید معماری ایدئولوژیک گذشته را از بین ببرد و شرایط را برای یک جامعه سکولار و دموکراتیک فراهم کند. در حالی که حذف انحصار دولتی بر آموزش ممکن است مورد بررسی قرار گیرد، همه مدارس باید مجوز تدریس یک برنامه درسی ملی جدید و یکپارچه را داشته باشند. اهداف برنامه درسی جدید به شرح زیر است:
- حذف نفوذ جمهوری اسلامی: نفوذ قاطع اسلام‌گرایان باید از برنامه درسی و از همه کتاب‌های درسی حذف شود، همانطور که تأکید بر شهادت، جهاد و نظامی‌گری نیز باید حذف شود.
 - پرداختن به خرابکاری‌های جمهوری اسلامی: برنامه درسی باید درک روشنی از آنچه در پنج دهه گذشته در ایران رخ داده است، در اختیار دانش‌آموزان مدارس قرار دهد.
 - غلبه بر ایده‌های اسلام‌گرایانه در مورد جنسیت: به دانش‌آموزان از سنین پایین نظریه برابری جنسیتی آموزش داده خواهد شد. کلاس‌های درس و فعالیت‌های مدرسه از حالت تفکیک جنسیتی خارج می‌شوند که شامل بازسازی و انطباق فیزیکی امکانات مدرسه نیز می‌شود.
 - ترویج دموکراسی ایرانی: دانش‌آموزان باید در مورد تاریخ انقلاب مشروطه و دموکراسی در ایران، نظریه سیاسی ایران و اروپا و ماهیت حقوق و مسئولیت‌های دموکراتیک همه شهروندان ایران جدید بیاموزند. آن‌ها باید آموزش مدنی کامل، از جمله حوزه‌های حیاتی مانند حقوق بشر و برابری جنسیتی، دریافت کنند.

- احیای هویت ملی ایرانی: به عنوان پاسخی به امت‌سازی جمهوری اسلامی، آموزش تاریخ و فرهنگ کشور به دانش‌آموزان بسیار مهم خواهد بود. ادبیات، تاریخ، فلسفه و هنر جایگاه برجسته‌ای در برنامه درسی خواهند داشت.
- ایجاد یک فرهنگ فکری باز: ترویج تفکر انتقادی ضروری خواهد بود. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که ایده‌ها را تجزیه و تحلیل کنند، استدلال‌های منطقی بسازند، با دیگران بحث کنند و به تنوع عقاید احترام بگذارند. آن‌ها تاریخ طیف وسیعی از ادیان و مکاتب فلسفی را مطالعه خواهند کرد، در معرض تاریخ‌ها و فرهنگ‌های مختلف از سراسر جهان قرار خواهند گرفت و به یادگیری زبان‌های خارجی تشویق می‌شوند.

۴. درس‌هایی از گذار پسا-توتالیتار: آلمان و ژاپن

اکثریت ایرانیانی که امروز زنده هستند، تحصیلات خود را تحت این سیستم دریافت کرده‌اند. بنابراین، میراث آموزشی جمهوری اسلامی گسترده است. برچیدن آن نه تنها مستلزم بازسازی کامل زندگی فکری و فرهنگی ایران، بلکه مستلزم ارتقای روحیه سیاسی پسا-توتالیتار نیز خواهد بود.

تجارب تاریخی مقایسه‌ای، راهنمایی‌های ارزشمندی ارائه می‌دهند. «نازی‌زدایی» آلمان پس از ۱۹۴۵ و اصلاحات دموکراتیک در ژاپن پس از جنگ، نشان می‌دهند که جوامع اقتدارگرا تا چه حد ظرفیت این را دارند که به دموکراسی‌های آزاد و لیبرال تبدیل شوند. در هر دو کشور، اصلاحات آموزشی برای بازسازی گسترده‌تر جامعه محوری بود. در حالی که ایالات متحده نقش تعیین‌کننده‌ای در تحمیل بسیاری از این اصلاحات ایفا کرد، در نهایت توسط بازیگران داخلی نیز که میراث فاجعه‌بار فاشیسم و نظامی‌گری را به رسمیت می‌شناختند، پذیرفته شدند. در مقابل، کشورهایی در بلوک شوروی که نتوانستند چنین اصلاحات فرهنگی عمیقی را دنبال کنند، برای دهه‌ها بسیار اقتدارگراتر باقی ماندند.

در آلمان پسا نازیسم، چندین استراتژی کلیدی، تحول آموزشی را شکل دادند:

- حذف نفوذ ایدئولوژیک: کتاب‌های درسی نازی ممنوع شدند و معلمان معتقد و مرتبط با ایدئولوژی نازی اخراج شدند. محتوای نژادپرستانه، نظامی‌گرایانه و ضد دموکراتیک از برنامه‌های درسی حذف شد.
- مقابله با جنایات تاریخی: آموزش هولوکاست به جزء اصلی آموزش تاریخ تبدیل شد. موزه‌ها و بناهای یادبود برای پرورش حافظه تاریخی و تأمل اخلاقی ایجاد شدند.
- آموزش دموکراسی: آموزش مدنی با تمرکز بر نظریه سیاسی، نهادهای دموکراتیک و مسئولیت‌های شهروندی معرفی شد.
- ایجاد یک فرهنگ فکری ضد تمامیت‌خواهی: آموزش بر مشارکت دانش‌آموزان، بحث آزاد و احترام به دیدگاه‌های متفاوت تأکید داشت. این امر در جامعه وسیع‌تر که شاهد تنوع جدیدی از رسانه‌ها و فرهنگ بود، منعکس شد. تالار کنگره در سال ۱۹۵۷ در برلین افتتاح شد؛ این تالار که هدیه‌ای از ایالات متحده آمریکا بود، تا به امروز

مرکز اصلی فرهنگ لیبرال بوده و میزبان کنفرانس‌ها، مناظرات، کنسرت‌ها و سایر فعالیت‌های فکری و فرهنگی است.

تجربه پس از جنگ ژاپن، اگرچه تحت تاثیر شرایط تاریخی و فرهنگی متفاوتی شکل گرفته بود، اما بینش بیشتری ارائه می‌دهد. سیستم آموزشی دستخوش تغییر عمده‌ای از تلقین ملی‌گرایانه به جهت‌گیری دموکراتیک شد. اصلاحات کلیدی شامل موارد زیر بود:

- تمرکززدایی از مدیریت مدارس: به مقامات محلی کنترل بیشتری بر محتوای آموزشی و مدیریت داده شد و دامنه کنترل ایدئولوژیک متمرکز کاهش یافت.
- بازنگری کتاب‌های درسی و آزادسازی برنامه درسی: تبلیغات زمان جنگ حذف و با محتوایی که تفکر انتقادی، همکاری بین‌المللی و مسئولیت مدنی را تشویق می‌کرد، جایگزین شد.
- نهادسازی برای نوسازی فکری: خانه بین‌المللی ژاپن، که در سال ۱۹۵۵ تأسیس شد، به مرکز اصلی گفتگوی فرهنگی و تبادل دانشگاهی تبدیل شد و زندگی فکری لیبرال پس از جنگ را در رشته‌های مختلف پرورش داد.

این موارد نشان می‌دهد که اصلاحات آموزشی نه تنها در راستای محتوا و از بین بردن میراث‌های اقتدارگرایانه است، بلکه در مورد بازسازی اعتماد مدنی و تغییر شکل گفتمان ملی نیز می‌باشد. ایران پس از جمهوری اسلامی باید از این تجربیات درس بگیرد تا یک سیستم آموزشی ایجاد کند که صرفاً گذشته را رد نکند، بلکه به طور فعال پایه‌های آینده‌ای بازتر، آگاهانه‌تر و دموکراتیک‌تر را بسازد.

۵. استراتژی مرحله‌ای برای اصلاحات آموزشی

اصلاح سیستم آموزشی ایران نیاز به یک استراتژی مرحله‌ای و چند ساله دارد که مطابق با زمینه‌های نهادی، قانونی و اجتماعی در حال تغییر گذار پس از جمهوری اسلامی باشد. این سند راهبردی، اصلاحات را در سه مرحله کلی تشریح می‌کند: مرحله ۱ (شش ماه نخست) بر ایدئولوژی‌زدایی اضطراری و تثبیت نهادی تمرکز دارد. مرحله ۲ (ماه‌های ۷ تا ۲۴) برنامه درسی سیستماتیک را آغاز می‌کند و اصلاحات ساختاری. مرحله ۳ (از ماه ۲۴ به بعد) تثبیت بلندمدت از طریق تعالی دانشگاهی و ادغام بین‌المللی را هدف قرار می‌دهد.

۱.۵. مرحله ۱: مرحله اضطراری

در شش ماه اول پس از سقوط جمهوری اسلامی، اولویت فوری، تثبیت نظام آموزشی و در عین حال آغاز اصلاحات فوری است که هم تداوم را تضمین کند و هم نشان‌دهنده گسست قاطع از گذشته باشد. این مرحله باید عمل‌گرایی اداری را

با اقدام سیاسی و نمادین روشن متعادل کند. هدف دوگانه است: حفظ فعالیت‌های مدارس بدون اختلال و شروع به کار فعالانه برای برچیدن پایه‌های ایدئولوژیک دستگاه آموزشی رژیم سابق.

۱.۱.۵. اولویت‌های فوری

- حذف سیاست جداسازی جنسیتی در مدارس و اختیاری کردن پوشش حجاب برای دانش‌آموزان و معلمان، و حذف ضوابط سختگیرانه پوشش اسلامی.
- شروع آموزش مجدد معلمان برای کلاس‌های مختلط برای حمایت از محیط‌های یادگیری فراگیر و یکپارچه.
- حذف کتاب‌های درسی و موضوعات منتخب مرتبط با القای ایدئولوژیک و فوق برنامه‌های خاص با هدف کاهش محتوای مرتبط با دستور کار ایدئولوژیک جمهوری اسلامی.
- حفظ ساختار اداری و استخدامی موجود با هدف جلوگیری از هرج و مرج و اطمینان از باز ماندن مدارس و تداوم فعالیت معلمان با دریافت حقوق خود و بدون ایجاد وقفه.
- ارائه خدمات پشتیبانی ضروری، از جمله حمل و نقل رایگان در مناطق روستایی و توزیع وعده‌های غذایی در استان‌های محروم، با هدف ارتقاء دسترسی عادلانه و حفظ دانش‌آموزان مناطق آسیب‌پذیر در محیط مدرسه.
- آموزش جامع جنسی: معرفی آموزش جنسی دقیق و مبتنی بر شواهد پزشکی برای پرداختن به مسائلی مانند ازدواج زودهنگام، سلامت باروری و رضایت جنسی.
- آموزش ضمن خدمت معلمان و کارکنان برای کلاس‌های درس یکپارچه و مختلط
- سیاست‌زدایی و ایدئولوژی‌زدایی از حرفه معلمی و ایجاد استانداردهای جدید استخدام بر اساس صلاحیت‌ها به جای وابستگی‌های سیاسی

۲.۱.۵. مداخلات ساختاری و قانونی

برای حمایت از این اولویت‌ها، اقدامات قانونی، اداری و نمادین زیر باید به سرعت اجرا شوند:

- بازنگری قانونی: لغو تمام قوانین و مقررات موجود که القای مذهبی، تفکیک جنسیتی یا گنجاندن محتوای ایدئولوژیک در برنامه درسی را الزامی می‌کنند.
- توقف و ممیزی برنامه درسی: تعلیق فوری محتوای ایدئولوژیک. یک گروه ویژه مستقل از مربیان، دانش‌گاہیان، مورخان و روانشناسان برای انجام بررسی محتوای آموزشی ایجاد شود.

- بررسی و ارزیابی مجدد پرسنل: شناسایی و تعلیق موقت مربیان و مدیرانی که در اجرای طرحهای ایدئولوژیک همدست بوده و هستند. ارائه بسته‌های بازنشستگی زود هنگام با حمایت‌های شفاف از رویه‌های قانونی برای تسهیل جابجایی سازمانی بدون ایجاد بی‌نظمی و با حداقل عوارض.
- گسست نمادین: تغییر نام مؤسسات، اصلاح تابلوهای عمومی و حذف نمادها، شعارها و تصاویر جمهوری اسلامی از محوطه مدرسه برای نشان دادن واضح گذار.

۱.۳.۵. چالش‌های قابل پیش‌بینی و احتمالی:

چندین خطر ممکن است این گذار را پیچیده کند:

- بوروکراسی متورم و ایدئولوژیک - که تقریباً ۴۰ درصد از کارمندان بخش دولتی را تشکیل می‌دهد - ممکن است در برابر اصلاحات مقاومت کند.
- برخی خانواده‌ها، معلمان و مدیران ممکن است با اقداماتی مانند آموزش مختلط مخالفت کنند یا از تصور از دست دادن جایگاه خود تحت سیاست‌های جدید بترسند.
- خانواده‌های فقیر ممکن است به درآمدهای حاصل از کار کودکان خود وابسته شده باشند و این امر، ادغام مجدد کودکان در آموزش رسمی را دشوار کند.
- وابستگان رژیم سابق ممکن است تلاش کنند آموزش ایدئولوژیک را از طریق مدارس خصوصی و در پوشش قانون ادامه دهند.

کاهش این چالش‌ها مستلزم ارتباطات زود هنگام و شفاف، مشارکت جامعه و اقدامات حمایتی اجتماعی، به ویژه برای خانواده‌های کم‌درآمد و کارکنان بلا تکلیف است. این مرحله باید پایه و اساس اصلاحات سیستمی عمیق‌تر در مراحل ۲ و ۳ را بنا نهد، ضمن اینکه اعتماد عمومی را احیا کند و ارزش‌های یک نظم آموزشی جدید و فراگیر را نشان دهد.

گذار از سیستم آموزشی تفکیک جنسیتی به مدارس مختلط در ایران نیز باید در طول این مرحله اولیه اصلاحات آغاز شود. با این حال، این ابتکار، چالش‌های زیرساختی و اجتماعی را به همراه دارد. با وجود تداوم آموزش بر مبنای تفکیک جنسیت برای پسران و دختران که بیش از چهار دهه تداوم داشته، هیچ مدل یا فضای طراحی شده‌ای برای آموزش مختلط وجود ندارد. به طور مشخص باید مطابق چارچوب فکری و نظری یک انقلاب ملی و سکولار، مدارس را ملزم به برچیدن کامل سیاست تفکیک جنسیتی کرد. اما به خاطر شرایط فعلی، یک رویکرد مرحله‌ای ضروری است: مدارس آزمایشی تعیین‌شده باید اجرای آموزش مختلط جنسیتی را آغاز کنند، در حالی که بازطراحی و بازسازی‌ها برای اطمینان از در دسترس بودن امکانات کافی و فراگیر - مانند سرویس بهداشتی و رختکن - برای همه دانش‌آموزان انجام شود. چیدمان انعطاف‌پذیر کلاس درس، همراه با فضاهای جداگانه اختیاری، می‌تواند این گذار را آسان‌تر سازد.

تعدیل نیروی کار آموزشی بسیار مهم خواهد بود. بسیاری از معلمان، که منحصر در محیط‌هایی با تفکیک جنسیتی کار کرده‌اند، ممکن است تغییر به آموزش مختلط را چالش‌برانگیز ببینند. برنامه‌های بازآموزی، با تمرکز بر حساسیت جنسیتی و آموزش فراگیر، ضروری خواهد بود. توزیع مجدد متعادل معلمان زن و مرد نیز ضروری است، همراه با مشوق‌هایی مانند پاداش و ارتقاء برای تشویق به بازنشستگی زود هنگام.

احتمالا در این مرحله شاهد مقاومت گروه‌ها و محافل محافظه‌کار خواهیم بود. برخی از والدین ممکن است به دلیل نگرانی‌های اخلاقی از فرستادن دختران خود به مدارس مختلط خودداری کنند. برای مقابله با این احتمال، به یک برنامه کلان فرهنگی و اجتماعی نیاز داریم. برنامه‌های مشارکت اجتماعی، از جمله کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی به نفع آموزش مختلط، باید برای اطمینان خاطر خانواده‌ها راه‌اندازی شود. برجسته کردن نمونه‌هایی از کشورهای مدرن با اکثریت مسلمان می‌تواند اعتماد به نفس ایجاد کند. همزمان، سازوکارهایی برای جلوگیری از آزار و اذیت - مانند سیاست‌های گزارش‌دهی شفاف، خدمات مشاوره‌ای و آموزش کارکنان - باید در همه مدارس تعبیه شود. دانش‌آموزان نیز به حمایت نیاز خواهند داشت. با توجه به اینکه آن‌ها در محیط‌هایی با تفکیک جنسیتی و با قوانین سختگیرانه بزرگ شده‌اند، ممکن است فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم برای تعاملات سالم مختلط باشند. برنامه‌های تربیتی، جلسات توجیهی و استراتژی‌های مشارکت ساختارمند در کلاس درس می‌توانند این گذار را تسهیل کنند. تشویق دانش‌آموزان بزرگتر به مربیگری دانش‌آموزان کوچک‌تر می‌تواند به عادی‌سازی هنجارهای رفتاری جدید کمک کند.

در این گذار همچنین باید از نظر منطقه‌ای حساس بود. مناطق شهری ممکن است آموزش مختلط را آسان‌تر بپذیرند، در حالی که مناطق روستایی یا محافظه‌کار ممکن است مقاومت کنند. اجرای مرحله‌ای منطقه‌ای، همراه با حمایت هدفمند - مانند بورسیه‌های تحصیلی برای دختران و بودجه زیرساختی برای مدارس روستایی - به کاهش نابرابری‌ها کمک خواهد کرد.

فراتر از ادغام جنسیتی، پرداختن به مقاومت ایدئولوژیک در میان مربیان ضروری است. برخی از معلمان، به ویژه آن‌هایی که تحت نظر رژیم آموزش دیده‌اند یا وابسته به آن هستند، ممکن است در برابر اصلاحات مقاومت کنند یا از اخراج خود بترسند. ارزیابی‌های فوری باید انجام شود تا مشخص شود کدام افراد می‌توانند سازگار شوند، کدام نیاز به آموزش مجدد دارند و کدام یک باید حذف شوند. باید به معلمان که صرفاً از برنامه‌های درسی اجباری پیروی می‌کردند، تضمین‌های واضح داده شود، در حالی که کسانی که به طور فعال ایدئولوژی افراطی را تبلیغ می‌کردند باید مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشند. آموزش مجدد، تضمین امنیت شغلی و گزینه‌های بازنشستگی زود هنگام باید بخشی از یک گذار انسانی و عملی باشند.

دانش‌آموزان نیز به حمایت روانی و تحصیلی نیاز خواهند داشت. برخی از دانش‌آموزان دبیرستانی که غرق در روایت‌های ایدئولوژیک هستند، ممکن است آموزش سکولار را گیج‌کننده ببینند. کودکان خردسال ممکن است در میان اختلافات بزرگسالان احساس اضطراب کنند. مدارس باید فضاهای بحث ساختارمند، مشاوره و تغییر تدریجی برنامه درسی را ارائه دهند؛ حفظ دروس اصلی و محتوای آموزشی و در عین حال توسعه محتوای جدید در تاریخ، ادبیات و اخلاق.

برای هماهنگی این اصلاحات، باید فوراً یک گروه ویژه آموزش ملی موقت تشکیل شود. این گروه متشکل از کارشناسان، مربیان و چهره‌های جامعه مدنی، باید بر اصلاحات پرسنلی نظارت کند، آموزش سریع معلمان را آغاز کند و اطمینان حاصل کند که هیچ مدرسه‌ای به دلیل کمبود نیروی انسانی یا شکاف‌های برنامه درسی مجبور به تعطیلی نخواهد شد. این سیستم باید در این مرحله حساس، کارآمد و منسجم باقی بماند.

در نهایت، این مرحله فقط در مورد حذف ایدئولوژی و القائات فکری نیست، بلکه پایه‌گذاری یک آموزش مدنی، فراگیر و دانش‌آموزمحور است. هنگامی که اجماع در مورد این اهداف پدیدار شود، ایران می‌تواند شروع به توسعه طرحی برای یک سیستم آموزشی جدید کند؛ با یادگیری از مدل‌های جهانی موفق و متناسب با شرایط منحصر به فرد کشور.

۲.۵. مرحله دوم: بازسازی انتقالی (۷ تا ۲۴ ماه)

مرحله دوم نشان‌دهنده تغییر از مداخله اضطراری به بازسازی سیستماتیک است. در این دوره است که ایران باید طراحی و اجرای آزمایشی مبانی ساختاری و فکری نظام آموزشی جدید خود را آغاز کند. چالش اصلی این مرحله، ایجاد تعادل بین تداوم و نوآوری است؛ حفظ عملکرد سیستم آموزشی در عین بازاندیشی در اصول، ساختار و اهداف آن.

۱.۲.۵. اولویت‌های اصلی در دو سال اول پس از جمهوری اسلامی

- حذف سازمان‌ها و ادارات زائد و ناکارآمد مانند نهضت سوادآموزی، سازمان مدارس غیرانتفاعی و معاونت پرورشی و ... و سازماندهی مجدد کارکنان آن‌ها در مدارس.
- توسعه، ساخت و تجهیز مجتمع‌های مدارس شبانه‌روزی در مناطق روستایی برای کاهش نرخ ترک تحصیل و ارائه خدمات آموزشی با کیفیت.
- تدوین استراتژی‌های لازم برای کاهش ترک تحصیل و بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به سیستم آموزشی.
- حذف تنوع و گوناگونی نامتعارف مدارس که پدیده عجیب مختص نظام آموزشی ایران است و به رسمیت شناختن صرفاً دو نوع مدرسه دولتی و خصوصی.
- تغییر در شیوه جذب و استخدام و تسهیل ورود فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی به سیستم آموزشی از طریق ارائه برنامه‌های آموزشی مورد نیاز به آن‌ها در یک دوره مشخص قبل از خدمت.
- تقویت نهادهایی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای فراهم کردن زمینه مشارکت در فوق برنامه‌های مفید و معنادار برای دانش‌آموزان.
- اصلاحات درسی در رشته‌های کلیدی، از جمله طراحی مجدد و غیر سیاسی کردن آموزش تاریخ، علوم اجتماعی، علوم انسانی و ادبیات؛ ادغام آموزش‌های محلی و منطقه‌ای، فراگیر و غیرایدئولوژیک، و بازنگری کتاب‌های درسی برای انعکاس دقت علمی، کثرت‌گرایی و پژوهش انتقادی.

- انجام یک بازنگری جامع در برنامه‌های درسی علوم انسانی و اجتماعی، و معرفی مجدد جامعه‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی در چارچوب‌های سکولار.

حذف تفکیک جنسیتی در تمام سطوح آموزش، چه از نظر فیزیکی و چه در طراحی برنامه درسی، و تضمین دسترسی برابر به موضوعات به صورت برابر برای دختران و پسران.

۲.۲.۵. چالش‌ها و موانع کلیدی:

- کمبود معلم و خستگی ناشی از بازآموزی: بسیاری از معلمان که در مرحله فوری حذف یا جابجا می‌شوند، نیاز به جایگزینی یا آموزش مجدد دارند. خستگی، مقاومت و فقدان زیرساخت‌های آموزشی ممکن است این تلاش‌ها را مختل کند.
- خلاء و چندپارگی برنامه درسی: حذف محتوای ایدئولوژیک، شکاف‌هایی را در برنامه درسی ایجاد خواهد کرد. بدون جایگزینی فوری، خطر ناهماهنگی یا بداهه‌پردازی در آموزش و در کلاس درس وجود دارد.
- اجرای ناموزون در مناطق مختلف: مدارس شهری ممکن است به سرعت پیشرفت کنند، در حالی که مناطق روستایی یا کم‌برخوردار به دلیل کمبود زیرساخت‌ها و منابع انسانی عقب می‌مانند.
- آسیب‌های روانی و بی‌تفاوتی دانش‌آموزان: بسیاری از دانش‌آموزان همچنان با آسیب‌های روانی پردازش نشده و بی‌ثباتی آموزشی دست و پنجه نرم خواهند کرد.
- بی‌اعتمادی نهادی: پس از دهه‌ها دستکاری ایدئولوژیک، اعتماد عمومی به مقامات آموزشی ممکن است همچنان پایین باشد.

۱. برنامه ملی بازآموزی معلمان:

- ایجاد دانشکده معلمان منطقه‌ای و مؤسسات تابستانی با تمرکز بر آموزش فراگیر، آموزش مدنی و اخلاق پسا استبدادی.
- جذب دانشجویان تازه فارغ‌التحصیل دانشگاه در بورسیه‌های تدریس سریع.
- استفاده از ایرانیان مهاجر در دیگر کشورها و دعوت از مربیان و دانشگاهیان تبعیدی برای بازگشت با قراردادهای موقت یا پلتفرم‌های مجازی

۲. تدوین موقت برنامه درسی:

- معرفی یک برنامه درسی موقت و هماهنگ با موضوعات اصلی: آموزش مدنی، مطالعات قانون اساسی، میراث فرهنگی ایران، دین تطبیقی، علم و تاریخ جهانی.
- همکاری با سازمان‌های غیردولتی آموزشی بین‌المللی معتبر و مؤسسات دانشگاهی برای پشتیبانی فنی و مدل‌های تطبیقی.

۳. مدارس نمونه و نوآوری‌های آموزشی:

- تعیین شبکه‌ای از «مدارس نمونه» در سراسر استان‌ها برای آزمایش روش‌های جدید تدریس، ساختارهای حاکمیت مشارکتی و استراتژی‌های مشارکت اجتماعی.
- ترویج آزمایش در شوراهای مدرسه، انجمن‌های والدین و فعالیت‌های تحت رهبری دانش‌آموزان برای تقویت رویه‌های دموکراتیک در سطح مدرسه.

۴. حمایت از دانش‌آموزان و خدمات روانی-اجتماعی:

- اعزام مشاوران آموزش‌دیده به مدارس که در معرض آسیب‌های روانی بالایی قرار دارند.

- تجميع و ادغام رویه‌های مبتنی بر آسیب‌های روانی در آموزش و پرورش، به‌ویژه برای دانش‌آموزان دوره متوسطه.

۵. سازوکارهای مشارکت عمومی و پاسخگویی:

- ایجاد شوراهای مشاوره آموزش محلی متشکل از والدین، دانش‌آموزان، معلمان و اعضای جامعه مدنی.
- ترویج شفافیت در تصمیم‌گیری و تخصیص عادلانه منابع در مناطق مختلف.

۵-۳- مرحله سوم: تحول بلندمدت (فراتر از ۲ سال)

مرحله نهایی، نهادینه‌سازی اصلاحات است. هدف، تثبیت نظام آموزشی ایران بر اساس ارزش‌های کثرت‌گرایی، تعالی، و ارتباط و رقابت‌پذیری جهانی در عین پرداختن به نابرابری‌های دیرینه و کاستی‌های ساختاری است.

۵-۳-۱- اولویت‌های اصلی:

ارائه آموزش عمومی همگانی، رایگان و با کیفیت بالا برای همه شهروندان
 اجازه مشارکت بخش خصوصی در آموزش
 ساده و چابک‌سازی بخش اداری و تقویت نقش مدارس
 گسترش دامنه محتوای آموزشی به گونه‌ای که به عنوان مثال زبان‌ها و گویش‌های محلی نیز در مدارس آموزش داده شوند.
 لغو مدل استخدام دولتی متمرکز و مادام‌العمر برای معلمان جدید و جایگزینی آن با استخدام مبتنی بر ارزیابی‌های عملکرد مداوم و غیرمتمرکز توسط مدارس و ادارات آموزش محلی

۵-۳-۲- چالش‌ها و موانع کلیدی

- استانداردسازی برنامه درسی و فشارهای سیاسی: برنامه درسی بلندمدت باید با دیدگاه‌های رقیب هویت ایرانی رقابت کرده و برتری داشته باشد و در عین حال از بازگشت ایدئولوژی یا سیاسی شدن اجتناب کند.

- نابرابری زیرساختی: مدارس روستایی، به ویژه مدارس مناطق دورافتاده، ممکن است همچنان از زیرساخت ضعیف و دسترسی محدود به معلمان واجد شرایط رنج ببرند.
- فرار مغزها و انزوای دانشگاهی: دانشگاه‌ها ممکن است همچنان اساتید با استعداد را به دلیل مهاجرت از دست بدهند یا از ساختارهای مدیریتی منسوخ رنج ببرند و در نتیجه مدارس و نظام آموزشی را از وجود خود محروم کنند.
- محدودیت‌های مالی: یک دولت جدید پس از رژیم کنونی ممکن است با محدودیت‌های مالی مواجه شود که این خود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، فناوری و حقوق را به تأخیر می‌اندازد.

۵-۳-۳- راه‌حل‌های پیشنهادی

۱- نهایی کردن یک برنامه درسی ملی و فلسفه آموزش:

- تشکیل یک مجمع ملی آموزش، متشکل از محققان، مربیان و دانشگاهیان برای تدوین یک فلسفه راهنما برای آموزش.
- دادن اختیار به نهادهای مستقل توسعه برنامه درسی که از دخالت سیاسی مصون باشند.
- تأکید بر سکولاریسم، پژوهش انتقادی، اخلاق و ادغام سنت‌های فکری و فرهنگی متنوع ایران.

۲- سرمایه‌گذاری وسیع در زیرساخت‌ها:

- راه‌اندازی «طرح ملی بازسازی مدارس» با اولویت دادن به مناطق روستایی، دورافتاده و محروم شهری.
- گسترش دسترسی به زیرساخت‌های دیجیتال، از جمله تبلت‌ها، کلاس‌های درسی و پلتفرم‌های یادگیری آنلاین.
- تشویق ابتکارات ساخت و ساز محلی با مشارکت جوانان برای تقویت حس مالکیت و احیای جامعه.

۳- مشارکت‌های جهانی و ارتباط مجدد دانشگاهی:

- پیوستن مجدد به نهادهای آموزشی بین‌المللی و شبکه‌های دانشگاهی در حوزه آموزش.
- تشویق مشارکت‌های دانشگاهی، تبادل دانشجو و جابجایی اساتید از طریق بورسیه‌های تحت حمایت دولت.
- ترجمه متون کلیدی دانشگاهی جهانی به فارسی و سرمایه‌گذاری در کتابخانه‌های دیجیتال با دسترسی عمومی.

۴- اصلاحات در آموزش عالی:

- بازگرداندن استقلال نهادی و آزادی علمی به دانشگاه‌ها.
- تنوع‌بخشی به ساختارهای مدیریتی با نمایندگی دانشجویان و اساتید.
- اولویت دادن به تحقیقات در زمینه‌های حیاتی برای آینده ایران - سازگاری با آب و هوا، انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی، صنعت، حقوق بین‌الملل، فناوری‌های دیجیتال و بهداشت عمومی.

۵- عدالت آموزشی و شمول‌گرایی:

- سیاست‌های مثبت برای مناطق محروم.
- ارائه بورسیه‌ها، مسیرهای آموزشی ویژه و برنامه‌های مربیگری برای پرورش مدیر و متخصص از همه اقشار جامعه.

۶- نتیجه‌گیری

موضوع آموزش قلب و کانون اصلی آینده ایران است. بازپس‌گیری کلاس درس از ویرانه‌های سلطه ایدئولوژیک صرفاً یک وظیفه فنی یا اداری نیست؛ بلکه یک پروژه تمدنی است. سقوط جمهوری اسلامی فرصتی تاریخی برای بازاندیشی آموزش به عنوان نیرویی برای رهایی، نوسازی و کرامت جمعی ایجاد می‌کند. از طریق اصلاحات پایدار، ایران می‌تواند سیستم آموزشی قدرتمندی بناکند که به میراث فکری باستانی و درخشان خود احترام بگذارد و در عین حال نسل‌های آینده را برای رهبری در قرن بیست و یکم آماده کند.

این سند سیاست‌گذاری، نقشه راهی برای این تحول ارائه می‌دهد. این فراخوانی است برای مربیان، سیاست‌گذاران، دانشجویان و شهروندان تا در شکل‌دهی به نظامی مشارکت کنند که نه تنها منعکس‌کننده آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران باشد، بلکه به عنوان الگویی برای بازسازی پس از استبداد در سراسر جهان نیز عمل کند.

۷. سیاست خارجی

مقدمه: چارچوب سیاست خارجی دولت موقت ایران

سند پیش‌رو، نقشه‌ی راه سیاست خارجی دولت موقت ایران را در دوره گذار از جمهوری اسلامی به نظم سیاسی جدید ترسیم می‌کند. این سند با تکیه بر اصول واقع‌گرایانه، ملی‌گرایانه، و غیرایدئولوژیک تدوین شده است. هدف آن، پاسخ به

نیازهای فوری کشور در حوزه سیاست خارجی، تأمین امنیت ملی، جلب اعتماد بین‌المللی، و زمینه‌سازی برای بازسازی اقتصادی و ثبات منطقه‌ای است.

دوره گذار، فرصتی تاریخی برای بازتعریف جایگاه ایران در جهان است. رویکرد پیشین جمهوری اسلامی که بر اساس تقابل ایدئولوژیک، صدور بحران، و تخریب ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی استوار بود، اکنون جای خود را به دیپلماسی مسئولانه، همکاری چندجانبه، و توسعه‌محور خواهد داد.

این سند نه تنها اصول و اهداف سیاست خارجی جدید را بیان می‌کند، بلکه برنامه زمان‌بندی‌شده‌ای برای سه ماه نخست دوره گذار در ارتباط با قدرت‌های جهانی، همسایگان، نهادهای بین‌المللی و چارچوب‌های منطقه‌ای نیز ارائه می‌دهد. همچنین در این سند پیشنهادهاى مشخصی در زمینه بازسازی وزارت خارجه و راه‌اندازی دیپلماسی اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی گنجانده شده است.

چشم‌انداز سیاست خارجی ایران پس از گذار

هدف بنیادین

دولت موقت ایران اصلاح کامل سیاست خارجی را یکی از الزامات حیاتی برای بازسازی کشور، بازگشت به جامعه جهانی، و تثبیت نظم منطقه‌ای می‌داند. این تحول، با اهداف زیر دنبال خواهد شد:

- کسب سریع مشروعیت و به رسمیت شناخته شدن از سوی قدرت‌های کلیدی (آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل، همسایگان و شورای همکاری خلیج فارس، هند، چین و روسیه)؛
- پاسخ به نگرانی‌های جهانی درباره برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و رفتارهای بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای؛
- پایان دادن به انزوای بین‌المللی و رهایی اقتصاد از تحریم‌ها؛
- جایگزینی سیاست خارجی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با سیاستی عمل‌گرا، ملی و صلح‌محور.

1. شش اصل بنیادین سیاست خارجی ایران آینده

الف) عدم مداخله و احترام به حاکمیت کشورها

ایران آینده، سیاستی مبتنی بر احترام به تمامیت ارضی و حق حاکمیت دیگر کشورها در پیش خواهد گرفت. جمهوری اسلامی با صدور انقلاب، تنش آفریده است. دولت جدید به دنبال بازسازی داخلی خواهد بود، نه تحمیل خود به دیگران.

ب) شفافیت کامل در پرونده هسته‌ای

یکی از نخستین اقدامات دولت موقت، از سرگیری همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود. بازرسی‌های کامل و بدون محدودیت برای اثبات ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و تسهیل رفع تحریم‌ها انجام خواهد شد.

پ) به رسمیت شناختن اسرائیل و عادی‌سازی روابط

دولت آینده، اسرائیل را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت خواهد شناخت و بدون پیش‌شرط روند عادی‌سازی روابط را آغاز خواهد کرد. این اقدام نشانه‌ای روشن از پایان عصر ستیزه‌جویی جمهوری اسلامی است.

ت) بازسازی رابطه راهبردی با ایالات متحده

ایران به دنبال رابطه‌ای سازنده و محترمانه با واشنگتن خواهد بود. این رابطه بر مبنای منافع مشترک، دیپلماسی باز، و توافقات راهبردی در حوزه امنیت، تجارت و عدم تجاوز شکل خواهد گرفت.

ث) روابط متوازن و محترمانه با چین و روسیه

ایران از نقش تاثیرگذار دو کشور چین و روسیه در نظم جهانی آگاه است. در چارچوب سیاست خارجی جدید، این روابط بر پایه احترام متقابل، منافع مشترک و شفافیت بیشتر توسعه خواهد یافت. هدف، تقویت همکاری‌های اقتصادی، توسعه فناوری و دیپلماتیک است. همزمان با اطمینان از آنکه این همکاری‌ها بازتاب‌دهنده استقلال سیاسی ایران و اولویت‌های ملی آن نیز باشند.

ج) سیاست خارجی مبتنی بر منافع ملی و واقع‌گرایی

سیاست خارجی ایران در دوره جدید از مسیر ایدئولوژی، دشمن‌تراشی و رویکردهای شعارهای فاصله خواهد گرفت. محور اصلی، واقع‌گرایی، تعامل مسئولانه و تأمین منافع ملی خواهد بود. ایران به‌جای پیروی از قطب‌بندی‌های سیاسی یا دامن زدن به منازعه با قدرت‌های جهانی، به دنبال روابطی متوازن، سازنده و مستقل با تمام کشورها خواهد بود.

۲. اهداف کلان راهبردی در سیاست خارجی

الف) صلح از مسیر قدرت (نظامی-اقتصادی)

ایران آینده برای دفاع از امنیت ملی خود، در ایجاد قدرت بازدارندگی معتبر نظامی و اقتصادی سرمایه‌گذاری خواهد کرد. این سرمایه‌گذاری نه با هدف جنگ، بلکه برای دستیابی به صلح پایدار، جایگاه محترم در منطقه، و پیشگیری از هرگونه تهدید یا مداخله خواهد بود.

ب) شراکت استراتژیک با آمریکا برای ثبات منطقه

ایران آینده می‌تواند با ایفای نقشی سازنده در تأمین ثبات، مبارزه با تروریسم، و تقویت توسعه اقتصادی در منطقه، به کاهش بار نظامی و امنیتی ایالات متحده کمک کند. دولت گذار می‌تواند به شراکتی متوازن، مبتنی بر منافع مشترک و احترام متقابل دست یابد.

پ) تقویت روابط با اسرائیل و عربستان سعودی

ایران آینده برای بازتعریف جایگاه منطقه‌ای خود روابط خود را با اسرائیل و عربستان سعودی به‌عنوان دو ستون کلیدی تقویت خواهد کرد. ایران نقشی فعال در تأمین امنیت دریایی، مقابله با گروه‌های نیابتی، انتقال فناوری‌های پیشرفته و مدیریت منابع آبی ایفا خواهد کرد. همچنین در بازسازی نظم منطقه‌ای مبتنی بر همکاری و هم‌زیستی، مشارکت خواهد کرد. روابط مستحکم با اسرائیل نیز به‌طور خاص، نماد پایان یک دوره ایدئولوژیک و آغاز یک فصل نوین در سیاست خارجی ایران خواهد بود.

ت) چارچوب‌های همکاری چندجانبه منطقه‌ای

ایران سه محور همکاری منطقه‌ای را پیگیری خواهد کرد:

- خلیج فارس: امنیت دریایی، انرژی، عدم تجاوز
- شام (عراق، سوریه، لبنان، اردن): بازسازی، مقابله با بنیادگرایی
- آسیای مرکزی و قفقاز: ترانزیت، انرژی، مبارزه با قاچاق و بنیادگرایی

ث) بازگشت به نهادهای بین‌المللی

ایران تعامل خود را با نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل، آژانس انرژی اتمی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی از سر خواهد گرفت. دولت گذار به اصول عدم اشاعه، حقوق بشر و توسعه پایدار پایبند خواهد بود.

۳. اولویت‌های اجرایی در ۱۰۰ روز نخست

زمان‌بندی	اقدامات کلیدی
هفته اول	- ارسال پیام رسمی به کشورهای کلیدی برای اعلام تغییر نظام و درخواست به رسمیت شناختن دولت موقت - به رسمیت‌شناختن اسرائیل - اعلام همکاری کامل با آژانس انرژی اتمی - درخواست تعلیق فوری برخی تحریم‌ها
ماه اول	- آغاز مذاکره رسمی با آمریکا، اروپا، اسرائیل، چین، روسیه و همسایگان - باز کردن کانال‌های دیپلماتیک - پذیرش بازرس‌های آژانس اتمی - میزبانی نخستین کنفرانس همکاری منطقه‌ای
ماه دوم و سوم	- تدوین پیش‌نویس توافقات در حوزه تجارت، عدم تجاوز و همکاری اطلاعاتی - معرفی نمایندگان موقت در نهادهای کلیدی جهان - ارائه طرح همکاری منطقه‌ای در حوزه امنیت و اقتصاد
پایان ماه سوم	- آغاز رسمی روند لغو تحریم‌ها - امضای تفاهم‌نامه اولیه با آمریکا و اسرائیل - ارائه نقشه راه پنج‌ساله سیاست خارجی به افکار عمومی

الف) هفته اول: ارسال پیام‌های رسمی به کشورهای همسایه

هدف:

جلوگیری از سوء تفاهم، اعلام تعهد به حسن هم‌جواری، و دعوت به همکاری.

اقدام:

- ارسال پیام رسمی دولت موقت به تمام همسایگان:
- لزوم به رسمیت‌شناختن دولت موقت از سوی همسایگان
- ارسال پیام دوستی و تعهد به حسن همجواری
- کنترل دقیق مرزها برای جلوگیری از ورود نیروهای تروریستی
- تعهد دوطرفه به عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر
- احترام متقابل به تمامیت ارضی دو کشور
- دعوت به گفت‌وگو برای ثبات منطقه‌ای
- عدم پناه‌دادن به عوامل رژیم پیشین
- عدم اخلال در توافقات تجاری و گمرکی پیشین

ب) ماه اول: سفرهای منطقه‌ای رهبران موقت یا فرستادگان ویژه

کشور مقصد	هدف کلیدی	پیشنهاد توافق اولیه
ترکیه	اطمینان‌دهی در مورد گروه‌های تجزیه‌طلب و امنیت مرز غربی	همکاری امنیتی در مرزها + پایگاه اطلاعاتی مشترک
عراق	جلوگیری از نفوذ حشد الشعبی، آرام‌سازی مرزها	نظارت مشترک مرزی + قطع نفوذ نیابتی جمهوری اسلامی
جمهوری آذربایجان	کاهش تنش قومی و قوم‌گرایی پان‌ترکی	توافق بر سر عدم حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و عدم تلاش برای تغییر ژئوپلیتیک منطقه
پاکستان	مهار جیش‌العدل و تروریسم مرزی	ایجاد پاسگاه‌های مشترک + قطع حمایت اطلاعاتی از گروه‌ها
افغانستان	تضمین امنیت مرز شرق و مهاجرت	کنترل مهاجرت + عدم دخالت طالبان در امور ایران
عربستان	آغاز تنش‌زدایی، بازتعریف روابط منطقه‌ای	بیانیه مشترک علیه گروه‌های نیابتی

کشور	هدف کلیدی	پیشنهاد توافق اولیه
قطر	حفظ بی‌طرفی رسانه‌ای و مالی؛ عدم حمایت از گروه‌های همسو با ایدئولوژی جمهوری اسلامی	تفاهم‌نامه همکاری در حفظ ثبات و پرهیز از میزبانی فعالیت‌های ضد دولت موقت
امارات	تنش‌زدایی در خلیج فارس؛ تضمین امنیت دریایی و اقتصادی	توافق بر احترام به کریدورهای انرژی و بازسازی روابط دیپلماتیک و تجاری
بحرین	اطمینان‌دهی درباره قطع دخالت مذهبی و احترام به حاکمیت ملی	بیانیه مشترک عدم مداخله و آغاز گفت‌وگوی اعتمادساز
کویت	تقویت روابط دوستانه و هماهنگی در حوزه کنسولی و امنیت منطقه	یادداشت تفاهم همکاری دیپلماتیک و دعوت به حمایت کویت از روند انتقال آرام قدرت
ترکمنستان	حفظ ثبات مرز شمال‌شرق و تداوم همکاری در حوزه انرژی	توافق مرزی و تداوم پروژه‌های مشترک گاز و ترانزیت

پ) موضوعات کلیدی برای مذاکره

امنیت و مرزها

- همکاری فوری برای کنترل مرزها، جلوگیری از ورود سلاح و نیروهای مسلح.
- راه‌اندازی اتاق عملیات مرزی مشترک با تمامی کشورهای هم‌مرز.

اطلاعات و ضد تروریسم

- تبادل اطلاعات امنیتی درباره گروه‌های تهدیدزا (داعش، پژاک، جیش‌العدل، بازماندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب).

- امضای تفاهم‌نامه‌های محرمانه امنیتی و اطلاعاتی.

عدم حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب

- تعهد دوطرفه به عدم پناه دادن یا حمایت سیاسی از گروه‌های جدایی‌طلب یا ستیزه‌جو.

ت) اقدامات فوری در همکاری با همسایگان

اعلامیه رسمی همسایگان:

- درخواست از کشورها برای صدور بیانیه رسمی در حمایت از ثبات ایران، تمامیت ارضی و روند گذار.

شرح	اقدام
برای نظارت ۲۴ ساعته بر مرزها و حل تنش‌ها	تشکیل «کمیسیون مرزی مشترک» با هر کشور
بین فرماندهان مرزی ایران و کشورهای همسایه	بازگشایی خطوط تماس نظامی-امنیتی
در امتداد مرزها به صورت مشترک اعمال شود	ممنوعیت سفر گروه‌های مسلح غیردولتی
تنها از طریق مسیرهای رسمی با نظارت دولت موقت	هماهنگی ورود کمک‌های بشردوستانه

ج) پیشنهاد یک چارچوب منطقه‌ای:

راه‌اندازی "سازوکار گذار و ثبات ایران" با همسایگان:

- جلسات ماهانه با حضور نمایندگان ایران و همسایگان برای بررسی وضعیت.
- مشارکت ناظران از سازمان ملل یا اتحادیه اروپا برای اطمینان بخشی.

۵. روابط راهبردی فرامنطقه‌ای در دوره گذار

دولت موقت ایران در دوره گذار، سیاست خارجی خود را بر مبنای احترام متقابل، بازسازی اعتماد بین‌المللی، و همکاری واقع‌گرایانه با قدرت‌های جهانی بازتعریف خواهد کرد. هدف اصلی این بازتعریف، تثبیت داخلی، رفع تهدیدات فوری، و مهار بحران‌های اقتصادی و امنیتی کشور خواهد بود.

الف) ایالات متحده آمریکا

دولت موقت، عادی‌سازی کامل روابط با ایالات متحده آمریکا را در اولویت راهبردی خود قرار خواهد داد. این رابطه جدید باید بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک شکل گیرد، نه دشمنی یا وابستگی. ایران خواهان شراکتی راهبردی با ایالات متحده خواهد بود که هم به رفع تحریم‌ها بینجامد، هم به تثبیت امنیت داخلی و منطقه‌ای کمک کند، و هم مسیر بازگشت ایران به اقتصاد جهانی را هموار سازد.

اقدامات و مسیر سه‌ماهه:

هفته اول:

- ارسال پیام رسمی به کاخ سفید، وزارت خارجه، و نماینده آمریکا در سازمان ملل شامل:
 - اعلام پایان نظام جمهوری اسلامی؛
 - آمادگی برای گفت‌وگوی فوری درباره تحریم‌ها و ثبات منطقه.
 - تعهد به عدم توسعه تسلیحات هسته‌ای؛
 - دعوت برای بازگشایی سفارت

ماه اول:

- درخواست رسمی برای تعلیق فوری برخی تحریم‌های کلیدی (بانکی، انرژی و غیره).
- صدور بیانیه تعهد به همکاری با آژانس اتمی و شفاف‌سازی پرونده هسته‌ای.
- پیشنهاد دیدار دوجانبه؛ معرفی تیم ویژه مذاکره.

ماه دوم و سوم:

- پیگیری گفت‌وگوهای فنی درباره رفع تحریم‌ها.
- تدوین پیش‌نویس توافق دوجانبه در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری
- آغاز گفتگو برای هموار کردن شراکت استراتژیک مشابه سال‌های دهه ۷۰ میلادی

ب) اسرائیل

ایران، دولت اسرائیل را به رسمیت خواهد شناخت و روند عادی‌سازی سریع و بدون پیش‌شرط روابط را آغاز خواهد کرد. این چرخش راهبردی، پایانی است بر ایدئولوژی ستیزه‌جویانه پیشین و گامی است به سوی یک شراکت بلندمدت در امنیت و توسعه منطقه‌ای.

اقدامات و مسیر سه‌ماهه:

هفته اول:

- صدور بیانیه رسمی مبنی بر:
- به رسمیت شناختن دولت اسرائیل؛
- پایان سیاست خصمانه جمهوری اسلامی؛
- دعوت به گفت‌وگوی مستقیم.

ماه اول:

- ایجاد کانال ارتباطی محرمانه برای تبادل نظر اولیه.
- گفت‌وگو درباره همکاری در حوزه‌های:
 - آغاز گفتگو درباره ایجاد سفارت

- درخواست کمک به ایجاد ثبات، امنیت و جلوگیری از خرابکاری نیروهای رژیم پیشین
- فناوری، کشاورزی، امنیت آبی، سایبری و انرژی
- عدم اقدامات یک‌جانبه و ناهماهنگ از سوی طرفین

ماه دوم و سوم:

- امضای تفاهم‌نامه اولیه همکاری راهبردی.
- آغاز برنامه‌های آموزش نهادی و امنیتی شامل:
 - انتقال دانش به نهادهای انتظامی، اطلاعاتی و مرزبانی ایران؛
 - توسعه همکاری سایبری، اطلاعاتی و قضایی.

پ) اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین شرکای ایران در دوران گذار و بازسازی خواهد بود. ایران به دنبال تقویت رابطه‌ای چندوجهی با اروپا است که شامل تجارت، سرمایه‌گذاری، امنیت و مدیریت انسانی (پناهندگان و مهاجران) باشد.

اقدامات و مسیر سه‌ماهه:

هفته اول:

- ارسال پیام رسمی به شورای اروپا، کمیسیون و پارلمان اروپا برای:
 - اعلام تغییر نظام سیاسی حاکم بر کشور؛
 - درخواست حمایت سیاسی از دولت موقت؛
 - پیشنهاد همکاری در زمینه امنیتی و مسائل مشترک؛
 - آزادی شهروندان اروپایی از زندان‌های ایران.

ماه اول:

- درخواست تعلیق تحریم‌ها در حوزه بانکی، انرژی، و حمل‌ونقل.
- دعوت از هیئت رسمی اتحادیه اروپا برای بازدید از ایران.

- آغاز گفت‌وگو درباره سرمایه‌گذاری اضطراری در زیرساخت‌ها.

ماه دوم و سوم:

- تشکیل کارگروه مشترک برای:
 - بازسازی روابط بانکی و مالی (بازگشت به SWIFT)؛
 - جذب سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی، ترابری، صنایع نو.
 - ایجاد سازوکار قانونی برای مدیریت مهاجرت و اسکان پناهندگان ایرانی.
-

ت) چین و روسیه

ایران اعلام خواهد کرد که از جایگاه اقتصادی و نظامی چین و روسیه در نظم جهانی آگاه است و آن را به رسمیت می‌شناسد. دولت موقت خواهان روابطی سازنده، متوازن و شفاف با هر دو کشور خواهد بود.

اصول بنیادین:

- ادامه همکاری‌های اقتصادی و فناورانه بدون محدودیت؛
- بازنگری در تمامی توافقات مبهم و فاقد شفافیت؛
- تغییر مسیر روابط از وابستگی ژئوپلیتیکی به شراکت متقابل.

اقدامات سه‌ماهه:

هفته اول:

- ارسال پیام رسمی به پکن و مسکو با تأکید بر:
 - حفظ دوستی؛
 - پایان سیاست وابستگی جمهوری اسلامی؛
 - دعوت به گفت‌وگو درباره رسیدن به فهم مشترک.

ماه اول:

- تشکیل کمیته بررسی قراردادهای استراتژیک مانند:

- توافق ۲۵ ساله با چین؛
- قراردادهای دفاعی با روسیه.
- دعوت از شرکت‌های منتخب چینی و روس برای سرمایه‌گذاری شفاف.

ماه دوم و سوم:

- تدوین چارچوب جدید همکاری اقتصادی و دفاعی.
- تعیین مرز شفاف همکاری و تفاهم مبنی بر عدم مداخله سیاسی یا امنیتی متقابل
- امضای «بیانیه اصول روابط مستقل و متقابل».

ث) هند و ژاپن

دو کشور دموکراتیک و توسعه‌یافته آسیایی، از شرکای کلیدی ایران در حوزه فناوری، توسعه پایدار، و ثبات دریایی خواهند بود.

اقدامات سه‌ماهه:

- چابهار: از سرگیری پروژه با هند؛ تبدیل چابهار به مرکز ترابری تجاری جنوب شرق ایران.
- ژاپن: دعوت به مشارکت در پروژه‌های سلامت، انرژی سبز، و بازسازی.
- تعریف نقش ایران در ثبات خلیج فارس-اقیانوس هند به‌عنوان شریک ژئواقتصادی هند و ژاپن.

ج) نهادهای بین‌المللی

ایران تعامل خود با نهادهای بین‌المللی را به‌صورت کامل و فوری از سر خواهد گرفت. در رأس آن‌ها، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد.

آژانس انرژی اتمی:

هفته اول:

- ارسال نامه رسمی به آژانس:
- اعلام آمادگی برای بازرسی نامحدود از مراکز هسته‌ای؛
- تعهد به همکاری کامل.

ماه اول:

- ورود بازرسان؛
- تدوین نقشه راه فنی برای حل پرونده‌های باز؛
- تعهد به پروتکل الحاقی و اصول عدم اشاعه.

ماه دوم و سوم:

- انتشار گزارش مثبت مقدماتی؛
- تسهیل لغو تحریم‌ها؛
- طراحی برنامه بلندمدت هسته‌ای صلح‌آمیز.

سایر نهادهای بین‌المللی:

هفته اول:

- ارسال درخواست عضویت یا بازگشت فعال به:
 - بانک جهانی
 - صندوق بین‌المللی پول
 - سازمان تجارت جهانی

ماه اول:

- آغاز مذاکره برای کمک‌های اضطراری و فنی.
- تشکیل میزهای همکاری در حوزه‌های حکمرانی، سلامت، آموزش.

ماه دوم و سوم:

- جذب تسهیلات اضطراری برای بازسازی خدمات عمومی.
- ورود به پروژه‌های جهانی توسعه و تجارت.
- بازگشت به جایگاه فعال ایران در جامعه جهانی.

۶. جایگاه ایران در نظم منطقه‌ای و چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای

در دوره گذار، ایران باید نقش خود را به‌عنوان یک نیروی ضامن پایداری منطقه‌ای تعریف و تثبیت کند. دولت موقت، بر پایه سیاست خارجی غیرایدئولوژیک، خواهان خروج از انزوا و ایفای نقش فعال در معماری امنیتی و اقتصادی نوین منطقه خواهد بود.

سیاست منطقه‌ای ایران بر سه محور اصلی متمرکز خواهد بود:

1. خلیج فارس و شبه‌جزیره عربی
2. شامات و شرق مدیترانه
3. آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

الف) خلیج فارس و شبه‌جزیره عربی

هدف راهبردی:

ایران خواهان بازسازی روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، پایان دادن به رقابت‌های مذهبی-ایدئولوژیک، و ایجاد یک چارچوب همکاری امنیتی، انرژی و حمل‌ونقل دریایی خواهد بود.

اقدامات و زمان‌بندی:

هفته اول:

- ارسال پیام رسمی دولت موقت به اعضای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) شامل:
 - اعلام تعهد به حسن هم‌جواری و عدم مداخله؛
 - احترام به تمامیت ارضی و نظم سیاسی کشورهای عربی؛
 - دعوت به آغاز گفت‌وگوی امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای.

ماه اول:

- سفرهای رسمی یا اعزام فرستادگان ویژه به ریاض، ابوظبی، دوحه، کویت، منامه و مسقط.
- آغاز گفتگوهای دوجانبه درباره:
- مرزهای آبی، امنیت دریایی، شبکه‌های حمل و نقل انرژی، سرمایه‌گذاری مشترک.
- همکاری در کنترل افراط‌گرایی و انتقال فناوری غیرنظامی.

ماه دوم و سوم:

- پیشنهاد ایجاد یک سازوکار چندجانبه مانند:
- مجموعه چند کشور با حضور ایران، شش کشور GCC، و ناظران سازمان ملل یا اتحادیه اروپا.
- پیگیری ایجاد کمیسیون مشترک انرژی و امنیت دریایی برای مدیریت بحران‌ها و امنیت تنگه هرمز.

ب) شامات و شرق مدیترانه (عراق، سوریه، لبنان، اردن)

هدف راهبردی:

پایان دادن به سیاست مداخله‌گرایانه ایران در منطقه شامات، و جایگزینی آن با همکاری بازسازی، دیپلماسی صلح و مدیریت بحران‌های مهاجرتی و تروریستی و قاچاق موادمخدر

اقدامات و زمان‌بندی:

هفته اول:

- ارسال پیام به دولت‌های عراق، سوریه، لبنان و اردن با اعلام:
- قطع حمایت از گروه‌های نیابتی؛
- تعهد به عدم مداخله و احترام به حاکمیت ملی کشورها؛
- آمادگی برای همکاری در بازسازی و امنیت مرزی.

ماه اول:

- گفت‌وگوهای دوجانبه با دولت‌های عراق و سوریه درباره:

- خروج تدریجی عوامل شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی؛
- حفظ روابط دیپلماتیک و امنیتی با دولت‌های رسمی.
- مشارکت در پروژه‌های بازسازی غیرنظامی در سوریه و عراق.

ماه دوم و سوم:

- پیشنهاد راه‌اندازی ابتکار صلح شامات با حمایت سازمان ملل:
- برای هماهنگی بازسازی، مقابله با تروریسم و قاچاق موادمخدر، و کنترل مرزها؛
- با مشارکت ایران، عراق، اردن، سوریه، لبنان، اتحادیه اروپا، و ناظران منطقه‌ای.

پ) آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

هدف راهبردی:

تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان پل اقتصادی و ژئوپلیتیکی بین خاورمیانه، روسیه، چین و آسیای مرکزی، از طریق توسعه همکاری‌های ترانزیتی، انرژی و امنیت مرزی.

اقدامات و زمان‌بندی:

هفته اول:

- ارسال پیام رسمی به ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان:
- اعلام آمادگی برای تقویت روابط اقتصادی و ترانزیتی؛
- درخواست همکاری برای حفظ ثبات مرزهای مشترک و مقابله با قاچاق و بنیادگرایی.

ماه اول:

- گفت‌وگوهای دوجانبه با هدف:

- فعال‌سازی کریدورهای حمل‌ونقل (مانند INSTC و راه‌آهن سرخس-بندرعباس)؛
- توسعه صادرات برق، گاز، و خدمات فنی مهندسی به منطقه.

- آغاز مشورت‌های سه‌جانبه ایران-ترکمنستان-جمهوری آذربایجان.

ماه دوم و سوم:

- اعلام تمایل ایران به نقشی فعال‌تر در مجامع اقتصادی منطقه‌ای مانند:
 - سازمان همکاری اقتصادی (ECO)؛
 - مشارکت در پروژه‌های اتصال ریلی و جاده‌ای منطقه‌ای.

ت) پیشنهاد سازوکار فراگیر منطقه‌ای

سازوکار پیشنهادی: «طرح گذار و ثبات منطقه‌ای ایران»

شرح	مؤلفه
جلوگیری از مداخله خارجی، کاهش تنش‌ها، تثبیت مرزها	هدف
ایران + کشورهای همسایه (ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، GCC و غیره)	اعضا
نظارت سازمان ملل، اتحادیه اروپا، و نهادهای منطقه‌ای	حمایت
جلسات ماهانه، مرکز هماهنگی امنیت مرزی، تبادل اطلاعات ضدتروریسم	سازوکار
ایران خواهان صلح، ثبات و نقشی فعال در همکاری منطقه‌ای بر پایه منافع ملی و احترام متقابل است	پیام

۷. برنامه اضطراری بازسازی وزارت امور خارجه در دوره گذار

در نخستین روزهای گذار، وزارت امور خارجه باید به سرعت تحت کنترل سیاسی، اداری و راهبردی دولت موقت قرار گیرد. هدف این برنامه، تثبیت ارتباط خارجی کشور، پیشگیری از خلأهای دیپلماتیک، و آغاز بازسازی نهادی وزارت خارجه بر پایه منافع ملی و دیپلماسی حرفه‌ای است.

الف) اهداف کلیدی:

1. اعمال کنترل فوری بر شبکه دیپلماتیک جمهوری اسلامی
2. تعیین نمایندگان موقت در کشورها و نهادهای کلیدی جهان
3. حفظ پیوستگی عملکردی سفارتخانه‌ها و خدمات کنسولی
4. شروع غربالگری دیپلمات‌ها بر اساس شایستگی و وفاداری ملی

ب) گام‌های ۱۰ روز اول:

هفته اول: اعلامیه رسمی دولت موقت

- اعلام پایان سیاست خارجی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی؛
- صدور دستورالعمل به همه سفارتخانه‌ها:
 - حفظ نظم اداری و پرهیز از ترک پست یا پاک‌سازی اسناد؛
 - ممنوعیت هرگونه موضع‌گیری سیاسی مستقل.

پ) هفته دوم: انتصاب نمایندگان ویژه موقت در کشورها و نهادهای کلیدی

به دلیل اهمیت فوری برخی روابط، دولت موقت تصمیم به برکناری فوری سفرای فعلی جمهوری اسلامی در کشورهای کلیدی خواهد گرفت و به جای آن‌ها، نمایندگان ویژه موقت منصوب خواهند شد. این انتصابات پیام دولت موقت را منتقل و کانال‌های جدید ارتباطی را فعال خواهند کرد.

کشور / نهاد بین‌المللی	اقدام دولت موقت	ماموریت نماینده موقت
ایالات متحده (UN نیویورک و واشنگتن)	برکناری سفیر فعلی، اعزام نماینده ویژه موقت	ارسال پیام رسمی تغییر نظام + شروع تعامل دیپلماتیک

بریتانیا	برکناری سفیر، انتصاب نماینده ویژه موقت	حفظ ارتباط با وزارت خارجه و بررسی پرونده‌های مالی و قضایی
فرانسه	برکناری سفیر، اعزام نماینده موقت	بازسازی رابطه با کاخ ریاست جمهوری فرانسه و اتحادیه اروپا
آلمان	برکناری سفیر، اعزام نماینده موقت	همکاری حقوق بشری، اقتصادی و کنسولی
بلژیک (نهادهای اروپایی)	برکناری سفیر، اعزام نماینده موقت به نهادهای اتحادیه اروپا	بازتعریف رابطه ایران با اتحادیه اروپا
اسرائیل	تعیین نماینده ویژه موقت	شروع رابطه جدید و آغاز گفت‌وگوهای راهبردی

ت) تعیین وضعیت سایر سفارت‌ها و ارزیابی دیپلمات‌ها

درباره سایر سفرا و کارکنان نمایندگی‌ها:

- در صورتی که فاقد وابستگی به ساختارهای اطلاعاتی، امنیتی یا ایدئولوژیک جمهوری اسلامی باشند، می‌توانند با تأیید رئیس دولت موقت، به صورت مقطعی به کار خود ادامه دهند؛
- در مواردی که سفیر یا دیپلمات ارشد مشکوک به وابستگی ایدئولوژیک یا امنیتی باشد، فوراً مسئولیت به یک نیروی بوروکرات سفارت منتقل شود تا دستورالعمل‌های بعدی ابلاغ شود؛
- در تمام موارد، عملکرد نمایندگی باید از طریق دفتر مرکزی در تهران تحت رصد قرار گیرد.

ث) استمرار خدمات کنسولی و خدمات شهروندی

برای جلوگیری از خلل در خدمات به شهروندان ایرانی در خارج کشور:

- تشکیل «ستاد اضطراری کنسولی» در وزارت خارجه؛
- صدور بخشنامه فوری به همه سفارت‌ها برای تداوم:

- صدور گذرنامه و ویزا؛
- تأیید اسناد؛
- خدمات اضطراری به ایرانی‌ها؛
- مشاوره مهاجرت، اقامت، ازدواج، تولد، فوت؛
- ممنوعیت رفتارهای امنیتی یا تبعیض‌آمیز در امور شهروندی.
- ارائه کمک فوری به ایرانیان نسل دوم که گذرنامه یا تابعیت ایرانی ندارند، از جمله افرادی که به دلیل غیرایرانی بودن پدرشان از دریافت تابعیت محروم شده‌اند.

۸. ساختار اضطراری وزارت خارجه در دوره گذار

حوزه	اقدام پیشنهادی	توضیح
مدیریت	تعیین سرپرست موقت	با سابقه دیپلماسی، غیرایدئولوژیک و ملی‌گرا
اداری	تشکیل «کمیته ارزیابی دیپلمات‌ها»	بررسی سابقه وابستگی و عملکرد کارکنان
آموزشی	راه‌اندازی «مرکز بازآموزی دیپلماتیک»	تطبیق دیپلمات‌ها با سیاست خارجی جدید
رسانه‌ای	تشکیل «واحد شفافیت دیپلماتیک»	انتشار گزارش‌های ارتباطات خارجی
روابط منطقه‌ای	ایجاد «ستاد هماهنگی با کشورهای همسایه»	هماهنگی امنیتی و مرزی از طریق دیپلماسی فعال

اصل راهبردی:

وزارت خارجه نباید از هم بیپاشد، بلکه باید به سرعت از کنترل ایدئولوژیک خارج شده و بر مدار حرفه‌ای‌گری، ملی‌گرایی و تعامل مسئولانه با جهان بازسازی شود. این روند با ثبات فوری، غربال‌گری منصفانه، و بازآموزی حرفه‌ای آغاز خواهد شد.

۹. طرح تشکیل «کارگروه ویژه دیپلماسی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی»

وزارت امور خارجه – دولت موقت ایران

هدف کلان:

ایجاد یک سازوکار میان‌بخشی و حرفه‌ای در وزارت خارجه برای هدایت، تسهیل، و تسریع روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی، از طریق دیپلماسی اقتصادی فعال و هماهنگی کامل با تیم اقتصادی دولت موقت.

الف) ضرورت راه‌اندازی کارگروه‌ها:

- نیاز فوری به بازسازی اقتصادی ایران و تأمین منابع خارجی
- تبدیل وزارت خارجه به بازیگر فعال در توسعه اقتصادی و نه صرفاً نهاد سیاسی
- رقابت منطقه‌ای شدید برای جذب سرمایه‌گذار
- فرصت‌های گسترده ایران در انرژی، ترانزیت، صنعت، کشاورزی و فناوری
- نیاز به دیپلماسی اقتصادی هدفمند و بین‌المللی‌سازی فرصت‌ها

ب) ساختار پیشنهادی کارگروه:

بخش	وظایف
دبیرخانه مرکزی	برنامه‌ریزی کلان، هماهنگی با تیم اقتصادی دولت، نظارت بر کارکرد دفاتر سفارتی
بخش جذب سرمایه‌گذاری دولتی	رایزنی با دولت‌ها، صندوق‌های توسعه، بانک‌های چندجانبه مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک توسعه آسیا
بخش همکاری با شرکت‌ها	تعامل با شرکت‌های چندملیتی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، کارآفرینان جهانی

بخش دیپلماسی اقتصادی عمومی	طراحی پیام‌های اقتصادی ایران، کمپین‌های رسانه‌ای، تولید محتوای بین‌المللی
بخش برنامه‌ریزی رویدادها	برگزاری کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها، نشست‌های سرمایه‌گذاری، هفته اقتصادی ایران
بخش بین‌المللی‌سازی فرصت‌ها	حضور فعال در سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌های اقتصادی خارجی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی اقتصادی در کشورهای هدف، معرفی پروژه‌ها و فرصت‌های ایران در خارج از کشور

پ) مأموریت‌ها و اقدامات کلیدی:

کوتاه‌مدت (۳-۶ ماه اول):

- تدوین نقشه جامع دیپلماسی اقتصادی و جذب سرمایه خارجی
- تولید «کتابچه فرصت‌های اقتصادی ایران» با نسخه‌های انگلیسی، فرانسوی، عربی و چینی و دیگر زبان‌های هدف
- راه‌اندازی سامانه آنلاین سرمایه‌گذاری در ایران با زبان‌های متعدد
- حضور در حداقل ۳ کنفرانس اقتصادی جهانی (داووس، GITEX، JETRO، OECD یا مشابه)
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی معرفی فرصت‌های اقتصادی ایران در کشورهای کلیدی

میان‌مدت (۶ تا ۱۸ ماه):

- رایزنان اقتصادی در ۲۰ سفارت کلیدی
- امضای توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه با حداقل ۱۵ کشور
- تشکیل اتاق‌های مشترک سرمایه‌گذاری ایران - جهان
- برگزاری سالانه «کنفرانس بین‌المللی اقتصاد ایران نوین» در تهران یا کشور ثالث

- اصل شفافیت و ضد فساد در معرفی و جذب سرمایه‌گذاری
- تسهیل خروج آزاد سرمایه و امنیت حقوق مالکیت
- تمرکز بر پروژه‌های اشتغال‌زا و صادرات‌محور
- تعامل هدفمند و غیرایدئولوژیک با تمامی قدرت‌ها و بازارها

ث) نهاد هماهنگ‌کننده:

دفتر دیپلماسی اقتصادی
تحت معاونت ویژه اقتصادی وزارت امور خارجه
با مشارکت نمایندگان وزارت اقتصاد، نفت، صنعت، بانک مرکزی، اتاق بازرگانی، و دفتر رئیس‌دولت موقت

۸. نظامی و امنیتی

۱. مقدمه

برنامه اصلاح و بازسازی ساختار نظامی ایران توسط دولت انتقالی

(به ترتیب اولویت اجرایی در دوران گذار)

پروژه شکوفایی ایران، این طرح جامع را با هدف اصلاح ساختار نظامی کشور ارائه می‌دهد. طرحی که بر حفظ نظم عمومی، تأمین امنیت ملی، صیانت از تمامیت ارضی و آغاز گذار به یک نظام دموکراتیک تمرکز دارد. این برنامه با بهره‌گیری از تجربه‌های تاریخی طراحی شده تا از تکرار خطاهایی همچون سیاست‌های انتقام جویانه، پاک‌سازی‌های گسترده، و فروپاشی نهادهای امنیتی جلوگیری کند و در عین حال، نظم سیاسی جدید را تثبیت، مرزها را امن و از بازگشت نظام پیشین جلوگیری کند.

رویکرد این طرح مبتنی بر اصلاح، بازسازی، بیشترین میزان ادغام نیروهای موجود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فعلی است، نه بر تخریب یا انحلال کامل همه‌ی نهادها. افرادی که توانایی ایفای نقش مثبت در آینده ایران دارند، که اکثریت نیروهای میانی را نیز شامل می‌شود، در ساختار جدید حفظ خواهند شد. همچنین، کسانی که اگرچه مرتکب جرم

نشده‌اند، اما به دلایلی امکان ادامه خدمت در ساختار نظامی و امنیتی آینده را ندارند، با احترام بازنشسته خواهند شد. برای تسهیل گذار آنان به مشاغل جدید، تدابیر حمایتی لازم در نظر گرفته شده است. در مقابل، آن دسته از افرادی که مرتکب جنایات سنگین شده و دستشان به خون مردم آلوده است، به دستگاه قضایی معرفی خواهند شد تا در چارچوب یک روند شفاف و قانونی محاکمه شوند.

۲. اولویت‌های راهبردی در دوره گذار

الف) آمادگی برای مدیریت بحران در دوره گذار

دولت انتقالی باید فوراً برنامه‌های اضطراری برای حفظ ثبات امنیتی و سیاسی کشور را در دوره گذار طراحی و اجرا کند. نیروهای امنیتی بازسازی‌شده باید با هرگونه مقاومت سازمان‌یافته، خرابکاری و تهدید مسلحانه از سوی نهادهای سرکوبگر رژیم پیشین مقابله مؤثر و حرفه‌ای داشته باشند. فرماندهی نظامی باید بر انسجام داخلی، جلوگیری از شورش، مدیریت وفاداری‌ها و حفظ نظم تمرکز کند. دولت انتقالی باید راهکارهای تهیه‌شده توسط متخصصان امنیتی دولت انتقالی را برای جلوگیری از کودتا و اقدامات بازپس‌گیری قدرت توسط عوامل رژیم پیشین به دقت اجرا کند.

ب) بازگشت فوری نهادهای انتظامی، مرزبانی و امنیت ملی به کار

دولت انتقالی باید دستور فوری بازگشت به کار نهادهایی چون نیروی انتظامی، مرزبانی، گمرک، نیروهای ضد جاسوسی و حافظان مرزهای زمینی، هوایی و دریایی را صادر کند. این نهادها، تحت نظارت جدید، وظیفه تأمین امنیت داخلی و حراست از مرزها را بدون وقفه ادامه خواهند داد. پرداخت به‌موقع و کامل حقوق، مزایا و خدمات رفاهی تمامی پرسنل نظامی و انتظامی باید در اولویت باشد تا از سرخوردگی، نارضایتی و خلأ امنیتی جلوگیری شود. دولت انتقالی تأکید می‌کند که کشور قرار نیست از هم بپاشد؛ بلکه تنها سران فاسد، ایدئولوژیک و متعهد به نظام سابق باید برکنار شوند، و باقی ساختارها باید به سرعت به کار بازگردند.

پ) تفکیک میان وفاداری به رژیم و اقدامات جنایی

دولت انتقالی باید میان افرادی که صرفاً به‌صورت حرفه‌ای در نهادهای نظامی و امنیتی رژیم پیشین خدمت کرده‌اند و کسانی که مستقیماً در سرکوب، شکنجه، فساد یا جنایت مشارکت داشته‌اند تمایز قائل شود. دستگاه قضایی باید رهبران ایدئولوژیک، عاملان جنایت و ناقضان حقوق بشر را حذف و محاکمه کند، اما متخصصان فنی و کارشناسان حرفه‌ای را حفظ و بازجذب نماید.

ت) پرهیز از پاک‌سازی گسترده و عبرت از تجربه عراق و ۱۳۵۷

دولت انتقالی موظف است از اشتباهات تاریخی مانند بعث‌زدایی عراق پرهیز کند. پاک‌سازی گسترده بدنه نظامی موجب بی‌ثباتی، خلأ امنیتی، شورش و تقویت گروه‌های افراطی خواهد شد. سیاست رسمی دولت جذب حداکثری، بازآموزی و مدیریت انتقال مسالمت‌آمیز ساختارها خواهد بود.

ث) ایجاد کمیته‌های بررسی منصفانه برای ارزیابی پرسنل

دولت انتقالی باید با تشکیل نهادهای مربوطه سوابق پرسنل نظامی و امنیتی را به‌صورت موردی، شفاف و با تضمین حق دفاع بررسی کنند. این نهادها باید بر پایه مسئولیت فردی، نه صرف عضویت سازمانی، تصمیم‌گیری کنند. افرادی که از این فرآیند عبور می‌کنند، باید با صلاح‌دید و نظر رئیس دولت انتقالی و با انعطاف، در ساختار جدید جذب شوند.

ج) استفاده موقت از ساختارهای موجود برای جلوگیری از خلأ امنیتی

تا زمانی که ارتش و نهادهای امنیتی جدید به‌طور کامل سازمان‌دهی و عملیاتی شوند، دولت انتقالی باید از ساختارهای موجود برای حفظ نظم عمومی، دفاع ملی و کنترل مرزها استفاده کند. شروع ساختار نظامی از صفر غیرضروری، پرهزینه و خطرناک است.

چ) ادغام تدریجی نیروهای نظامی به‌جای انحلال ناگهانی

دولت باید آن دسته از اعضای سپاه و بسیج که آلوده به جنایت و فساد نیستند را پس از حذف نقش‌های ایدئولوژیک، آموزش مجدد دهد و به‌تدریج در ارتش ملی جذب کند. این فرایند باید با احتیاط و با هدف حفظ امنیت و انتقال تدریجی قدرت صورت گیرد تا از تکرار تجربه‌های خطرناک مانند ظهور داعش در عراق جلوگیری شود.

ح) ایجاد اعتماد با نیروهای نظامی و امنیتی سابق

دولت انتقالی باید با انتشار پیام‌های رسمی و اقدامات عینی، تأکید کند که هدف اصلاح است نه انتقام. رفتار با پرسنل میان‌رده و پایین‌رده باید همراه با احترام، امنیت شغلی و کرامت انسانی باشد تا زمینه نافرمانی، بی‌اعتمادی یا مقاومت از بین برود. دستگاه قضایی انتقالی باید روندهای قضایی عادلانه، شفاف و بر پایه شواهد علیه رهبران سرکوبگر و آمران اصلی سرکوب طراحی کند، نه مجازات دسته‌جمعی بدنه نیروها.

خ) تضمین معیشت و امنیت شغلی در دوره گذار

دولت باید برنامه‌هایی برای بازآموزی، بازنشستگی مرحله‌ای، جذب مجدد و استفاده هدفمند از نیروهای سابق تدوین و اجرا کند تا از بحران معیشتی و روانی در میان نیروهای مسلح جلوگیری شود.

د) حفظ حافظه نهادی نظامی

دولت انتقالی باید دانش تاکتیکی، اطلاعاتی، لجستیکی و جغرافیایی انباشته در میان پرسنل باتجربه را مستند و حفظ کند تا در طراحی ساختار جدید به کار گیرد.

۳. اصول اصلاح دموکراتیک ساختار نظامی

ذ) جداسازی نهاد نظامی از سیاست و ایدئولوژی

دولت باید ایدئولوژی را از ساختار نظامی حذف کند و نهادهایی مانند سپاه پاسداران را به طور کامل از ساختار نظامی کشور حذف کند. ارتش باید وفاداری خود را نه به رهبران مذهبی یا سیاسی، بلکه به قانون اساسی دموکراتیک و دفاع از کشور و ملت نشان دهد.

ر) ادغام نیروهای مسلح و پایان ساختارهای موازی

دولت باید تمامی نهادهای مسلح شامل را در یک ساختار واحد، متمرکز و پاسخگو ادغام کند. تمرکز فرماندهی، کاهش بوروکراسی، و افزایش کارایی باید در اولویت باشد.

ز) ضرورت ارتش حرفه‌ای، ملی و پاسخگو

دولت باید ارتش را نهادی مستقل، حرفه‌ای و وفادار به حاکمیت ملی و مردم تعریف کند. ارتش باید تنها به نهادهای دموکراتیک و پارلمان پاسخگو باشد و از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای منع شود.

ژ) پایبندی به اصل تمامیت ارضی ایران

ارتش باید متعهد به دفاع از تمامیت ارضی، استقلال ملی و وحدت سرزمینی ایران در برابر هرگونه تهدید خارجی یا داخلی باشد.

نیروهای مسلح باید با هرگونه اقدام قومی، سیاسی یا نظامی برای تجزیه کشور را به عنوان تهدید امنیت ملی شناسایی کرده و با آنها مقابله کنند. این اصل باید در دکترین دفاع ملی، آموزش نظامی و ساختار فرماندهی نهادینه شود.

۴. نوسازی نهادها و توانمندسازی دفاعی

س) تمرکز بر آموزش مدرن و توسعه سرمایه انسانی

دولت باید نظام آموزشی نظامی را با تأکید بر مهارت‌های فنی، جنگ سایبری، تحلیل اطلاعات، مدیریت بحران و اصول دموکراتیک و حقوق بشر نوسازی کند. فرصت‌های برابر برای همه اقشار، فارغ از قومیت، مذهب یا جنسیت، و گرایش جنسی باید تضمین شود.

ش) شفاف‌سازی مالی و بودجه‌ریزی هوشمند دفاعی

دولت باید با فساد، رانت‌خواری و پروژه‌های بی‌ثمر در ساختار دفاعی مقابله کند. برنامه‌ریزی برای بازگشت سرمایه، رفع تحریم‌ها و جذب کمک‌های بین‌المللی باید عملیاتی شود. گزارش‌های مالی و بودجه دفاعی باید به‌صورت عمومی و شفاف منتشر شود.

ص) ایجاد نظام ارزیابی و نظارت بر عملکرد

دولت باید سازوکارهایی برای ارزیابی اصلاحات، کارایی عملیاتی و پاسخگویی فرماندهی نظامی ایجاد کند و از فناوری‌های داده‌محور برای نظارت استفاده کند.

ض) ارتقا روحیه و رفاه پرسنل نظامی

دولت انتقالی باید حقوق، خدمات درمانی، آموزش و فرصت‌های شغلی مناسب برای پرسنل نظامی و خانواده‌هایشان فراهم کند تا انگیزه، وفاداری و اعتماد عمومی افزایش یابد.

ط) نوسازی تجهیزات و فناوری‌های نظامی

دولت باید در فناوری‌های نوین مانند پهپاد، دفاع سایبری، جنگ الکترونیک و هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کند. ارتش باید از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها برای توسعه تجهیزات مدرن بهره‌برداری و سامانه‌های فرسوده را جایگزین کند.

ظ) توسعه دیپلماسی دفاعی و همکاری‌های بین‌المللی

دولت انتقالی باید به سیاست نظامی‌گری منطقه‌ای پایان دهد و به ائتلاف‌های نیروهای بین‌المللی حافظ صلح و سازمان ملل بپیوندد. ایران باید با کشورهای منطقه‌ای و جهانی برای افزایش بازدارندگی و تعامل نظامی سازنده روابط دفاعی برقرار کند.

۵. مراحل بازسازی در دوره انتقالی (۲۴ ماهه)

هدف کلی: هدایت کشور از فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی به سوی تثبیت نهادهای ملی، دموکراتیک، پاسخگو و امنیت‌محور.

فاز اول: دوره بلافاصله پس از فروپاشی رژیم (۰ تا ۳ ماه)

هدف: تثبیت شرایط بحرانی، جلوگیری از خلأ قدرت، حفظ نظم و آغاز جداسازی ساختارهای رژیم سابق

اقدامات کلیدی:

- تشکیل دولت انتقالی با مشروعیت داخلی و حمایت بین‌المللی، مبتنی بر منشور وحدت ملی و بیانیه پایان رژیم سابق
- اعلام بی‌طرفی ارتش و دعوت از همه نیروهای انتظامی، مرزبانی و امنیتی برای بازگشت به کار با نظارت جدید
- تصرف مسالمت‌آمیز مراکز حساس حکومتی (دفتر رهبری، صدا و سیما، وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج) و توقف فعالیت رسمی این نهادها
- انتشار دستورالعمل عدم استفاده از خشونت علیه شهروندان و اجرای فوری عفو مشروط عمومی برای پرسنل نظامی
- تشکیل «کمیته اضطراری ثبات» شامل نمایندگان ارتش، انتظامی، نخبگان ملی و تسهیل‌گر بین‌المللی
- حفاظت از مرزها، تأسیسات زیربنایی و منابع ملی (نفت، انرژی، بانک مرکزی، فرودگاه‌ها، نیروگاه‌ها)
- تعلیق فعالیت سپاه، بسیج و سازمان‌های اطلاعاتی رژیم سابق؛ مصادره اموال عمومی آن‌ها
- تأمین پرداخت فوری حقوق نظامیان، معلمان، کادر درمان و کارمندان دولتی برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی
- آغاز رسمی پروژه «بازتعریف هویت ارتش» به‌عنوان نهاد ملی و غیرایدئولوژیک زیر نظر دولت انتقالی

فاز دوم: بازسازی نهادی در دوره گذار (۳ تا ۱۲ ماه)

هدف: طراحی و استقرار نهادهای امنیتی، انتظامی، اطلاعاتی و قضایی ملی به جای ساختارهای سرکوبگر سابق

اقدامات کلیدی:

- تاسیس «سازمان اطلاعات و امنیت ملی» جدید (National Intelligence and Security Service - NISS) با ساختار شفاف و پاسخگو به رهبر دوران انتقالی
- اجرای طرح اصلاح نیروی انتظامی و بازآموزی ماموران با تمرکز بر نظم مدنی، حقوق بشر و کنترل دموکراتیک
- استقرار سامانه نظارت مردمی (Community Oversight Boards) بر عملکرد پلیس و نیروهای امنیتی
- تشکیل دادگاه‌های گذار و «هیأت حقیقت‌یاب» برای رسیدگی به جنایات، فساد، شکنجه و سرکوب در رژیم پیشین
- طراحی «برنامه حفاظت مرزی نوین» با کمک ارتش و نیروهای بازآموزی‌شده؛ استفاده از فناوری نو برای نظارت بر مرزها
- ادغام تدریجی نیروهای سابق سپاه، بسیج و اطلاعات در ساختارهای جدید نظامی و غیرنظامی (با ارزیابی دقیق)
- تدوین «قانون ممنوعیت دخالت نهادهای نظامی در سیاست، اقتصاد و رسانه»
- آغاز بازسازی آکادمی‌های نظامی با تمرکز بر آموزش حرفه‌ای، جنگ سایبری، حقوق بین‌الملل و دفاع غیرایندوژنیک
- راه‌اندازی سامانه ثبت و ارزیابی سابقه پرسنل امنیتی جهت تصمیم‌گیری درباره تداوم، بازنشستگی یا پیگرد

فاز سوم: تثبیت و نهادینه‌سازی ساختارهای جدید (۱۲ تا ۲۴ ماه)

هدف: نهادینه‌سازی ساختارهای پاسخگو و حرفه‌ای دفاعی-امنیتی و آمادگی برای تحویل به دولت منتخب

اقدامات کلیدی:

- برقراری کنترل کامل دولت انتقالی بر ارتش، پلیس، مرزبانی و امنیت ملی از طریق پارلمان موقت و کمیسیون‌های نظارتی
- تصویب قانون اساسی جدید و یا نسخه موقت آن با گنجاندن اصول کلیدی: ارتش ملی، تمامیت ارضی، بی‌طرفی سیاسی، نظارت مردمی
- تشکیل نیروی اطلاعات خارجی حرفه‌ای جهت مقابله با جاسوسی و نفوذ دشمنان (در چارچوب منشور همکاری بین‌المللی)
- بازنگری در ساختار وزارت دفاع و نهادهای پشتیبانی نیروهای مسلح با هدف کاهش بوروکراسی و فساد
- پایان فرآیند ادغام ساختارهای نظامی سابق و انحلال نهایی باقی‌مانده نهادهای رژیم پیشین

- راه‌اندازی «مرکز مطالعات دفاع ملی» جهت تدوین دکترین امنیت ملی، آموزش افسران و همکاری منطقه‌ای
- مشارکت نیروهای مسلح ایران در پروژه‌های نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای با هماهنگی سازمان ملل
- آغاز تدریجی حضور نظامیان در برنامه‌های آموزش بین‌المللی و مأموریت‌های دفاعی چندجانبه
- طراحی سازوکار شفاف برای گزارش‌گیری عمومی و ارزیابی سالانه نهادهای دفاعی و امنیتی
- آماده‌سازی زیرساخت‌های نهادی برای تحویل قدرت به دولت منتخب مردمی

۶. بازسازی ساختار نیروهای نظامی و امنیتی ایران

اصول بنیادین اصلاحات امنیتی در دوران گذار

- **ایدئولوژی‌زدایی:**
حذف کامل نفوذ دینی، فرقه‌ای و انقلابی در ارتش، پلیس، و نهادهای امنیتی
- **سیاسی‌زدایی:**
ممنوعیت فعالیت سیاسی، جناحی یا تبلیغاتی توسط نیروهای مسلح و نهادهای اطلاعاتی
- **ادغام:**
جذب حداکثری پرسنل شایسته از ساختارهای پیشین و ادغام در ساختارهای نوین، به‌صورت تدریجی، شفاف و مشروط
- **حرفه‌ای‌سازی:**
استانداردسازی آموزش، ترفیع، ساختار فرماندهی و نظارت در چارچوب معیارهای بین‌المللی
- **امنیت همراه با اعتماد:**
تضمین امنیت کشور همراه با بازسازی اعتماد عمومی نسبت به نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی

۷

ارزیابی ساختاری نیروهای مسلح و نهادهای شبه‌نظامی

نام و دسته نهاد	کارکرد	اقدامات لازم
نهادهای اطلاعاتی		
وزارت اطلاعات	نهاد اصلی اطلاعاتی کشور در حوزه‌های داخلی و خارجی	برکناری مقامات ارشد، ارزیابی و راستی‌آزمایی، و ادغام نیروهای میان‌رده در ساختار جدید اطلاعاتی
سازمان اطلاعات سپاه	نهاد اطلاعاتی موازی با تمرکز بر سرکوب مخالفان و عملیات سایبری	غربالگری، ارزیابی و راستی‌آزمایی، ادغام بدنه کارشناسی در ساختار اطلاعاتی نوین، و انحلال سازمان
اطلاعات بسیج	شبکه خبرچینی در محلات و مساجد	انحلال سازمان
اطلاعات فراجا	نظارت محلی و استفاده از خبرچین‌های مردمی	برکناری سطوح عالی مدیریتی همراه با حفظ موجودیت سازمان
اطلاعات نیروی قدس	جمع‌آوری اطلاعات برای عملیات برون‌مرزی	انحلال سازمان
ضد جاسوسی سپاه	نظارت درون‌سازمانی بر سپاه برای پیشگیری از نفوذ یا فرار	انحلال و ادغام در ارتش ملی
ضد جاسوسی ارتش	نظارت امنیتی بر ارتش و فرماندهان آن	ثبیت ساختار سازمانی و تداوم عملکرد پس از طی فرآیند غربالگری
نیروهای نظامی		
نیروی زمینی سپاه	نیروی زمینی وفادار به رهبر با نقش مستقل از ارتش	انحلال کامل و ادغام ساختاری آن در ارتش ملی
نیروی هوافضای سپاه	دارای توان موشکی و پهپادی پیشرفته	انحلال کامل و ادغام ساختاری آن در ارتش ملی

نیروی دریایی سپاه	نیروی دریایی با توانمندی جنگ نامتقارن	انحلال کامل و ادغام ساختاری آن در ارتش ملی
نیروی قدس	بازوی برون مرزی سپاه در عملیات خارجی و جنگ نیابتی	انحلال
نیروی زمینی ارتش	نیروی متعارف زمینی که از نقش سیاسی کنار گذاشته شده	تداوم فعالیت با حفظ ساختار، مشروط به راستی‌آزمایی و ارزیابی صلاحیت
نیروی دریایی ارتش	نیروی متعارف دریایی ارتش	تداوم فعالیت با حفظ ساختار، مشروط به راستی‌آزمایی و ارزیابی صلاحیت
نیروی هوایی ارتش	نیروی هوایی رسمی و کلاسیک ارتش	تداوم فعالیت با حفظ ساختار، مشروط به راستی‌آزمایی و ارزیابی صلاحیت
سازمان پدافند غیرعامل	نهاد اطلاعاتی-فنی برای حفاظت از زیرساخت‌ها و جنگ سایبری	تداوم فعالیت با حفظ ساختار، مشروط به راستی‌آزمایی و ارزیابی صلاحیت
ستاد کل نیروهای مسلح	مرکز فرماندهی راهبردی و هماهنگی کلیه نیروها	برکناری مقامات ارشد؛ پس از انجام فرایند ارزیابی و غربال‌گری نیروهای موجود، امکان ادامه خدمت برای افراد جدا شده از نظام پیشین وجود خواهد داشت، اما نیروهای ایدئولوژیک ناگزیر به بازنشستگی خواهند بود. ساختار سازمانی حفظ می‌شود، مشروط بر انجام اصلاحات بنیادین.
دفتر نظامی رهبر	مرکز تصمیم‌گیری نظامی تحت نظر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی	انحلال
سازمان بسیج مستضعفین	سازمان گسترده شبه‌نظامی با ساختار محلی-محله‌ای، تحت کنترل سپاه پاسداران؛ مأمور به سازماندهی سرکوب داخلی، جنگ نرم، کنترل اجتماعی، عملیات سایبری، تبلیغات ایدئولوژیک، و اعزام نیرو به جنگ‌های نیابتی	انحلال سازمان

		نیروهای انتظامی: فراجا (فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی)
حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.	نظارت بر عبور و مرور، کنترل ترافیک شهری و جاده‌ای	پلیس راهنمایی و رانندگی (راهور)
حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری و همچنین انحلال بخش سرکوبگر آن	مقابله با جرایم سازمان یافته و امنیت اخلاقی	پلیس امنیت عمومی (پاوا)
حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.	صدور و کنترل گذرنامه، ویزا و مسائل مربوط به اتباع خارجی	پلیس مهاجرت و گذرنامه
حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.	حفاظت از سفارت‌خانه‌ها، دیپلمات‌ها و اماکن بین‌المللی در ایران	پلیس دیپلماتیک
انحلال	آزار و اذیت شهروندان، به ویژه زنان برای پوشش	پلیس گشت ارشاد
انحلال بخش سرکوبگر و رهبری آن، غربال‌گری نیروی انسانی، و بازسازی ساختار سازمانی با هدف اصلی حفظ امنیت ملی و تأمین ایمنی عمومی.	نهاد اطلاعاتی مرکزی فراجا با تمرکز بر شناسایی تهدیدات داخلی، رصد مخالفان، و هماهنگی اطلاعاتی با سایر بخش‌های امنیتی کشور	سازمان اطلاعات فراجا
انحلال بخش سرکوبگر و رهبری آن، غربال‌گری نیروی انسانی، و بازسازی ساختار سازمانی با هدف اصلی حفظ امنیت ملی و تأمین امنیت عمومی.	رصد، پیگیری و سرکوب فعالیت‌های اعتراضی و جرم در فضای مجازی	پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا)

پلیس آگاهی	تحقیقات جنایی، کشف جرم، بازجویی و تشکیل پرونده‌های کیفری	حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.
پلیس پیشگیری	بزرگترین سازمان پلیس کشور و زیرمجموعه فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی است، که فرماندهی و کنترل بر کلیه کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی سراسر کشور، پلیس فرودگاه‌های کشور، پلیس راه‌آهن، پلیس خدمات قضایی مستقر در سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، یگان‌های امداد شهرستان‌ها، یگان‌های حفاظت سازمان‌های صداوسیما، تعزیرات حکومتی، میراث فرهنگی و گردشگری، سازمان انرژی اتمی، حفاظت محیط زیست، شیلات و منابع طبیعی را برعهده دارد.	حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.
فرماندهی مرزبانی	کنترل، نظارت و امنیت مرزهای زمینی، دریایی و هوایی	حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.
پلیس مبارزه با مواد مخدر	کشف و انهدام شبکه‌های قاچاق و توزیع مواد مخدر	حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.
مرکز فوریت‌های پلیسی (مرکز ۱۱۰)	پاسخ‌گویی فوری به تماس‌های مردمی و اعزام واحدهای عملیاتی	حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.
سازمان وظیفه عمومی	مدیریت امور مربوط به سربازی، معافیت‌ها و پیگیری وضعیت نظام وظیفه	حفظ ساختار پس از طی فرآیند اصلاح و حرفه‌ای‌سازی.

پلیس بین‌الملل (اینترپل ایران)	همکاری امنیتی و قضایی با اینترپل و پیگیری بین‌المللی مجرمان	حفظ ساختار سازمانی و تضمین تداوم عملیاتی پس از انجام فرایند غربال‌گری.
یگان ویژه فراجا	یگان تاکتیکی و واکنش سریع برای سرکوب اعتراضات، کنترل شورش‌ها، اجرای عملیات ویژه ضد اغتشاش و محافظت از اماکن حساس؛ مجهز به تجهیزات ضد شورش، گاز اشک‌آور، نفربر و تک‌تیرانداز	انحلال بخش سرکوبگر و رهبری آن، غربال‌گری نیروی انسانی، و بازسازی ساختار سازمانی با هدف اصلی حفظ امنیت ملی و تأمین ایمنی عمومی.
یگان ویژه نوپو	عملیات رهایی‌گروگان، مقابله با تروریسم، کنترل شورش و اعتراضات، مأموریت‌های ویژه حفاظتی و انتظامی	انحلال بخش سرکوبگر و رهبری آن، غربال‌گری نیروی انسانی، و بازسازی ساختار سازمانی با هدف اصلی حفظ امنیت ملی و تأمین ایمنی عمومی.

۸. چالش‌ها و راهکارهای کلیدی در اصلاحات نظامی-امنیتی

چالش‌ها و راهکارها در فرآیند اصلاح نظامی - امنیتی در دوره گذار

چالش	راهکار پیشنهادی
1. تلاش خرابکارانه وفاداران به رژیم سابق (در درون نیروهای امنیتی، اطلاعاتی و لجستیکی)	اجرای فوری نظام راستی‌آزمایی (Vetting) برای پرسنل، با نظارت نهادهای بین‌المللی و مشارکت

نخبگان غیرامنیتی؛ ایجاد سیستم محرمانه گزارش‌دهی داخلی	
استقرار سریع نیروهای بی‌طرف و آموزش‌دیده برای تأمین نظم عمومی در شهرها؛ اعمال منع رفت‌وآمد موقت در نقاط بحرانی؛ ادغام مرحله‌ای نیروهای قدیمی بازآموزی‌شده	2. ایجاد خلأ امنیتی و ظهور گروه‌های مسلح موازی یا شبه‌نظامی (مانند تجربه عراق، لیبی)
تشکیل فوری ائتلاف امنیتی منطقه‌ای با کشورهای همسایه یا بازیگران مشتاق جهانی، پیوستن به توافق‌نامه‌های دفاع دسته‌جمعی و ایجاد ظرفیت بازدارندگی چندجانبه	3. مداخله خارجی از سوی قدرت‌های مخرب منطقه‌ای و بین‌المللی (روسیه، چین، گروه‌های نیابتی مانند حشد، حزب‌الله، انصارالله)
اجرای اصلاحات ساختاری در دستگاه قضایی، نهادهای انتظامی و اطلاعاتی؛ تضمین شفافیت، نظارت مردمی، پاسخگویی فرماندهی؛ آغاز پروژه آشتی ملی و حقیقت‌یابی	4. بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای مسلح، به واسطه‌ی پیشینه‌ی سرکوب و خشونت
مشارکت با نهادهای آموزشی بین‌المللی (ناتو، آکادمی‌های اروپایی، ارتش‌های حرفه‌ای مانند اسرائیل یا دیگر کشورهای موفق) جهت آموزش سریع فرماندهان جدید	5. کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده، متخصص و وفادار به ساختار دموکراتیک جدید
تاسیس «ستاد ملی مدیریت بحران امنیتی» با حضور متخصصان داخلی و بین‌المللی؛ استفاده از فناوری داده‌محور برای پیش‌بینی و کنترل تهدیدات	6. نبود تجربه در مدیریت بحران‌های نظامی در ساختارهای جدید

7. ریزش روانی و اخلاقی نیروهای قدیمی یا بی‌انگیزگی بدنه عملیاتی	ارتقاء فوری سطح معیشتی، رفاهی، حرفه‌ای و درمانی پرسنل؛ انتشار پیام‌های ملی مبنی بر پایان انتقام و آغاز بازسازی ملی با مشارکت حداکثری
8. نفوذ شبکه‌های اطلاعاتی رژیم سابق در ساختارهای جدید	قطع کامل دسترسی سیستماتیک عناصر مشکوک به سامانه‌های امنیتی؛ تجزیه ساختارهای اطلاعاتی موازی؛ تأسیس اطلاعات ملی با نظارت پارلمان موقت
9. تجزیه‌طلبی و تهدیدات قومی – فرقه‌ای در مناطق مرزی	ارتش ملی باید دکترین تمامیت ارضی را عملیاتی و ضمن رعایت عدالت همه‌شمول و حقوق‌شهروندی برابر، با هرگونه اقدام تجزیه‌طلبانه برخورد قاطع و هوشمندانه انجام دهد

۹. سند مکمل اجرایی برای طرح اصلاحات نظامی در دوره گذار ایران

مرحله صفر: عملیات پیش‌اسقوط و آمادگی راهبردی

هدف:

تأمین تداوم فرماندهی، تضعیف درونی رژیم و آماده‌سازی نیروهای گذار برای تصرف مراکز کلیدی.

اولویت‌های راهبردی:

- دستیابی به برتری اطلاعاتی در داخل کشور
- تشویق به جدایی از رژیم و خلع وفاداری ایدئولوژیک
- ایجاد توانمندی عملیاتی پیش‌دستانه و یکپارچه‌سازی نیروهای ایرانی خارج از کشور

بستر همکاری ملی و همکاری:

- ایجاد مسیرهای ارتباطی امن، هم فیزیکی و هم دیجیتال رمزگذاری شده، برای افرادی که از رژیم جدا می‌شوند.
- انجام ارزیابی و تایید صلاحیت به صورت لحظه‌ای همراه با تطبیق چهره از طریق فناوری‌های بیومتریک.
- تشکیل سامانه ثبت‌نام اولیه برای تعیین جایگاه و نقش این افراد در ساختارهای امنیتی و نظامی دولت گذار.

شیوه‌نامه تداوم فرماندهی امن:

- ایجاد پناهگاه‌های اضطراری در چند منطقه مختلف به همراه ارتباطات ماهواره‌ای برای شرایط بحرانی.
- نگهداری امن اسناد و اطلاعات حیاتی، از جمله دستورالعمل‌های جانشینی در مخازن مخفی داده.
- تأمین زنجیره‌های ارتباطی پشتیبان از طریق نیروهای ایرانی خارج از کشور و شبکه‌های متحدان برای جلوگیری از قطع ارتباط در شرایط بحرانی.

واحد اعتبارسنجی و نقشه‌برداری:

- ترکیب داده‌های جغرافیایی و هوش مصنوعی برای شناسایی و نقشه‌برداری از دارایی‌ها، تونل‌ها، پایگاه‌های هوایی و نیروهای نیابتی وابسته به سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات.
- مدل‌سازی پیش‌بینانه برای شناسایی مناطق احتمالی خلأ قدرت پس از فروپاشی رژیم.

مرکز تلفیق تهدیدات منطقه‌ای:

- یک مرکز مشترک منطقه‌ای برای پایش و رصد تهدیدات فرامرزی.
- نظارت تخصصی بر فعالیت نیروهای نیابتی مانند حشدالشعبی، حزب‌الله و دیگر نیروهای مرزی.

برنامه یکپارچه‌سازی اطلاعاتی ایرانی‌های خارج از کشور:

- به‌کارگیری نیروهای امنیتی متخصص در میان ایرانی‌های مقیم خارج که پیشینه آن‌ها به‌طور کامل بررسی و تایید شده است، برای اعزام به ایران.
- استفاده فوری از این افراد برای پوشش برخی نقش‌های کلیدی در حوزه‌های قضایی، سایبری، پزشکی، قانونی و امنیت اجرایی در ساختار دولت گذار.

شبیه‌سازی‌های تیم قرمز (دشمن فرضی):

- برگزاری تمرین‌های عملیاتی برای سناریوهای شورش، تصرف تسلیحات شیمیایی یا هسته‌ای و حملات پیچیده.
- شناسایی نقاط ضعف و زنجیره‌های شکست احتمالی در ساختار فرماندهی موجود از طریق شبیه‌سازی‌های دقیق.

شیوه‌نامه تلفیق و ارزیابی خسارات جنگی:

- با استفاده از ظرفیت‌های اطلاعاتی و لجستیکی منطقه‌ای، وضعیت پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی ارزیابی و برای جایگزینی زیرساخت‌ها در شرایط اضطراری، طرح‌های پشتیبان تهیه شود.
- همچنین پادگان‌های موقت و مراکز فوریت‌های درمانی (تریاز) برای واکنش سریع به بحران‌های نظامی طراحی و مستقر خواهند شد.

مرحله A/B1: روزهای ۱ تا ۱۰ | تصرف و تثبیت

تمرکز راهبردی:

- قطع دسترسی رژیم به اهرم‌های کنترل
- تأمین و تثبیت فرماندهی ملی
- ایجاد اقتدار قانونی و قابل رؤیت دولت گذار

اقدامات کلیدی:

- استقرار نیروهای آتش: حضور فوری در تهران، تبریز، اصفهان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، بندرعباس و استان‌های مرزی
- واحد خنثی‌سازی سایبری: قطع ارتباطات و پایگاه‌های داده رژیم ظرف ۴۸ تا ۷۲ ساعت
- مرجع اضطراری پخش سراسری: پخش پیام‌های وحدت ملی و مقابله با جنگ روانی و اطلاعات نادرست
- نیروی مهار سریع: نابودی هسته‌های مقاومت فعال سپاه و بسیج
- تأمین امنیت زیرساخت‌های حیاتی: استقرار نیروهای گزینش‌شده ارتش برای حفاظت از تأسیسات انرژی، آب، نفت، گاز و نیروگاه‌ها در برابر خرابکاری
- اعمال حکومت نظامی: برقراری حکومت نظامی در ۲۰ شهر بحرانی و پرخطر
- یگان‌های تصرف پایگاه‌های نظامی: تصرف زرادخانه‌های سپاه توسط نیروهای وفادار به ارتش

- پروتکل وفاداری ارتش: استقرار مجدد نیروهای وفادار و ایزوله‌سازی عناصر وابسته به رژیم

مرحله A/B2: روزهای ۱۱ تا ۴۰ | غربال‌گری، خلع سلاح، و خنثی‌سازی

تمرکز راهبردی:

- آغاز انحلال ساختاری رژیم
- برقراری کنترل اطلاعاتی و قضایی
- اجرای عملیات ضدجاسوسی و خنثی‌سازی نفوذ

اقدامات کلیدی:

- پروتکل سه‌مرحله‌ای غربال‌گری (رده A/B/C): طبقه‌بندی پرسنل برای حفظ، بازآموزی یا پیگرد قضایی
- فرماندهی دادگاه‌های اطلاعاتی گذار: هماهنگی بازداشت شکنجه‌گران، قاتلان سیاسی و ماموران سایبری
- چارچوب عفو کنترل‌شده: خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی رژیم، بازآموزی اجباری و نظارت مستمر
- برنامه انحلال بسیج و حراست: تعطیلی شبکه‌های نظارتی در دانشگاه‌ها و مساجد
- تیم‌های ضدجاسوسی اضطراری: پاک‌سازی وزارتخانه‌ها، شرکت‌های مخابراتی و یگان‌های نظامی
- انتقال قدرت هوافضا و دریایی: تأمین امنیت انبارهای پهپاد، هواپیماهای سپاه، مین‌ها و رادارها
- شیوه‌نامه مشترک پایش حریم هوایی: هماهنگی با متحدان برای ایجاد سامانه هشدار زودهنگام

مرحله A/B3: روزهای ۴۱ تا ۱۰۰ | تثبیت نهادی و استقرار کنترل غیرنظامی

تمرکز راهبردی:

در این مرحله، نهادهای امنیتی و دفاعی کشور بازسازی می‌شوند؛ زیرساخت‌ها و امکانات فیزیکی آن‌ها حفظ می‌گردد، اما اهداف، مأموریت‌ها و ساختار فرماندهی آن‌ها به‌طور کامل تغییر می‌کند تا با اصول دموکراسی هماهنگ شود. هدف، جلوگیری از خلأ امنیتی و در عین حال نوسازی کارکردها و هویت نهادی این ساختارهاست.

نام، مأموریت، و کارکرد نهادهای پیشین تغییر یافته و متناسب با نظم قانونی و نظارت غیرنظامی تعریف مجدد خواهند شد.

افراد باقی‌مانده از نهادهای رژیم گذشته، مانند سپاه پاسداران، تنها در صورتی امکان بازگشت و خدمت خواهند داشت

که از فیلترهای سخت‌گیرانه‌ای چون غربال‌گری امنیتی، بازآموزی حرفه‌ای و ارزیابی روان‌شناختی عبور کرده باشند و پیشینه‌ی سرکوب نداشته باشند. نیروهای فنی و تخصصی که در سرکوب نقش داشتند، می‌توانند به ارتش پیوسته یا در نهادهای اطلاعاتی تازه‌تأسیس جذب شوند. این فرایند ادغام‌گزینشی با هدف حفظ دانش فنی ارزشمند و هم‌زمان، تضمین انطباق کامل با ارزش‌ها و مأموریت دولت گذار طراحی شده است.

اهداف کلیدی:

- تدوین دکترین امنیتی مبتنی بر حاکمیت قانون
- استقرار کامل نظارت غیرنظامی بر نیروهای امنیتی و نظامی

اقدامات کلیدی:

• تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت ملی و پلیس ملی ایران:

- دارای سه شاخه: داخلی (ضد جاسوسی و امنیت داخلی)، خارجی (جاسوسی و رصد نیروهای نیابتی)، و سایبری
- پلیس ملی ایران از حالت نظامی خارج شده و تحت آموزش‌های غیرنظامی و حقوق‌محور قرار می‌گیرد

• آکادمی امنیت ملی:

- برنامه آموزش فشرده برای نیروهای تازه‌وارد شامل اصول اخلاقی، زنجیره فرماندهی، و آشنایی با قوانین

• چارچوب فرماندهی ارتش:

- ارتش بازسازی‌شده به‌عنوان نیروی دفاعی ملی، پاسخگو، حرفه‌ای و بدون هرگونه وابستگی سیاسی عمل خواهد کرد

• فعال‌سازی گارد ملی:

- نیروی واکنش سریع برای پشتیبانی از غیرنظامیان در بحران‌ها و بلایای طبیعی

• کارگروه اطلاعات مالی دوران گذار:

- شناسایی، توقیف، و بازتوزیع اموال و دارایی‌های شرکت‌ها و نهادهای وابسته به سپاه

• بستر شفافیت امنیتی:

- پرتال عمومی برای اعلام بازداشت‌ها، نتایج غربال‌گری و روند دادگاه‌ها به‌منظور اعتمادسازی و نظارت مردمی

مرحله A/B4: روزهای ۱۰۱ تا ۱۴۰ | ادغام جهانی و قانونی سازی

تمرکز راهبردی:

- قانونی سازی و تثبیت ساختارهای جدید
- گسترش روابط بین المللی با تأکید بر شفافیت
- آشتی ملی همراه با پیگرد قضایی عاملان اصلی سرکوب

اقدامات کلیدی:

- **فعال سازی هیئت ملی نظارت امنیتی:** تشکیل هیئتی غیرنظامی برای بازرسی و حسابرسی از تمامی نهادهای امنیتی و نظامی
- **نشست های امنیتی غیرنظامی:** نشست های عمومی برای شنیدن شکایات مردمی، ارائه گزارش شفافیت و پاسخ گویی نهادهای امنیتی به جامعه

مرحله A/B5: روزهای ۱۴۱ تا ۱۸۰ | آزمون استقامت، بازسازی اعتماد

تمرکز راهبردی:

- اجرای شبیه سازی برای سنجش اثربخشی اصلاحات
- تقویت اعتماد عمومی و آمادگی نهادها

اقدامات کلیدی:

- **مجموعه آزمون های ملی استقامت:**
 - شبیه سازی حمله سایبری
 - تمرین واکنش به ناآرامی های مدنی
 - تمرین مقابله با شورش نیروهای نیابتی
- **دستورالعمل بی طرفی اطلاعاتی ملی:** تضمین غیرسیاسی بودن کامل سازمان اطلاعات کشور
- **انتشار طبقه بندی نهایی نیروها:** اعلام عمومی وضعیت تمام افراد مورد ارزیابی: حفظ، بازنشستگی، پیگرد قضایی

- **نهادهای دائمی نظارت:** استقرار بازرسان کل مستقل و غیرنظامی در کلیه واحدهای نظامی و امنیتی برای نظارت مستمر و شفافیت نهادی

نتایج راهبردی تا روز ۱۸۰

نهادهای امنیتی:

- سازمان اطلاعات و امنیت ملی و پلیس ملی ایران به طور کامل عملیاتی شده‌اند.
- انحلال کامل سپاه پاسداران، بسیج و نیروی قدس صورت گرفته است.

نیروهای نظامی:

- ارتش و گارد ملی گذار تحت فرماندهی غیرنظامی فعالیت می‌کنند.
- مرزها به طور کامل ایمن شده و یگان‌های هوافضا و دریایی بازسازی و یکپارچه‌سازی شده‌اند.

نهادهای عمومی:

- نهادهای نظارتی و بسترهای شفافیت عمومی فعال شده‌اند.
- تعامل میان مردم و پلیس به حالت عادی بازگشته است.

مشروعیت بین‌المللی:

- برگزاری دادگاه‌ها و اجرای اصلاحات مطابق با استانداردهای جهانی
- آغاز همکاری‌های امنیتی مشترک با کشورهای متحد

شاخص‌های ثبات:

- پایان نظارت گسترده و سرکوبگر
- نظام قضایی شفاف و پاسخ‌گو
- حفظ تفکیک کامل میان نهادهای نظامی و حکومت مدنی

توصیه‌ها

ایجاد مراکز امن ارتباط ماهواره‌ای در خارج و نقاط مخفی داخل کشور پیش از فروپاشی

توجیه: در دوران گذار یا فروپاشی نظام‌های سرکوبگر، زیرساخت‌های ارتباطی نخستین اهداف حمله یا اختلال از سوی وفاداران رژیم، دشمنان خارجی یا بازیگران غیردولتی هستند.

مراکز ارتباطی ماهواره‌ای رمزگذاری‌شده در خارج و در نقاط مخفی داخل کشور، تداوم فرماندهی، هماهنگی آبی میان رهبران گذار و جلوگیری از خاموشی ارتباطات را تضمین می‌کنند. این مراکز، ستون فقرات حفظ انسجام فرماندهی، هماهنگی نظامی-مدنی و پخش پیام‌های عمومی در ۷۲ ساعت حیاتی پس از فروپاشی خواهند بود.

ایجاد ساختار مشورتی مورد اعتماد از ایرانی‌های متخصص در خارج از کشور برای مشاوره به شورای عالی امنیت و گذار و جذب نیروهای بررسی‌شده خارجی

توجیه: جامعه ایرانی‌های خارج از کشور دارای شبکه گسترده‌ای از متخصصان امنیتی، اطلاعاتی، سایبری و حقوقی آموزش‌دیده در نهادهای ناتو، ایالات متحده و اتحادیه اروپا است.

ترکیب تجربه استراتژیک این افراد با شناخت فرهنگی و وفاداری ملی، آنان را به گزینه‌هایی بی‌بدیل برای پر کردن شکاف‌های فوری در ساختار امنیتی و حکمرانی گذار تبدیل می‌کند.

تشکیل فرماندهی مشورتی ایرانی‌های مقیم خارج امکان بهره‌برداری ساختاریافته، بررسی‌شده و ایمن از این ظرفیت را فراهم می‌سازد، بدون آنکه دروازه نفوذ یا تأثیرگذاری بی‌ضابطه را باز کند. همچنین، این سازوکار از اشتباهات پرهزینه در عراق و افغانستان به دلیل شتاب‌زدگی و ناهماهنگی ظرفیت‌سازی محلی پرهیز خواهد کرد.

۹. طرح عملیاتی ایمن‌سازی و بازیابی دارایی‌های ملی ایران پس از فروپاشی رژیم اسلامی (پباد-پروژه بازیابی دارایی‌ها)

نمای کلی

این بخش، رویکردی استراتژیک برای بازیابی دارایی‌های ایران در دوره گذار ارائه می‌دهد و بر تدوین طرحی عملیاتی تمرکز دارد که با مشارکت نهاد انتقالی و حمایت ائتلاف بین‌المللی، شناسایی، ایمن‌سازی و بازگرداندن اموال عمومی سرقت‌شده یا در معرض خطر را ممکن سازد. هدف آن است که هم‌زمان با جلوگیری از دسترسی وفاداران رژیم به این دارایی‌ها، مانع از استفاده از آن‌ها برای اخلال در روند گذار شود.

این طرح پس از وقوع حملات اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ و احتمال فروپاشی متعاقب ساختار مرکزی قدرت در ایران تدوین شده است. در این چارچوب، یک برنامه عملیاتی جامع و دقیق ارائه می‌شود که حفاظت، مسدودسازی و بازیابی کلیه

دارایی‌های مهم تحت کنترل رژیم جمهوری اسلامی را هدف قرار دهد و برای هر گروه از دارایی‌ها، جزئیات مشخصی در خصوص نحوه کنترل، مالکیت و انتقال ارائه می‌دهد.

اهمیت این طرح

بازیابی دارایی‌های جمهوری اسلامی در طول دوره گذار برای تضمین پایداری مالی یک نهاد حاکم جدید بسیار مهم است. بازگرداندن این ثروت برای تأمین بودجه بازسازی ملی، تثبیت اقتصاد و ارائه خدمات ضروری به مردم ایران حیاتی است. تأمین این دارایی‌ها مانع از دسترسی وفاداران رژیم سابق، به‌ویژه سپاه و نهادهای وابسته، به تأمین مالی بی‌ثبات‌سازی و اخلال در گذار دموکراتیک می‌شود. این طرح، سنگ‌بنای امنیت ملی و پایه‌ای برای حکومت مشروع و رونق پایدار است.

۱. اهداف

اهداف این طرح عملیاتی روشن، استراتژیک و قابل اندازه‌گیری هستند. اهداف اصلی عبارت‌اند از:

- شناسایی و تأمین امنیت ثروت عمومی: شناسایی، تعیین موقعیت و تأمین امنیت سیستماتیک کلیه دارایی‌های مهم، چه داخلی و چه بین‌المللی، که تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای کلیدی آن هستند.
- جلوگیری از خرابکاری: خنثی کردن ظرفیت مالی وفاداران به رژیم و جلوگیری از استفاده آن‌ها از این منابع عظیم برای تضعیف اقتدار انتقالی یا تحریک درگیری.
- فراهم کردن زمینه بازیابی و بازگرداندن اموال: ایجاد زمینه‌های قانونی و عملیاتی برای بازیابی و بازگرداندن نهایی تمام ثروت‌های عمومی سرقت شده یا مورد سوءاستفاده قرار گرفته به نفع مردم ایران.
- ترویج پاسخگویی: حفظ سوابق مالی، بایگانی‌ها و سایر شواهد دیجیتال ضروری برای تحقیقات آینده در مورد فساد، نقض حقوق بشر و برنامه‌های نظامی و هسته‌ای رژیم.

۲. اولویت‌های کلیدی

اولویت‌های کلیدی، حوزه‌های تمرکز راهبردی هستند که تخصیص منابع را به‌منظور تضمین دستیابی موثر به اهداف جهت‌دهی می‌کنند.

- اولویت ۱: سرعت و محرمانگی در عملیات اولیه: بالاترین اولویت، اجرای سریع عملیات اولیه توقیف و مسدود کردن دارایی‌ها از س (ساعت) صفر تا س ۷۲ با حداکثر امنیت عملیاتی است. این امر بسیار مهم است زیرا هرگونه تاخیر یا نشت اطلاعات به افراد داخلی رژیم اجازه می‌دهد تا دارایی‌های نقد (نقدی، کریپتو، وجوه الکترونیکی) را منتقل کنند و سوابق مجرمانه را از بین ببرند. این امر تلاش‌های بازیابی بعدی را به طور تصاعدی دشوارتر و کم‌ثمرتر می‌کند.

- اولویت ۲: ایمن‌سازی زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال: کنترل فیزیکی فوری مکان‌های حیاتی اقتصادی و اداری (مانند بانک مرکزی، دفاتر مرکزی بنیادها، مراکز داده) از اولویت‌های اصلی است. این کار برای جلوگیری از غارت توسط مردم خشمگین، خرابکاری توسط وفاداران رژیم و نابودی شواهد و سوابق نهادی حیاتی مورد نیاز برای حکومت‌داری و پیگردهای قانونی آینده انجام می‌شود.
- اولویت ۳: اقدام حقوقی و دیپلماتیک بین‌المللی: اولویت همزمان، فعال‌سازی فوری سازوکارهای حقوقی بین‌المللی و کانال‌های دیپلماتیک است. این امر ضروری است زیرا بخش قابل توجهی از ثروت رژیم، اغلب از طریق ساختارهای مالکیت پیچیده، در خارج از کشور نگهداری می‌شود. اطلاع‌رسانی سریع به نهادهای بین‌المللی مانند FATF، اینترپل و کشورهای شریک برای مسدود کردن این دارایی‌ها قبل از انتقال آن‌ها به حوزه‌های قضایی غیر همکار الزامی است.
- اولویت ۴: ایجاد مشروعیت از طریق روابط عمومی موثر: یک استراتژی ارتباطات عمومی فعال و شفاف اولویتی حیاتی است. این امر برای ایجاد حمایت داخلی و بین‌المللی از قدرت انتقالی، کاهش نگرانی‌های عمومی، مدیریت انتظارات در مورد ثروت بازپایی شده و مقابله با اطلاعات نادرست از سوی بقایای رژیم ضروری است.

۳. فرضیات

عملی بودن این طرح بر چندین فرض کلیدی استوار است که شرایط عملی شدن این طرح هستند.

- فرضیه اصلی: این طرح با فرض فروپاشی قدرت مرکزی در ایران پس از حمله خارجی یا قیام مردمی اجرا می‌شود و فرصتی برای اقدام یک قدرت انتقالی ایجاد می‌کند.
- کنترل عملیاتی: فرض بر این است که یک قدرت انتقالی نوپا، با حمایت عناصر همکار ارتش یا یک ائتلاف بین‌المللی، می‌تواند بر مکان‌های کلیدی در تهران و سایر شهرهای بزرگ کنترل فیزیکی برقرار کند.
- همکاری بین‌المللی: پیش‌فرض این طرح، اراده سیاسی شرکای کلیدی بین‌المللی (مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا، بریتانیا، سوئیس، ترکیه و امارات متحده عربی) را برای اقدام سریع در مورد اعلان انسداد دارایی‌ها و ارائه پشتیبانی اطلاعاتی فرض است. همچنین پیش‌بینی می‌شود که تحریم‌های موجود، متناسب با شرایط جدید و در راستای تسهیل فرآیند انتقال، مورد بازنگری قرار گرفته و در مواردی لغو یا تخفیف یابند.
- همکاری داخلی: فرض بر این است که تعداد مشخصی از تکنوکرات‌ها، مقامات بانکی و بوروکرات‌ها در سازمان‌های هدف، در ازای عفو یا سایر مشوق‌ها، مایل به همکاری خواهند بود و اطلاعات حیاتی در مورد مکان‌های دارایی‌ها و ساختارهای مالکیت ارائه می‌دهند.
- وجود سوابق: این طرح فرض می‌کند که علیرغم تلاش‌های بالقوه برای نابودی، سوابق دیجیتالی و فیزیکی قابل توجهی از مالکیت دارایی‌ها، تراکنش‌های مالی و ساختارهای شرکتی همچنان وجود خواهند داشت و در تأسیسات امن قابل دسترسی خواهند بود.

۴. اقدامات

این اقدامات شامل وظایف مشخص و ضروری برای اجرای مؤثر این طرح عملیاتی هستند که به صورت مرحله‌ای طراحی و زمان‌بندی شده‌اند تا در شرایط پس از فروپاشی، حداکثر کارایی و اثربخشی را داشته باشند.

اقدام اساسی: شناسایی و توصیف دارایی‌ها

فهرست‌بندی دقیق تمام دارایی‌های مهم شناخته‌شده‌ی تحت کنترل رژیم است.

دارایی‌های مالی

• حساب‌های بانکی داخلی:

- نام بانک‌ها : بانک مرکزی ایران، بانک ملی، بانک صادرات ، بانک ملت، بانک تجارت، بانک سپه. این موسسات برای نگهداری حساب‌های اصلی دولت، پردازش درآمدهای نفتی و تامین مالی عملیات دولتی استفاده می‌شوند. نهادهای نیمه‌دولتی مانند بنیادها نیز سبد دارایی گسترده‌ای در این بانک‌ها دارند که اغلب در حساب‌های پیچیده و چندلایه برای پنهان کردن مالکیت آن‌ها انجام می‌شود.
- موجودی تخمینی: اگرچه ارقام دقیق قابل دستیابی نیستند، تخمین‌ها حاکی از وجود ده‌ها میلیارد دلار ذخایر ارزی قابل دسترس در بانک مرکزی ایران و سایر بانک‌های دولتی است. حساب‌های ارزی داخلی (ریالی) که توسط بنیادها و ستادها نگهداری می‌شوند، تریلیون‌ها دلار تخمین زده می‌شود.
- ساختارهای حساب: استفاده از حساب‌های لایه‌ای، حساب‌های اسمی که توسط افراد مورد اعتماد نگهداری می‌شوند و انتقال‌های بین بانکی که برای مبهم کردن ذی‌نفع نهایی طراحی شده‌اند.

• حساب‌های خارجی:

- حوزه‌های قضایی: امارات متحده عربی (دبی)، ترکیه، سوئیس، لوکزامبورگ، مالزی، چین (هنگ کنگ) و کشورهای مختلف کارائیب.
- شرکت‌های صوری: استفاده گسترده از شرکت‌های صوری در بخش‌های تجاری، ساختمانی و مشاوره‌ای ثبت‌شده در حوزه‌های قضایی فوق، برای نگهداری حساب‌ها و انجام معاملات بین‌المللی. نمونه‌های قابل توجه شامل شرکت‌های مرتبط با قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران و شرکت‌های تابعه بنیادها می‌شود.
- واسطه‌های شناخته‌شده : شبکه‌ای از بازرگانان مورد اعتماد رژیم، افراد دوتابعیتی و اعضای خانواده مقامات ارشد به عنوان امضاکنندگان و مالکان ذی‌نفع این حساب‌های خارجی عمل می‌کنند.

• ذخایر نقدی و طلای شناخته شده:

- خزانه‌داری بانک مرکزی ایران در تهران، مخزن اصلی ذخایر طلای کشور و ارزهای خارجی فیزیکی است.
- اعتقاد بر این است که مقادیر قابل توجهی پول نقد و طلای اعلام نشده در گاو صندوق‌های امن تحت کنترل بنیادها (به ویژه بنیاد مستضعفان) و سپاه پاسداران، خارج از سیستم رسمی دولتی، نگهداری می‌شود.

• ارزهای دیجیتال یا سایر دارایی‌های دیجیتال:

- این رژیم از ارزهای دیجیتال مانند بیت کوین (BTC) و مونرو (XMR) برای دور زدن تحریم‌ها و تأمین مالی غیرقانونی استفاده کرده است.
- عملیات استخراج در داخل ایران انجام شده است و دارایی‌ها در ترکیبی از صرافی‌های داخلی و بین‌المللی و همچنین کیف پول‌های خصوصی و بدون میزبان که ردیابی آن‌ها دشوار است، نگهداری می‌شوند.

دارایی‌های فیزیکی

• نمونه کارهای املاک و مستغلات:

- املاک و موقعیت‌ها : بنیاد مستضعفان و جانبازان بزرگترین مالک املاک در ایران است که مجموعه وسیعی از زمین‌های تجاری، مسکونی و کشاورزی را کنترل می‌کند. بخش عمده‌ای آن‌ها پس از سال ۱۳۵۷ مصادره شده است؛ شامل املاک و مستغلات درجه یک در تهران، اصفهان و سایر شهرهای بزرگ و همچنین دارایی‌های قابل توجهی در خارج از کشور، به ویژه در اروپا و خاورمیانه، که از طریق شرکت‌های صوری نگهداری می‌شوند. ستاد اجرایی فرمان امام همچنین هزاران ملک مصادره شده را کنترل می‌کند.
- ارزش‌گذاری : ارزش کل املاک و مستغلات تحت کنترل بنیادها و ستاد صدها میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

• زیرساخت‌های نفت، گاز و پتروشیمی:

- تأسیسات : تمام میادین نفتی بزرگ، پالایشگاه‌ها (مثلاً آبادان، اصفهان)، پتروشیمی‌ها (مثلاً بندر امام) و پایانه‌های صادراتی (مثلاً جزیره خارک) تحت کنترل دولت از طریق شرکت ملی نفت ایران (NIOC) هستند.

○ خطوط لوله و ذخیره‌سازی : شبکه خط لوله ملی و تمام تأسیسات ذخیره‌سازی استراتژیک، دارایی‌های حیاتی دولت هستند. سپاه پاسداران، از طریق قرارگاه خاتم‌الانبیا، نفوذ و کنترل قابل توجهی بر ساخت و ساز و امنیت این زیرساخت‌ها دارد.

● نیروگاه‌ها، شبکه‌های مخابراتی، مراکز حمل و نقل:

○ تأسیسات اصلی تولید برق، شبکه برق ملی و شرکت مخابرات ایران (TCI) توسط نهادهای دولتی یا مرتبط با سپاه کنترل می‌شوند. برای مثال، اکثریت سهام شرکت مخابرات ایران متعلق به کنسرسیومی² مرتبط با ستاد و سپاه پاسداران است.

○ مراکز حمل و نقل مانند فرودگاه بین‌المللی «امام خمینی» و بنادر بندرعباس و چابهار تحت کنترل دولت هستند و سپاه پاسداران حضور گسترده‌ای در امنیت و عملیات آن‌ها دارد.

هلدینگ‌های شرکتی

● شرکت‌های داخلی عمده:

○ نام‌ها و بخش‌ها : بنیادها و ستاد، صدها شرکت را در تقریباً هر بخش از اقتصاد ایران، از جمله امور مالی، ساخت و ساز، تولید، داروسازی و مخابرات، کنترل می‌کنند. از جمله این شرکت‌ها می‌توان به بانک سینا (بنیاد مستضعفان)، گروه تدبیر (ستاد اجرایی) و شرکت صنعتی دریایی صدرا ایران (خاتم‌الانبیا) اشاره کرد.

○ لایه‌های مالکیت : مالکیت عمداً از طریق ساختارهای پیچیده و چندلایه هلدینگ پنهان می‌شود، جایی که یک بنیاد مادر مالک یک شرکت هلدینگ است که آن شرکت نیز به نوبه خود مالک مجموعه‌ای از شرکت‌های تابعه است و ردیابی مالکیت نهایی ذی‌نفع را دشوار می‌کند.

● شرکت‌های تابعه در خارج از کشور و شرکت‌های شل:

○ شرکت‌های تابعه و شرکت‌های صوری متعددی در اروپا (به‌ویژه آلمان)، خاورمیانه (امارات متحده عربی، ترکیه) و آسیا برای دور زدن تحریم‌ها، تهیه فناوری‌های دومانظوره و سرمایه‌گذاری مازاد سرمایه، فعالیت می‌کنند. این شرکت‌ها اغلب به‌عنوان کسب و کارهای مشروع و مستقل معرفی می‌شوند.

دارایی‌های دیجیتال/معنوی

● پایگاه‌های داده و ثبت‌ها:

² Consortium

- کنترل بر پایگاه‌های داده ملی حیاتی، از جمله سازمان ثبت احوال کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک و دفاتر ثبت شرکت‌ها. این موارد برای شناسایی افراد، دارایی‌ها و شبکه‌های شرکتی بسیار ارزشمند اند.

- فناوری اختصاصی:

- اختراعات و فناوری‌های اختصاصی توسعه‌یافته توسط شرکت‌های مرتبط با دفاع (تحت کنترل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح) و شرکت‌های دانش‌بنیان تحت حمایت بنیادها.

- بایگانی‌ها:

- بایگانی‌های وسیعی حاوی شواهد فساد، سوابق برنامه‌های هسته‌ای و نظامی، پرونده‌های اطلاعاتی و اسناد مربوط به فعالیت‌های غیرقانونی بین‌المللی. این بایگانی‌ها توسط وزارتخانه‌های مختلف، سپاه پاسداران و بنیادها نگهداری می‌شوند و در معرض خطر بالای نابودی فوری هستند.

اقدام محوری: شناسایی سازمان‌های کلیدی

این طرح تمام سازمان‌های اصلی کنترل‌کننده منابع استراتژیک را هدف قرار می‌دهد.

نام سازمان	توضیحات	ارزش تخمینی / نفوذ اقتصادی	بخش‌های کلیدی عملیات
بنیاد جانبازان و مستضعفان	یک شرکت عظیم فرادولتی (بنیاد) که از دارایی‌های مصادره‌شده‌ی حکومت سابق تشکیل شده است. مستقیماً به رهبر گزارش می‌دهد.	بیش از ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. دومین شرکت تجاری بزرگ ایران پس از شرکت ملی نفت ایران.	املاک و مستغلات، ساخت و ساز، امور مالی (بانک سینا)، تولید، نوشیدنی‌ها، لجستیک.
ستاد اجرایی فرمان امام	یک شرکت هلدینگ شبه‌دولتی که توسط رهبر جمهوری اسلامی کنترل می‌شود و بر مصادره سیستماتیک دارایی‌های اقلیت‌های	تا ۹۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.	داروسازی (برکت)، امور مالی، املاک و مستغلات، مخابرات، انرژی.

		مذهبی، مخالفان و ایرانیان خارج از کشور بنا شده است.	
کشاورزی، فرآوری مواد غذایی، املاک و مستغلات، خودرو، خدمات مالی.	ده‌ها میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و بر اقتصاد شمال شرقی ایران تسلط دارد.	بنیادی که حرم امام هشتم شیعیان را در مشهد اداره می‌کند، اما در عین حال یک مجتمع تجاری عظیم با زمین‌های وسیع و دارایی‌های صنعتی است. به رهبر رژیم گزارش می‌دهد.	آستان قدس رضوی
نفت و گاز، پتروشیمی، خطوط لوله، سدها، جاده‌ها، مخابرات.	سالانه قراردادهای دولتی به ارزش میلیاردها دلار منعقد می‌کند	بازوی اصلی مهندسی و ساخت و ساز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.. به عنوان یک پیمانکار عظیم دولتی عمل می‌کند.	قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا
اکتشاف، تولید، پالایش، بازاریابی نفت و گاز.	دارایی‌هایی به ارزش صدها میلیارد دلار را کنترل می‌کند. شریان مالی حیاتی کشور.	شرکت دولتی زیر نظر وزارت نفت که مسئول تمام تولید و فروش نفت و گاز ایران است.	شرکت ملی نفت ایران

جدول ۱: سازمان‌های کلیدی مالی و اقتصادی

اقدام محوری: شناسایی افراد و نقش‌های کلیدی

این اقدام شامل هدف قرار دادن پرسنل کلیدی کنترل‌کننده سازمان‌های فوق می‌شود. جدول زیر نمونه‌هایی را ارائه می‌دهد؛ یک فهرست کامل و طبقه‌بندی‌شده باید تهیه و به‌طور مداوم به‌روزرسانی شود.

نام	سمت / نقش	سازمان	ارتباط با دارایی‌ها
پرویز فتاح	رئیس ستاد اجرایی فرمان امام و رئیس	ستاد اجرایی فرمان امام	به عنوان مدیر اجرایی، کنترل نهایی امضا و عملیات بر دارایی‌های داخلی

و بین‌المللی این نهادها را بر عهده دارد. اعضای خانواده او نیز مظنون به نمایندگی از آنها هستند.		سابق بنیاد مستضعفان	
وزیر دفاع سابق با پیوندهای عمیق با سپاه پاسداران. املاک و مستغلات گسترده و مجموعه شرکت‌های این بنیاد را کنترل می‌کند.	بنیاد مستضعفان	رئیس بنیاد مستضعفان	حسین دهقان
او که توسط رهبر منصوب شده است، تمام موقوفات مذهبی و امپراتوری عظیم تجاری وابسته به حرم را کنترل می‌کند.	آستان قدس رضوی	متولی آستان قدس رضوی	احمد مروی
مدیریت عملیات روزمره امپراتوری شرکتی ستاد و شبکه شرکت‌های تابعه آن را بر عهده دارد.	ستاد اجرایی فرمان امام	مدیرعامل گروه تدبیر (شرکت مادر تخصصی ستاد)	عبدالعلی علی‌عسگری
بر پروژه‌های عظیم ساختمانی و زیرساختی سپاه پاسداران نظارت داشته و احتمالاً به منابع مالی و شرکت‌های صوری مرتبط نیز دسترسی داشته است.	خاتم الانبیاء	فرمانده سابق قرارگاه خاتم الانبیاء	سعید محمد
به عنوان نماینده برای نگهداری دارایی‌ها، به ویژه املاک و مستغلات و سهام شرکت‌ها، چه در ایران و چه در خارج از کشور (مثلاً کانادا، آلمان) برای دور زدن تحریم‌ها و پنهان کردن مالکیت استفاده می‌شود.	مختلف	پروکسی‌ها، مالکان ذینفع	اعضای خانواده مقامات ارشد (مثلاً خانواده‌های خامنه‌ای، لاریجانی)

جدول 2: مشخصات اشخاص کلیدی (این لیست باید کامل و به روز رسانی شود)

اقدام مقدماتی: ارزیابی آسیب‌پذیری

این ارزیابی، ریسک‌های اصلی دارایی‌ها را در طول دوره بی‌ثباتی شناسایی می‌کند.

- خطر غارت: خطر بالای غارت گسترده دارایی‌های فیزیکی، به ویژه از دفاتر بنیادها و محل اقامت مقامات رژیم، توسط جمعیتی که از دهه‌ها فساد فقیر و خشمگین هستند. این امر می‌تواند منجر به از دست رفتن نه تنها ثروت مادی، بلکه اسناد و مدارک حیاتی نیز شود.
- خطر خرابکاری: خطر بالای خرابکاری عمدی توسط وفاداران به رژیم، به ویژه در درون سپاه پاسداران. این شامل تخریب زیرساخت‌های حیاتی (خطوط لوله نفت، نیروگاه‌ها)، پاک کردن پایگاه‌های داده دیجیتال و سوزاندن بایگانی‌ها برای فلج کردن قدرت انتقالی آینده و پنهان کردن شواهد جنایات گذشته می‌شود.
- خطر انتقال غیرقانونی: بالاترین و فوری‌ترین خطر. در یک بحران، افراد داخلی رژیم بلافاصله تلاش می‌کنند دارایی‌های نقدشونده (وجوه الکترونیکی، ارزهای دیجیتال) را به حساب‌های از پیش ایجاد شده در خارج از کشور منتقل کنند. آن‌ها همچنین تلاش می‌کنند دارایی‌های فیزیکی با ارزش بالا مانند طلا، پول نقد و اوراق قرضه بی‌اسم را قاچاق کنند.
- خطر فرار پرسنل (به همراه دارایی‌ها): یکی از مخاطرات قابل‌توجه، خروج پرسنل کلیدی (از جمله مدیران بانک‌ها، مدیران فناوری اطلاعات و مدیران شرکت‌ها) از کشور است؛ افرادی که دانش فنی و کدهای دسترسی به دارایی‌ها را در اختیار دارند. برخی ممکن است برای همکاری آماده باشند، اما برخی دیگر ممکن است اطلاعات حیاتی را با خود خارج کرده و از آن برای «باج‌گیری» یا بهره‌برداری شخصی از دارایی‌ها استفاده کنند.

تدابیر بازایی به صورت مرحله به مرحله

این بخش، اقدامات عملیاتی متوالی برای طرح بازایی را تشریح می‌کند.

مرحله ۱: اقدامات فوری : ساعت صفر تا ۷۲

این مرحله بر ایمن‌سازی دارایی‌ها و جلوگیری از آسیب فوری متمرکز است.

ایمن‌سازی فوری مکان‌های فیزیکی:

- هدف : ایجاد یک کمربند فیزیکی در اطراف تمام مراکز اقتصادی و اداری حیاتی برای جلوگیری از غارت، خرابکاری و حذف اسناد یا دارایی‌ها.
- فهرست هدف (اولویت ۱) :

1. بانک مرکزی ایران (تهران) - ساختمان اصلی و خزانه‌داری.
2. بنیاد مستضعفان (تهران).
3. ستاد فرماندهی اجرایی (تهران).
4. دفتر مرکزی شرکت ملی نفت ایران (تهران).
5. دفتر مرکزی بانک دولتی (بانک ملی، صادرات).
6. مراکز داده کلیدی برای ثبت احوال و شبکه‌های مالی.

• اجرا :

1. استقرار واحدهای از پیش تعیین‌شده ارتش یا نیروهای ائتلاف با چارچوب مشخص اجرایی عملیات
2. ایجاد یک محیط امنیتی چند لایه داخلی در تمام ورودی‌ها و خروجی‌ها، در حالی که لایه بیرونی دسترسی عمومی را مدیریت و از تجمع جلوگیری می‌کند.
3. همزمان، «تیم‌های داخلی» متشکل از کادر تخصصی تأیید شده و پرسنل امنیتی برای ایمن‌سازی اتاق‌های سرور، بایگانی پرونده‌ها و دفاتر اجرایی وارد تأسیسات خواهند شد. از خروج همه پرسنل تا زمان پاکسازی جلوگیری خواهد شد.

• **تهیه نسخه پشتیبان و مستندسازی دیجیتال به منظور حفظ شواهد:**

- تیم‌های فناوری اطلاعات بلافاصله شروع به تهیه نسخه‌های کامل و قابل بررسی قضایی از تمام سرورها و پایگاه‌های داده حیاتی خواهند کرد.
- دسترسی شبکه به دنیای خارج قطع خواهد شد تا از پاکسازی از راه دور داده‌ها جلوگیری شود.
- تمام سوابق دیجیتال موجود به عنوان مدرک برای اقدامات قانونی آینده حفظ خواهند شد.

• **احکام قانونی و ابلاغیه‌های بین‌المللی:**

- مرجع انتقالی فوراً یک فرمان اضطراری صادر خواهد کرد که تمام حساب‌های مرتبط با سازمان‌ها و افراد هدف را در سیستم بانکی ایران مسدود می‌کند.
- همزمان، اطلاعیه‌های از پیش تهیه‌شده از طریق سریع‌ترین کانال‌های دیپلماتیک به گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، اینترپل (اعلان‌های قرمز برای افراد کلیدی)، طرح ابتکاری StAR بانک جهانی و دولت‌های

تمام کشورهای دارنده‌ی دارایی‌های ایران ارسال خواهد شد و درخواست مسدود کردن فوری تمام حساب‌ها و اموال مرتبط با آن‌ها مطرح می‌شود.

مرحله ۲: اقدامات میان‌مدت (روزهای ۳+ تا ۳۰+)

- **تاسیس کارگروه بازیابی دارایی‌ها:** ایجاد رسمی یک کارگروه اختصاصی با کمیته‌های فرعی برای حسابداری قانونی، امور حقوقی، دیپلماسی بین‌المللی و امنیت فیزیکی.
- **حسابرسی‌های قضایی:** حسابرسی قضایی جامع و کامل از موسسات تحت حفاظت آغاز شود، به‌نحوی که میزان دقیق دارایی‌های موجود احصا، تراکنش‌های غیرقانونی شناسایی و مسیر جریان وجوه به‌صورت کامل و مستند ردیابی شود.
- **برنامه حمایت از افشاگران فساد و گزارش‌دهندگان تخلف:** راه‌اندازی یک کمپین عمومی که افراد داخلی را تشویق به ارائه اطلاعات در مورد دارایی‌های پنهان کند و در صورت لزوم پاداش‌های مالی و عفو عمومی ارائه دهد.

مرحله ۳: اقدامات بلندمدت (از ماه دوم به بعد)

- **اقدام حقوقی بین‌المللی:** آغاز مراحل قانونی در حوزه‌های قضایی خارجی برای بازپس‌گیری دارایی‌های مسدود شده. این امر مستلزم استخدام شرکت‌های حقوقی بین‌المللی و همکاری نزدیک با ادارات دادگستری کشورهای شریک خواهد بود.
- **مدیریت و واگذاری دارایی‌ها:** ایجاد یک چارچوب شفاف برای مدیریت دارایی‌های بازیابی‌شده. این می‌تواند شامل ایجاد یک صندوق ثروت ملی برای استفاده از دارایی‌ها برای بازسازی و برنامه‌های اجتماعی باشد.
- **پیگرد قانونی:** از شواهد حفظ‌شده برای آغاز پیگرد قانونی داخلی افراد درگیر در فساد و سرقت ثروت عمومی استفاده کنید.

۵. توصیه‌ها

موارد پیش رو پیشنهادهایی هستند که جهت استراتژیک عملیات را مشخص می‌کنند.

- **توصیه ۱:** ایجاد یک ساختار فرماندهی واحد: ایجاد گروهی یکپارچه برای بازیابی دارایی‌های عمومی که مستقیماً به رئیس نهاد انتقالی گزارش دهد. این گروه ویژه باید از اختیارات اجرایی، قانونی و عملیاتی برخوردار باشد تا بتواند با پرهیز از هرگونه کاغذ بازی قاطعانه عمل کند.

- توصیه ۲: تدوین و اجرای یک استراتژی ارتباط عمومی فعال :
 - هدف: ایجاد مشروعیت داخلی و بین‌المللی، جلوگیری از وحشت و مقابله با اطلاعات نادرست.
 - پیام‌های کلیدی : تاکید این نکته که این عملیات «ثروت عمومی» دزدیده شده را هدف قرار می‌دهد، نه اموال خصوصی. اطلاع‌رسانی درباره پیشرفت‌ها به صورت روزانه و مرتب و برجسته نمودن چگونگی استفاده وجوه بازیابی شده برای منافع عموم (مثلاً بازگرداندن حقوق بازنشستگی، تأمین مالی بیمارستان‌ها، حمل و نقل عمومی و ...).
 - کانال‌ها: استفاده فعال از تمامی رسانه های موجود. ایجاد یک وبسایت اختصاصی تا به عنوان منبع رسمی اطلاعات، به‌روزرسانی‌ها را ارائه دهد و شایعات نادرست را رد کند.
- توصیه ۳: بهره‌گیری از تخصص مهاجران و همکاری بین‌المللی:
 - مهاجران متخصص: استخدام و بررسی متخصصانی از میان ایرانی‌های خارج از کشور که در امور مالی بین‌المللی، حسابداری قانونی و حقوق تجربه دارند، به طور فعال و ایجاد یک شورای مشورتی رسمی برای کمک به گروه ویژه بازیابی دارایی‌ها.
 - همکاری بین‌المللی: رسمیت بخشیدن به همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند «طرح بازیابی دارایی‌های سرقت‌شده بانک جهانی (UNODC/StAR)»، گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و اینترپل. این نهادها می‌توانند در قالب کمک‌های فنی، آموزشی و ایجاد بسترهای بین‌المللی، از تلاش‌های حقوقی و دیپلماتیک برای بازیابی دارایی‌ها پشتیبانی کنند.

۶. نتایج مورد انتظار

- موارد پیش‌رو نتایج مشخصی هستند که می‌توان از اجرای موفقیت‌آمیز اقدامات طرح مذکور انتظار داشت.
- نتیجه ۱: جلوگیری موفقیت‌آمیز از فرار گسترده دارایی‌ها و ایمن‌سازی فیزیکی و دیجیتالی اکثر زیرساخت‌های اقتصادی داخلی رژیم سابق ظرف ۷۲ ساعت اول.
 - نتیجه ۲: مسدود شدن قانونی بخش قابل توجهی (که بالغ بر ده‌ها میلیارد دلار تخمین زده می‌شود) از دارایی‌های خارجی رژیم در عرض ماه اول.
 - نتیجه ۳: حفظ شواهد حیاتی مورد نیاز برای پشتیبانی از اقدامات قانونی داخلی و بین‌المللی آینده علیه مقامات فاسد.
 - نتیجه ۴: افزایش اعتماد و اطمینان عمومی به مقامات انتقالی، در نتیجه اقدام قاطع آن‌ها برای بازپس‌گیری ثروت ملی و پاسخگو کردن مقامات رژیم سابق.

این بخش، معیارها و فرآیندهای لازم برای پیگیری پیشرفت و تضمین پاسخگویی را تشریح می‌کند.

• معیارهای موفقیت:

○ مالی :

- ارزش کل دلاری حساب‌های بانکی داخلی مسدود شده.
- ارزش تخمینی بازیابی‌شده‌دارایی‌ها داخلی به صورت ریالی.
- ارزش تخمینی کل دارایی‌های بین‌المللی مسدود شده.
- مقدار طلای فیزیکی و پول نقد که در خزانه‌ها محافظت می‌شود.

○ عملیاتی :

- تعداد سایت‌های فیزیکی با اولویت بالا که با موفقیت ایمن‌سازی شده‌اند.
- درصد پایگاه‌های داده حیاتی که به صورت قانونی تصویربرداری و حفظ شده‌اند.
- تعداد اعلان‌های قرمز اینترنتی صادر شده و اقدامات لازم انجام شده.

○ حقوقی:

- تعداد پرونده‌های رسمی استرداد دارایی که در حوزه‌های قضایی خارجی ثبت شده‌اند.
- تعداد کیفرخواست‌های داخلی که بر اساس شواهد به دست آمده تهیه شده‌اند.

• فرآیند بررسی :

- مدیریت پباد، جلسات توجیهی عملیاتی روزانه را برای ۱۴ روز اول برگزار خواهد کرد.
- گزارش پیشرفت هفتگی به رهبری تیم انتقالی ارائه خواهد شد.
- برای حفظ شفافیت و حمایت عمومی، یک گزارش عمومی ماهانه از طریق وبسایت رسمی منتشر خواهد شد که ارزش کل دارایی‌های تضمین‌شده و پیشرفت تلاش‌های بازیابی را مشخص می‌کند.

۱۰. طرح گذار و مدیریت فوری بخش انرژی (نفت، گاز، برق و هسته‌ای)

هدف:

این برنامه گذار اضطراری، رویکردی راهبردی برای تثبیت، احیا و اصلاح زیرساخت‌های حیاتی نفت، گاز، برق و نظارت هسته‌ای ایران در ۱۸۰ روز نخست پس از فروپاشی جمهوری اسلامی است. اجرای این برنامه بر عهده ستاد عالی انرژی در پروسه گذار خواهد بود که متشکل از نیروهای ارزیابی‌شده و متخصص است. این طرح ابعاد امنیتی، حکمرانی، فنی و ژئوپولیتیکی را در چندین مرحله با هم تلفیق می‌کند.

اهداف کلیدی:

۱. جلوگیری از خرابکاری، هرج‌ومرج و فروپاشی عملیاتی در بخش انرژی
۲. احیای جریان برق و سوخت در سراسر کشور و تضمین پایداری آن
۳. از سرگیری صادرات برای تأمین درآمد ملی و بازگرداندن اعتماد جهانی به ثبات انرژی خلیج فارس
۴. پایه‌گذاری ساختار نهادی پایدار و بلندمدت اصلاحات قانونی و جلب اعتماد عمومی از طریق شفافیت و واگذاری تدریجی به وزارت انرژی نوین با ساختار اصلاح‌شده.

اولویت‌های کلیدی:

۱. تشکیل ستاد عالی انرژی در گذار:
تجمیع و متمرکزسازی مدیریت نهادهای انرژی تحت نظارت یک نهاد عملیاتی امن و معتبر به‌منظور هدایت در طول دوره اضطراری.
۲. تأمین و قفل‌گذاری سیستم‌های کنترلی فیزیکی و دیجیتال:
ایزوله‌سازی فوری شبکه‌های اسکادا (SCADA)، سامانه‌های پایش و مدیریت جریان برق و سوخت و زیرساخت‌های سوخت برای جلوگیری از خرابکاری یا تصرف خصمانه.
۳. تثبیت جریان برق و سوخت در کشور:
اولویت‌بخشی به بیمارستان‌ها، سامانه‌های آب‌رسانی، و زیرساخت‌های حیاتی شهری؛ اجرای اصلاحات موقت از جمله اضافه کردن واحدهای تولید برق با امکان نصب سریع و کپن‌های هوشمند انرژی برای مدیریت گذار.
۴. بازآرایی و بازگشت نیروی انسانی بخش انرژی:
شناسایی، راستی‌آزمایی و بازگماري نیروهای فنی سطح میانی؛ آغاز برنامه جذب نیروهای متخصص ایرانی مقیم خارج به‌منظور احیای توان مدیریتی بخش انرژی.

5. انتقال تدریجی وظایف به وزارت جدید انرژی:

ادغام وزارت نفت و وزارت نیرو در قالب ساختار یکپارچه‌ای متشکل از بخش‌های سیاست‌گذاری، اجرایی و نوآوری تا پایان فاز پنجم.

6. آغاز نوسازی زیرساخت‌ها و اصلاحات قانونی:

شروع ارتقا پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های فرسوده برای بهبود کیفیت سوخت، کاهش قطعی برق و تضمین ایمنی عملیاتی. در کنار آن، تشکیل یک هیأت بررسی حقوقی برای ارزیابی و بازنگری قراردادهای انرژی دوران رژیم، در راستای انطباق با استانداردهای بین‌المللی.

7. بازتعریف نظارت هسته‌ای در چارچوب غیرنظامی و بین‌المللی:

تعلیق فعالیت‌ها، ایمن‌سازی مواد، آغاز بازرسی‌ها، و انجام ممیزی‌های ایمنی مربوط به آلودگی و نگهداری مواد پرتوزا.

8. جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و نهادهای بین‌المللی:

تسهیل دسترسی ناظران، انتشار نقشه راه اصلاحات و راه‌اندازی "همایش گفت‌وگوی انرژی ایران" به‌عنوان بستری شفاف و قابل تعامل.

فرضیات:

1. امنیت پایه‌ای و کنترل سرزمینی در اغلب مناطق تولید انرژی برقرار شده است.
2. پشتیبانی فنی و مالی بین‌المللی در دسترس خواهد بود.
3. فرض بر آن است که حضور عناصر وابسته به نهادهای پیشین در زیرساخت‌های انرژی محدود است و امکان کنترل سریع و هدفمند آن‌ها وجود دارد.
4. مهندسان و تکنسین‌های سطح میانی آمادگی همکاری با ستاد عالی انرژی در گذار را دارند.
5. پیش‌بینی می‌شود که در طی ۹۰ روز نخست، بخشی از تحریم‌ها با محوریت انرژی از طریق مسیرهای دیپلماتیک کاهش یابد.

فاز صفر: هماهنگی پیش از ورود (پیش از روز اول)

• تشکیل ستاد عالی انرژی در گذار:

یک نهاد مرکزی با اعتماد بالا، متشکل از متخصصان ایرانی در حوزه‌های نفت و گاز، برق، امنیت سایبری، برنامه‌ریزی راهبردی و تثبیت اقتصادی به عنوان ستاد عالی انرژی در گذار (از این پس "ستاد") تشکیل می‌شود. ستاد به‌عنوان مرکز مدیریت کلیه برنامه‌ریزی‌ها، عملیات اجرایی و سیاست‌گذاری عمل خواهد کرد. همچنین یک ساختار اجرایی چندسطحی با دفاتر هماهنگ‌کننده منطقه‌ای در سطح استان‌ها راه‌اندازی خواهد کرد تا استقرار سریع تیم‌های فنی، مدیریت موقعیت‌های خاص و نظارت بر انتقال امن تأسیسات حیاتی را امکان‌پذیر سازد.

- **تفویض قانونی اختیارات:**

صدور حکم رسمی و مکتوب از سوی رهبر خیزش ملی به منظور واگذاری کامل اختیارات اجرایی بخش انرژی به ستاد بلافاصله پس از فروپاشی رژیم.

- **شناسایی و ارزیابی نیروهای متخصص داخلی:**

شناسایی ساختاری گسترده تا سطح چهارم مدیریتی در وزارت نفت و وزارت نیرو انجام خواهد شد. با بهره‌گیری از اطلاعات میدانی و گزارش‌های منابع درون‌سازمانی، افرادی که وابستگی آن‌ها به ساختارهای امنیتی رژیم پیشین یا سپاه پاسداران محرز باشد، برای برکناری شناسایی می‌شوند. هم‌زمان، نیروهای شایسته و فاقد وابستگی سیاسی که برای ادامه همکاری در دوران گذار مناسب تشخیص داده شوند، به صورت محرمانه شناسایی و برای حفظ و به‌کارگیری تحت نظارت ستاد در نظر گرفته خواهند شد.

- **تهیه نقشه تأسیسات کلیدی و رویه‌های عملیاتی:**

تدوین پیش‌نویس شیوه‌نامه‌های اجرایی برای ایمن‌سازی و توقف کنترل‌شده‌ی پالایشگاه‌ها، جداسازی امن سامانه‌های پایش و کنترل (SCADA)، بازبینی و تعیین تکلیف وضعیت نیروها و انتقال امن سایت‌ها.

- **تأمین لجستیک و ارتباطات ایمن:**

راه‌اندازی سامانه‌های ارتباطی رمزگذاری‌شده (ماهواره‌ای و زمینی) برای استفاده تیم‌های اعزامی.

- **تشکیل واحد هماهنگی بین‌المللی:**

این واحد مسئول ارتباط با وزارت انرژی ایالات متحده، سرویس اقدامات خارجی اتحادیه اروپا، وزارتخانه‌های انرژی خلیج فارس، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، اوپک، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و سایر نهادها خواهد بود تا کمک‌های فنی، تأمین سوخت و اعتبار بین‌المللی را تسهیل کند.

- **تحلیل راهبردی ظرفیت پالایشی کشور:**

برآورد جامع از زیرساخت‌های پالایشی ایران برای سنجش خروجی واقعی در مقابل ظرفیت اسمی، به‌ویژه در تولید بنزین، گازوئیل و سوخت هواپیما.

اقدامات مکمل:

- شناسایی و ارائه شکاف‌های عرضه و تقاضا در مناطق شهری، نظامی و خدمات حیاتی
- ارزیابی امکان‌پذیری فنی و عملیاتی برای احیای عرضه داخلی در ۳۰ روز ابتدایی
- تهیه فهرستی از مسیرهای تأمین اضطراری از طریق کشورهای دوست برای جبران کمبودهای احتمالی در مرحله تثبیت

فاز ۱: تصرف اضطراری و تثبیت اولیه (روزهای ۱ تا ۱۰)

- راستی‌آزمایی اضطراری و اقدام سریع برای تعلیق یا برکناری سطوح اول تا چهارم مدیریتی در وزارتخانه‌های نفت و نیرو، همچنین سطوح اول و دوم در مراکز استانی، با همراهی واحدهای حفاظتی منتخب، اجرا خواهد شد. در موارد بحرانی، دستور موقت تعلیق برای حفظ پیوستگی عملیاتی به مدت ۴۸ تا ۷۲ ساعت اعمال می‌شود تا فرایند راستی‌آزمایی کامل شود.
- واحدهای حراست مستقر در زیرمجموعه‌های انرژی، فوراً خلع سلاح، بازداشت و سامانه‌های نظارتی آن‌ها جمع‌آوری خواهد شد. زنجیره‌های ارتباط داخلی و گزارش‌دهی امنیتی، مسدود می‌شوند.
- سامانه‌های پایش و مدیریت دیجیتال از جمله SCADA جداسازی امن خواهند شد. کلیه دسترسی‌های ریشه‌ای تغییر کرده و سامانه‌ها از هرگونه اتصال خارجی قطع می‌شوند. در صورت لزوم، پروتکل‌های کنترل دستی فعال خواهند شد.
- شیوه‌نامه هماهنگی مدنی-امنیتی بین ستاد عالی انرژی در گذار و نیروهای مسئول برای حفاظت فیزیکی از زیرساخت‌ها، اعمال مقررات منع رفت‌وآمد (در مناطق خاص) و تضمین بازگشت ایمن نیروهای فنی فعال خواهد شد.
- فرایند بررسی، مسدودسازی و حسابرسی منابع مالی مربوط به صادرات انرژی، یارانه‌های داخلی و صندوق‌های حاکمیتی آغاز می‌شود.
- یک سازوکار ارتباط روزانه بین زیرکمیته‌های فنی ستاد و مدیران میانی تأسیسات انرژی در سراسر کشور برقرار خواهد شد (برای مثال، گزارش‌های صبحگاهی و جلسات هم‌زمان روزانه).

فاز ۲: تثبیت و امداد انرژی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- حسابرسی فنی و چندرشته‌ای از تمام زیرساخت‌های انرژی کشور شامل وضعیت تجهیزات، گزارش آسیب، وفاداری پرسنل و ارزیابی پایداری عملیاتی انجام خواهد شد.
- جریان برق و سوخت در سطح ملی با اولویت‌دهی به بیمارستان‌ها، سامانه‌های آبرسانی و مراکز شهری بازسازی می‌شود. اطلاع رسانی عمومی برای توضیح واقعیت‌های مربوط به قیمت‌گذاری سوخت و آماده‌سازی برای اصلاح یارانه‌ها اجرا خواهد شد. هم‌زمان، طرح‌های آزمایشی سهمیه هوشمند انرژی برای خانوارهای آسیب‌پذیر در شهرهای منتخب راه‌اندازی می‌شود.
- فرآیند بازگشت تدریجی نیروی انسانی، بر پایه غربالگری اضطراری و جذب نیروهای سطح میانی (مهندسان، کارشناسان و کارمندان فنی) آغاز می‌شود.

- واحدهای تولید برق سریع‌النصب از کشورهای همسایه اجاره یا خریداری شده و برای جبران شکاف تولیدی موقت مستقر خواهند شد.
- کلیه قراردادها و توافق‌نامه‌های نفت و گاز که طی پنج سال اخیر بسته شده‌اند، تعلیق و وارد چرخه بررسی حقوقی در قالب ساختار موقت انتقالی می‌شوند.
- تیم‌های واکنش فوری زیست‌محیطی برای رفع خطرات فوری و ریسک‌های ایمنی مرتبط با پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها فعال خواهند شد.

فاز ۳: تداوم عملیاتی و اعتمادسازی (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- ساختارهای امنیت فیزیکی جانشین جایگزین واحدهای حراست خواهند شد. این نهادهای تازه زیر نظر ستاد و با نظارت نهادی مدنی فعالیت می‌کنند.
- سامانه شفافیت عمومی راه‌اندازی و اطلاعات روزانه درباره تولید سوخت، ظرفیت پالایشگاه‌ها، مناطق دارای قطعی برق و خلاصه حسابرسی‌ها منتشر می‌شوند.
- برنامه‌های آزمایشی برای ادغام ساختاری وزارت نفت و نیرو آغاز خواهد شد.
- سازوکارهایی برای تشویق گزارش تخلفات و تقویت تعهد سازمانی طراحی خواهد شد تا کارکنان در فرآیند بازسازی نقش فعال داشته باشند و از انحرافات احتمالی جلوگیری شود.
- دسترسی ناظران بین‌المللی از جمله IAEA، IEA، بانک جهانی و بیمه‌گران برای ارزیابی کنترل عملیاتی، اطمینان از شفافیت و تسهیل جریان اعتبار خارجی فراهم خواهد شد.
- کارگروه اصلاح حقوقی و نظارتی برای انطباق با استانداردهای جهانی و حکمرانی شفاف آغاز به کار خواهد کرد.
- کارگروه ارزیابی انرژی هسته‌ای پس از رژیم زیر نظر ستاد عالی تشکیل می‌شود تا درباره آینده انرژی هسته‌ای ایران تصمیم‌گیری کند.

همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) برای بازرسی کامل سایت‌های غنی‌سازی شامل نطنز، فردو و اصفهان

ارزیابی مجدد ایمنی عملیاتی نیروگاه بوشهر

تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای تا زمان بررسی راهبرد ملی

بررسی امکان جایگزینی انرژی هسته‌ای با انرژی‌های تجدیدپذیر

ایمن‌سازی مواد پرتوزا با نظارت بین‌المللی

پایش زیست‌محیطی (آب، خاک، هوا) تا شعاع ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتری اطراف مراکز مشکوک
بررسی جابه‌جایی و ذخیره‌سازی اورانیوم غنی‌شده و انطباق آن با استانداردهای جهانی

فاز ۴: انتقال نهادی و تثبیت ساختاری (روزهای ۱۰۱ تا ۱۳۰)

پس از تثبیت نسبی شرایط در ۱۰۰ روز نخست، تمرکز اصلی به سمت بازسازی نهادی، تثبیت منابع انسانی و انتقال تدریجی کنترل از ستاد به وزارت انرژی جدید تغییر می‌کند. هدف این فاز، حفظ پیوستگی عملیاتی در کنار شروع ساختاردهی پایدار و جلوگیری از گلوگاه‌های سیاسی یا بوروکراتیک است.

• ادغام مرحله‌ای وزارت نفت و وزارت نیرو در قالب وزارت جدید انرژی:

فرآیند ادغام در دو گام صورت می‌گیرد:

◦ در مرحله اول، دفتر مشترک هماهنگی با چارچوب حکمرانی اشتراکی تأسیس می‌شود.

◦ در مرحله دوم (در طی ۶۰ روز)، ساختار عملیاتی جدید فعال می‌گردد که شامل چهار بخش کلیدی خواهد بود:

۱. نفت و گاز

۲. برق

۳. انرژی‌های نو و هسته‌ای

۴. سیاست‌گذاری راهبردی و مقررات‌گذاری

• انتصاب رهبری موقت:

رهبران موقت از میان نیروهای متخصص داخلی و کارشناسان مورد اعتماد از میان ایرانی‌های مقیم خارج انتخاب می‌شوند. به‌منظور جلوگیری از واکنش منفی یا مقاومت نهادی، پست‌های کلیدی به‌صورت مشارکتی با نیروهای محلی اداره می‌شوند. در این دوره، ستاد نظارت عالی خود را حفظ می‌کند.

• تکمیل حسابرسی پالایشگاه‌ها و آغاز نوسازی:

حسابرسی فنی و عملکردی پالایشگاه‌های ملی نهایی و برنامه‌ریزی برای نوسازی فنی و زیست‌محیطی در سایت‌های کلیدی آغاز می‌شود. هدف، کاهش آلاینده‌ها، بهبود کیفیت سوخت و انطباق با استانداردهای ایمنی بین‌المللی است.

• فعال‌سازی کارگروه بازگشت نخبگان ایرانی خارج از کشور:

این کارگروه مسئول تعیین معیارهای جذب، فراهم‌سازی اقامت، حقوق کوتاه‌مدت و اجرای طرح بازگشت نخستین گروه از مهندسان، اقتصاددانان و برنامه‌ریزان خواهد بود. هر فرد با همتای داخلی خود همراه می‌شود تا همکاری مشترک و انتقال تجربه تسهیل شود.

• انتقال سامانه‌های سایبری و فیزیکی به وزارت جدید انرژی:

فرآیند انتقال تدریجی سامانه‌های اسکادا، زیرساخت‌های دیجیتال و امنیت سایبری به مراکز منطقه‌ای وزارت

انرژی در قالب یک مدل دسترسی مرحله‌ای انجام می‌شود. هم‌زمان، پروتکل‌های اعتماد صفر (zero-trust) برای حفاظت از شبکه‌ها اجرا می‌شود و ستاد عالی انرژی به‌عنوان پشتیبان امنیتی باقی می‌ماند.

فاز ۵: نوسازی زیرساختی و بازتنظیم حقوقی (روزهای ۱۳۱ تا ۱۶۰)

در این مرحله، تمرکز اصلی از اقدامات اضطراری به سمت نوسازی فنی و حقوقی پایدار تغییر می‌یابد. این فاز با هدف مدرن‌سازی دارایی‌های حیاتی، فعال‌سازی طرح‌های آزمایشی انرژی‌های نو، اصلاح قراردادهای دوره پیشین و پاک‌سازی زیست‌محیطی، پایه‌های یک بخش انرژی شفاف و قانون‌مند را بنیان‌گذاری می‌کند.

• آغاز پایلوت‌های تثبیت شبکه برق:

با تمرکز بر افزایش قابلیت اطمینان شبکه و کاهش وابستگی به دیزل در استان‌های کلیدی، طرح‌های آزمایشی تثبیت شبکه طراحی و اجرا می‌شوند. هم‌زمان، فرایند انتخاب مکان برای اجرای پایلوت‌های انرژی تجدیدپذیر در فاز ۶ یا سال دوم آغاز می‌گردد.

• بازسازی مرحله‌ای نیروگاه‌های حرارتی گازسوز:

طرح نوسازی فنی برای بهبود بازدهی و توان پاسخ‌گویی بار در نیروگاه‌های قدیمی آغاز می‌شود. برنامه‌ریزی دقیق پروژه‌ها بر اساس نتایج ارزیابی‌های فنی انجام‌شده در فاز ۴ صورت می‌گیرد و پیمانکاران با اولویت داخلی بسیج خواهند شد.

• تقویت مرحله‌ای شبکه انتقال برق:

مطالعات فنی مسیر، ارزیابی‌های امنیت حریم عبور و فرآیندهای تأمین تجهیزات و تدارکات برای ستون فقرات ۵۰۰ کیلو ولتی شبکه ملی آغاز می‌شود. اجرای فیزیکی این پروژه از اواخر فاز ۶ یا در سال دوم عملیاتی خواهد شد.

• تشکیل هیأت مستقل بازنگری قراردادها:

یک نهاد حقوقی مستقل با حضور حقوق‌دانان برجسته و ناظران بین‌المللی برای بررسی، ارزیابی و در صورت لزوم بازنگری یا لغو قراردادهای انرژی بسته‌شده در دوره رژیم پیشین تشکیل می‌شود. اصول کلیدی این نهاد شامل فرآیند حل اختلاف سریع، حفاظت از سرمایه‌گذاران و انطباق با استانداردهای بین‌المللی خواهد بود.

• ذخایر راهبردی نفت (Strategic Petroleum Reserve - SPR):

مکان‌های مناسب برای احداث مخازن راهبردی انتخاب و تأمین مالی اولیه آن تثبیت می‌شود. طراحی مهندسی، برنامه‌ریزی لجستیکی و عملیات عمرانی اولیه آغاز خواهد شد. آغاز ساخت فیزیکی منوط به نهایی شدن توافقات با حامیان مالی است.

- **برنامه‌های ضد فساد و ارتقای سلامت اداری:**

دفتر نظارت داخلی وزارت جدید انرژی تشکیل و فعال می‌شود تا بر فرآیندهای مالی، قراردادهای و رویه‌های پرسنلی نظارت کند و با تخلفات احتمالی برخورد قانونی و شفاف داشته باشد.

- **گسترش عملیات پاک‌سازی زیست‌محیطی:**

دامنه‌ی پایش، نمونه‌برداری و اقدامات پاک‌سازی در اطراف تأسیسات هسته‌ای، مجتمع‌های پتروشیمی و مراکز غنی‌سازی که دارای سابقه آلودگی محیطی هستند افزایش می‌یابد. همکاری با نهادهای بین‌المللی در این مرحله تقویت می‌شود.

فاز ۶: گشایش اقتصادی و تنظیم‌گری نهایی (روزهای ۱۶۱ تا ۱۸۰)

در این فاز نهایی، تمرکز بر ایجاد زیرساخت حقوقی و نهادی لازم برای حضور مجدد ایران در نظام انرژی بین‌المللی است. چارچوب‌های قانونی موقت تدوین می‌شوند، پیلوت‌های اقتصادی اجرا می‌شوند و نهادهای تنظیم‌گر مستقل آغاز به کار می‌کنند تا بازار انرژی بر اساس اصول رقابت، شفافیت و پایداری شکل گیرد.

- **تدوین منشور اضطراری انرژی:**

پیش‌نویس یک منشور موقت منتشر می‌شود که اصول دسترسی به بازار، استقلال تنظیم‌گری و اهداف زیست‌محیطی را تبیین می‌کند. قانون جامع انرژی پس از مشورت‌های ملی و تخصصی ظرف ۱۲ ماه تهیه خواهد شد.

- **راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گر مستقل انرژی:**

این نهاد به‌طور موقت مسئول تدوین تعرفه‌ها، نظارت بر پیلوت‌های شبکه و تضمین دسترسی غیرتبعیض‌آمیز به زیرساخت‌های انرژی خواهد بود. این نهاد با حضور کارشناسان مورد تایید داخلی و پشتیبانی مشاوران بین‌المللی فعالیت می‌کند.

- **پیلوت بازار برق:**

بازار آزمایشی پاسخگویی به تقاضا و تعرفه‌گذاری متغیر بر اساس زمان برای کاربران دولتی و تجاری در مقیاس محدود اجرا می‌شود. نقشه راه استقرار سراسری زیرساخت «اندازه‌گیری هوشمند» (Advanced Metering Infrastructure – AMI) نیز تهیه خواهد شد.

- **برگزاری همایش گفت‌وگوی انرژی ایران:**

این همایش به‌عنوان بستر رسمی شفاف‌سازی، تعامل با بازیگران بین‌المللی، ارائه نتایج حسابرسی فنی، نمایش مسیرهای سرمایه‌گذاری و دریافت بازخورد عمومی برگزار می‌شود. این رویداد صرفاً جهت اعتمادسازی بوده و فراخوان جذب سرمایه رسمی در آن مطرح نمی‌شود.

- **انتشار نقشه راه اصلاحات انرژی:**

یک سند جامع دوساله منتشر می‌شود که مراحل اصلاحات، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، تخصیص‌های بودجه‌ای و فرآیندهای گذار بازار انرژی را تشریح می‌کند.

- **تشکیل واحد نوآوری اضطراری وزارت انرژی:**

این واحد برای پاسخ سریع به چالش‌های فنی جاری مانند تشخیص نشت، تحلیل خرابی شبکه، بهینه‌سازی سامانه‌های توزیع و جذب فناوری‌های نو با همکاری نیروهای بازگشتی و دانش‌بنیان راه‌اندازی خواهد شد.

پیشنهادهای

- **ایجاد شورای دائمی اضطرار انرژی تحت نظر رهبری ملی:**

یک شورای عالی متشکل از اعضای کلیدی ستاد عالی انرژی در گذار، مسئولان انتقالی وزارت انرژی و مشاوران امنیت ملی تشکیل شود تا تصمیم‌گیری سریع، اولویت‌بندی منابع و هماهنگی بین بخشی (انرژی، دفاع، مالی، محیط‌زیست) را تضمین کند.

- **تثبیت همکاری‌های فنی و مالی بین‌المللی در ۶۰ روز نخست:**

با نهادهای بین‌المللی و کشورهای متحد، توافق‌نامه‌های اجرایی جهت تأمین اعتبارات اضطراری، پشتیبانی فنی و تأیید خارجی برنامه بازسازی انرژی ایران امضا شود.

- **طراحی معماری حقوقی اولیه برای بازار شفاف انرژی:**

تهیه پیش‌نویس اسناد پایه مانند "قانون اصلاح ساختار انرژی" و "منشور نهاد تنظیم‌گر مستقل" با هدف جذب سرمایه‌گذاری معتبر و اطمینان‌بخشی به افکار عمومی درباره حاکمیت شفاف و عادلانه.

- **اجرای کمپین ملی آگاهی‌بخشی درباره وضعیت واقعی انرژی و ضرورت اصلاحات:**

برنامه رسانه‌ای هدفمند برای اطلاع‌رسانی به مردم درباره شرایط موجود، دلایل حذف یارانه‌ها و فواید بلندمدت اصلاحات با لحن شفاف، غیرسیاسی و هماهنگ با واقعیت‌های اقتصادی.

- **اولویت‌بندی دیپلماسی انرژی برای کاهش هدفمند تحریم‌ها:**

طی ۹۰ روز نخست، کمپین هماهنگ دیپلماتیک بر محور شفاف‌سازی در بخش انرژی و همکاری هسته‌ای، به‌منظور بازگشایی دارایی‌های بلوکه‌شده، دریافت معافیت‌های بشردوستانه در حوزه انرژی و تسهیل تجارت فنی آغاز شود.

- **تداوم تأمین انرژی در سطح ملی:**
بازگشت برق و سوخت به کلیه استان‌ها، با اولویت‌دهی به مراکز درمانی، شبکه آب‌رسانی و خدمات حیاتی.
- **تثبیت کنترل کامل بر نهادهای انرژی:**
تسلط کامل بر زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال از جمله سامانه‌های اسکادا، پایانه‌های نفتی و نیروگاه‌ها، با حذف نیروهای وابسته به سپاه و نهادهای امنیتی رژیم پیشین.
- **بازگشت درآمدهای صادراتی انرژی:**
راه‌اندازی مجدد صادرات از پایانه‌ها و پالایشگاه‌های کلیدی و آغاز تولید درآمد برای تثبیت مالی و ارتقا اعتبار جهانی ایران.
- **افزایش اعتماد عمومی به نهادهای انتقالی:**
ارتباطات روزانه، بهبود مشهود در خدمات انرژی و حذف نهادهای امنیتی وابسته به رژیم، باعث ایجاد مشروعیت و اعتماد عمومی خواهد شد.
- **ایجاد زیرساخت نهادی برای اصلاحات پایدار:**
ادغام ساختاری و حقوقی وزارت جدید انرژی، فعال‌سازی سامانه‌های نظارت و شفافیت و آغاز نوسازی عملیاتی و فناوریانه.

پایش و ارزیابی

سنجه‌های موفقیت:

- **بازیابی جریان برق و سوخت:**
گزارش‌های روزانه تولید برق (مگاوات) و تأمین سوخت در استان‌ها، با هدف بازگشت ۷۰٪ سطح خدمت تا روز ۴۵.
- **غربالگری و جایگزینی نیروها:**
درصد سمت‌های کلیدی که از طریق کمیسیون راستی‌آزمایی اضطراری پر شده‌اند، همراه با گزارش‌های دوهفتگی درباره خلأهای منابع انسانی.
- **نوسازی زیرساخت‌ها:**
داشبوردهای حسابرسی در سطح تأسیسات، شامل شاخص‌های بازگشت به کارکرد عملیاتی، اختلالات و وضعیت ارتقا فنی.

- **تأمین امنیت سایبری و سامانه‌های کنترل:**
گزارش‌های وضعیت شبکه و تأیید حذف کامل دسترسی‌های مخرب یا مرتبط با عوامل خارجی.
- **اعتماد عمومی و ثبات اجتماعی:**
پایش افکار عمومی از طریق حجم تماس با خطوط ویژه، روندهای شبکه‌های اجتماعی و اندازه‌گیری مشارکت در پیلوت‌های کوپن انرژی.
- **بازگشت و ادغام نیروهای متخصص خارج‌نشین:**
تعداد نیروهای بازگشته، وضعیت تخصیص کاری و میزان ماندگاری آنان در ساختارهای ستاد و وزارت جدید انرژی.

سازوکار بازبینی:

- گزارش‌های روزانه وضعیت از فرماندهی‌های منطقه‌ای به ستاد مرکزی
- جلسات هفتگی ملی انرژی با مقام انتقالی و نهادهای بین‌المللی ناظر
- گزارش‌های عمومی ماهانه از نهاد مستقل ناظر شامل ایمنی، بازسازی و استخدام

چالش‌های سیاسی احتمالی و راهکارهای پیشنهادی

چالش ۱: مقاومت نیروهای وابسته به رژیم در سطح استانی

بسیاری از مدیران میانی یا عالی‌رتبه بخش انرژی دارای روابط مستقیم با سپاه یا منافع مالی وابسته به نظام هستند. حذف آن‌ها ممکن است منجر به خرابکاری یا کارشکنی شود.

راهکار: برکناری فوری دو سطح بالایی، همراه با جایگزینی فوری از میان نیروهای آموزش‌دیده ستاد و حمایت میدانی تیم‌های نظارت.

چالش ۲: واکنش پوپولیستی نسبت به همکاری‌های بین‌المللی یا بازگشت نخبگان مقیم خارج

جریان‌های مخالف اصلاحات ممکن است بازگشت متخصصان خارج‌نشین یا همکاری با نهادهای بین‌المللی را به‌عنوان مداخله خارجی جلوه دهند.

راهکار: تأکید بر «مالکیت ملی اصلاحات»، روایت بازگشت نخبگان به عنوان وظیفه میهنی و استفاده از ترکیب نیروهای داخلی و خارجی در سمت‌های کلیدی. همچنین شفاف‌سازی فرآیندها و انتشار داستان‌های موفقیت در رسانه‌ها.

چالش ۳: خرابکاری و جاسوسی دیجیتال در مراحل اولیه انتقال سامانه‌ها

باقی‌مانده‌های ساختار امنیتی ممکن است از روزه‌های فنی برای خرابکاری در تأسیسات بهره ببرند.

راهکار: قطع فوری شبکه‌های اسکادا، پاکسازی دسترسی‌های خارجی و استقرار واحدهای ضد خرابکاری با اختیار واکنش فوری.

چالش ۴: مقاومت در برابر شفاف‌سازی و حسابرسی عمومی

ذی‌نفعان فاسد در رژیم پیشین ممکن است تلاش کنند روندهای حسابرسی، انتشار داده‌ها یا بازنگری قراردادهای را مختل کنند یا بی‌اعتبار جلوه دهند.

راهکار: گره زدن شفاف‌سازی به مفهوم «حیثیت ملی»، استفاده از نهادهای ناظر مردمی و بین‌المللی برای تقویت مشروعیت و مقابله با پروپاگاندا.

چالش ۵: تاخیر در آزادسازی منابع مالی و حمایت خارجی

ابهام در وضعیت حقوقی دولت انتقالی ممکن است مانع آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده یا اعطای خطوط اعتباری شود.

راهکار: آغاز گفت‌وگوی رسمی با نهادهای بین‌المللی از فاز صفر، تهیه اسناد حقوقی از پیش‌نویس‌شده و تضمین تعهدات بین‌المللی نسبت به چارچوب بازسازی انرژی ایران.

۱۱. صنعت، تولید و زیرساخت اقتصادی

هدف

این برنامه اضطراری، راهبردی ملی برای احیای تولید صنعتی، فراهم‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی و ایجاد بستر رشد بلندمدت مبتنی بر تولید و صادرات، پس از فروپاشی رژیم ارائه می‌دهد. این برنامه بر امنیت، تثبیت نیروی کار، تداوم زیرساخت‌ها و اصلاح مدیریت در صنایع کلیدی و پشتیبان ایران تمرکز دارد.

هماهنگی اجرای برنامه بر عهده مرجع گذار برای احیای صنعت خواهد بود که با همکاری تیم‌های فنی محلی، مشاوران بین‌المللی و متخصصان مقیم خارج منتخب انجام می‌شود.

این برنامه سه لایه عملکردی را پوشش می‌دهد:

- **لایه ۱:** احیای فوری و محافظت از سامانه‌های حیاتی تولید (غذا، سلامت، صنایع مرتبط با دفاع)
- **لایه ۲:** تثبیت و راه‌اندازی مجدد بخش‌های بنیادین موثر بر اقتصاد و اشتغال‌زایی (مواد ساختمانی، خودرو، معدن)
- **لایه ۳:** هماهنگی و برنامه‌ریزی برای ورود بخش‌های پیشرفته و ارزش‌افزا به فاز احیای کامل در فاز ۲ (پس از روز ۱۸۰)

اولویت‌های کلیدی

۱. تاسیس مرجع گذار برای احیای صنعت: نهاد مرکزی با نظارت بر همه سایت‌های صنعتی، مناطق تولیدی، و زیرساخت‌های اقتصادی ملی‌شده
۲. تأمین و ارزیابی صنایع لایه ۱ (غذا، دارو، کشاورزی): تضمین تداوم تولید غذا، توزیع، زنجیره‌های تأمین دارویی و دسترسی به کود طی دو هفته
۳. انجام سرشماری ملی دارایی‌های صنعتی: نقشه‌برداری و ارزیابی شهرک‌های صنعتی، پالایشگاه‌ها، کارخانه‌ها و مناطق بنگاه‌های کوچک و متوسط. شناسایی ریسک خرابکاری، غارت و پتانسیل راه‌اندازی مجدد
۴. راه‌اندازی برنامه تثبیت نیروی کار صنعتی: پالایش و جذب مجدد کارگران ماهر، مهندسان، مدیران کارخانه و اپراتورها؛ جلوگیری از انحراف منابع به بازار سیاه
۵. بازیابی برق و آب برای خوشه‌های صنعتی لایه ۱ و ۲: هماهنگی با ستاد گذار انرژی برای اولویت‌بندی مناطق صنعتی با اشتغال بالا و پیوند با غذا/دارو
۶. آغاز اصلاحات قانونی و پاکسازی موجودی: مسدودسازی دارایی‌های صنعتی وابسته به رژیم. آغاز بررسی کارخانه‌های تحت کنترل سپاه، نهادهای دولتی و موارد سوءاستفاده از انحصار
۷. ایجاد چارچوب اضطراری تسهیل واردات: همکاری با شرکای بین‌المللی برای تأمین ورودی‌های حیاتی: مواد اولیه دارویی، گندم، تجهیزات پزشکی، کود، قطعات ماشین‌آلات و بسته‌بندی بهداشتی
۸. راه‌اندازی واحد کنترل ریسک زنجیره تأمین: پایش گلوگاه‌ها، احتکار و ریسک‌های خرابکاری در حوزه حمل‌ونقل، لجستیک کشاورزی و ورودی‌های صنعتی
۹. تهیه قانون گذار صنعتی موقت: پایه‌گذاری حقوقی برای مالکیت کارخانه، ملی‌سازی موقت، حل اختلافات، و مسیر بازخصوصی‌سازی

- امنیت سرزمینی و انرژی تا حد زیادی تثبیت شده است (بر اساس تکمیل فازهای ۱-۲ ستاد انرژی)
- جریان داخلی سوخت و برق در بیش از ۷۰ درصد استان‌ها در حال بازیابی است
- دولت گذار، مشروعیت اولیه مردمی و شناسایی بین‌المللی دارد
- دارایی‌های صنعتی وابسته به سپاه و بنیادها تا حدی مسدود یا ایمن‌سازی شده‌اند
- خطوط اعتباری کوتاه‌مدت وارداتی یا ترتیبات تهاتری با کشورهای همسایه و متحدان غربی فراهم است

فاز صفر: هماهنگی پیش از ورود (پیش از روز اول)

- تشکیل مرجع گذار برای احیای صنعت تحت فرمان رهبر خیزش ملی
- تهیه نقشه اولویت‌بندی خوشه‌های صنعتی بر اساس لایه‌بندی: لایه ۱، ۲، و ۳
- ایجاد سامانه پایش اضطراری زنجیره تأمین: نقشه‌برداری از جریان گندم، مواد دارویی، کالاهای پزشکی و سایر اقلام ضروری
- هماهنگی با ستاد گذار انرژی و واحد اضطراری آب جهت آماده‌سازی خوشه‌های صنعتی برای بازیابی تدریجی انرژی
- هماهنگی با شرکای بین‌المللی برای واردات سریع اقلام ضروری و موجودی پل (دارو، نهاده‌های غذایی، بذر، مواد شیمیایی کشاورزی و...)

فاز اول: تصرف اضطراری و قرنطینه (روزهای ۱ تا ۱۰)

- تصرف و ایمن‌سازی تأسیسات تولیدی بزرگ تحت کنترل نهادهای وابسته به سپاه (خاتم‌الانبیا، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام)؛ بازداشت یا تعلیق مدیران ارشد و جایگزینی آن‌ها با متخصصان بومی ارزیابی‌شده
- محافظت از تأسیسات لایه ۱ (آسیاب‌های گندم، کارخانجات لبنی، کارخانه‌های دارویی، تولیدکنندگان خوراک طیور) با کمک نیروهای نظامی و حمایت نیروی کار محلی
- استقرار تیم‌های سریع ارزیابی موجودی و ظرفیت برای بررسی عملکرد خطوط اصلی صنایع کشاورزی و داروسازی

- تصرف و ایمن‌سازی انبارهای گمرکی، مراکز ذخیره ورودی‌های صنعتی، و انبارهای بازار سیاه تجهیزات پزشکی
- ممنوعیت صادرات اقلام حیاتی غذایی و بهداشتی تا زمان تثبیت ملی

فاز دوم: تثبیت و اولویت‌بندی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- بازیابی و راه‌اندازی خطوط تولید لایه ۱: آرد، بسته‌بندی برنج، روغن خوراکی، لبنیات، واکسن‌ها، انسولین، سرم‌ها، آنتی‌بیوتیک‌ها، خوراک دام و طیور، فرآوری بذر و...
- تثبیت بخش‌های حیاتی بسته‌بندی (پلاستیک، آلومینیوم، مقوا) برای جلوگیری از گلوگاه در تحویل غذا/دارو
- آغاز ممیزی در سطح کارخانه برای بخش‌های لایه ۲: سیمان، فولاد، مصالح ساختمانی، قطعات خودرو، کود
- راه‌اندازی طرح اضطراری حفظ نیروی کار: حمایت موقتی از حقوق نیروی ماهر بازگشتی در صنایع لایه ۱ و ۲
- آغاز برنامه ملی ثبت ابزارآلات ماشینی و بازفعال‌سازی: شناسایی ماشین‌ابزارهای CNC، اکسترودرها، قالب‌گیرها، کوره‌ها و تجهیزات بسته‌بندی قابل راه‌اندازی مجدد

فاز سوم: تداوم صنعتی و اعتماد عمومی (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- فعال‌سازی داشبورد ملی صنعت: آمار روزانه و هفتگی تولید کالاهای حیاتی
- راه‌اندازی واحد انطباق داروسازی با استانداردهای GMP با همکاری مشاوران فنی سازمان جهانی بهداشت (WHO) یا آژانس دارویی اروپا (EMA) برای بازسازی اعتماد به کیفیت و ایمنی داروها
- نهایی‌سازی مناقصه‌های اضطراری برای قطعات، بذر و مواد شیمیایی برای پر کردن خلاءهای تولید
- تشکیل هیئت بازبینی خریدهای عمومی برای جلوگیری از دستکاری قیمتی، رانت سیاسی یا قراردادهای فامیلی
- گسترش اعزام متخصصان غربت‌نشین به خوشه‌های دارو، صنایع غذایی، مصالح ساختمانی و لجستیک
- آغاز بازبرندسازی و پاکسازی محصولات با برندهای رژیم سابق (داروها، کودها، اقلام خوراکی)

فاز چهارم: فعال‌سازی نهادی (روزهای ۱۰۱ تا ۱۳۰)

- تأسیس وزارت گذار صنعت، تجارت و تولید: ادغام وزارتخانه‌های رژیم سابق (صنعت، معدن، تجارت)، بنیادها و هلدینگ‌های کلیدی در ساختاری موقت با تمرکز بر تثبیت صنعت، اصلاح حقوقی و راه‌اندازی مجدد

- آغاز ثبت‌نام مجدد ملی صنعت: قرار دادن کلیه شرکت‌های دولتی، خصوصی و شبه‌دولتی (وابسته به سپاه) تحت حمایت قانونی گذار؛ آغاز راستی‌آزمایی دارایی‌ها و صدور مجوزهای موقت توسط هیئت گذار خصوصی‌سازی
- گسترش راه‌اندازی لایه ۲: بازگشایی خوشه‌های سیمان، مس، کود اوره، قطعات خودرو و مونتاژ ICT بر اساس وضعیت ممیزی و دسترسی انرژی؛ اولویت با حفظ شغل و تأمین ورودی‌های کلیدی
- راه‌اندازی کارگروه صنایع استراتژیک ملی: تشکیل جلسات متخصصان ارزیابی‌شده داخلی و مقیم خارج برای طراحی مسیرهای صنعتی‌سازی مجدد در حوزه‌های خودرو، پتروشیمی، معدن، دفاعی و فناوری اطلاعات

فاز پنجم: بازتنظیم حقوقی و مقرراتی (روزهای ۱۳۱ تا ۱۶۰)

- راه‌اندازی دادگاه‌های صنعتی موقت: آغاز رسیدگی حقوقی به دعاوی مالکیت، انحلال انحصارات، و بازگرداندن کارگران؛ تضمین شفافیت و سلامت قضایی
- صدور نقشه راه انطباق صنعتی: انتشار استانداردهای موقت برای انتشار آلاینده‌ها، مصرف آب، ایمنی، حقوق کارگران و مبارزه با فساد، همسو با اصول پروژه شکوفایی ایران (IPP) و الزامات بازارهای صادراتی
- گسترش هماهنگی با ستاد گذار انرژی (TECU) و تیم‌های زیرساخت انرژی: یکپارچه‌سازی برنامه‌های احیای صنعت با تثبیت مالی و دسترسی به خدمات در خوشه‌های اصلی
- استقرار واحدهای نظارت صنعتی: تیم‌های میدانی برای پایش اجرای برنامه‌ها، جلوگیری از خرابکاری یا بازگشت انحصارات و گردآوری بازخورد از فعالان صنعتی

فاز ششم: آمادگی سرمایه‌گذاری و تکمیل گذار (روزهای ۱۶۱ تا ۱۸۰)

- انتشار فهرست سرمایه‌گذاری صنعت پاک: راه‌اندازی یک پایگاه داده شفاف و عمومی از دارایی‌های صنعتی بازسازی‌شده، شامل کارخانه‌های تولیدی، واحدهای فرآوری و یا زیر ساختها، همراه با وضعیت قانونی، سطح انطباق و شاخص آمادگی برای جذب سرمایه
- تدوین بسته قانونی اضطراری سرمایه‌گذاری صنعتی: پیشنهاد اصلاحات در حوزه ورشکستگی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک (JV)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، حمایت‌های کارگری و مسیرهای خصوصی‌سازی پس از بحران

- نهایی‌سازی نقشه راه دو ساله نوسازی صنعت (نسخه اولیه): ادغام برنامه‌های دسترسی به انرژی، تربیت نیروی کار ماهر، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، هدف‌گذاری صادرات و تاب‌آوری صنعتی؛ انتشار عمومی پس از روز ۱۸۰

توصیه‌ها

- تشکیل شورای اضطراری صنعت ملی به ریاست نماینده رهبر خیزش ملی: این شورا شامل نمایندگان مرجع گذار احیای صنعت (TIRA)، رهبری موقت وزارت صنعت، تجارت و تولید (MITP)، ستاد هماهنگی انرژی (TECU) و ناظران بین‌المللی خواهد بود
- اولویت‌بخشی به تداوم لایه ۱ در پیام‌رسانی عمومی: به‌روزرسانی‌های روزانه، نشست‌های خبری و شفافیت برای مقابله با شایعات، فساد یا روایت‌سازی‌های عوامل رژیم پیشین
- تصویب پیشاپیش مسیرهای وارداتی برای نهادهای کشاورزی و بهداشتی در قالب پروتکل‌های بشردوستانه
- اجرای کمپین بازبرندسازی برای تمایز تولیدات پاک پسرارژیم از برندهای فاسد دوران گذشته

نتایج مورد انتظار

- عدم اختلال در تأمین مواد غذایی، دارو یا کالاهای صنعتی حیاتی
- فعالیت اقتصادی ملموس در نواحی تولیدی شهری و روستایی ظرف ۳۰ تا ۴۵ روز
- افزایش اعتماد عمومی به حکومت گذار از طریق شفافیت و ثبات
- فعال‌سازی بخشی از صنایع سنگین، مصالح ساختمانی و فرآوری کشاورزی تا روز ۹۰
- ایجاد زیرساخت حقوقی و نهادی برای احیای کامل صنعت در سال‌های اول و دوم

پایش و ارزیابی عملکرد

شاخص‌های موفقیت

بازیابی تولید صنعتی

- درصد ظرفیت تولیدی بازیابی‌شده در بخش‌های لایه ۱ و ۲
- تعداد سایت‌های صنعتی فعال که تحت مجوزهای موقت بازعملیاتی شده‌اند

تداوم نیروی کار و اعتماد عمومی

- درصد نیروی کار ماهر بازگشته و حفظ‌شده در واحدهای حیاتی
- تعداد برنامه‌های بازآموزی و رهبری مشترک با متخصصان مقیم خارج

بازیابی صادرات و لجستیک:

- حجم صادرات کالاهای کلیدی در مقایسه با سطح پیش از فروپاشی
- تعداد مسیرهای لجستیک مرزی که تثبیت و پایش شده‌اند

حکمرانی و شفافیت:

- تعداد حسابرسی‌های خصوصی‌سازی تکمیل‌شده
- حجم دارایی‌های صنعتی بازپس‌گرفته‌شده از نهادهای وابسته به سپاه
- تعداد ثبت نام‌ها در پورتال سرمایه‌گذاری صنعت پاک

مشارکت عمومی و ارتباطات:

- تعداد میزگردهای مردمی، جلسات هماهنگی با ذی‌نفعان و نشست‌های مشترک داخلی-خارجی

فرآیند بازبینی:

- گزارش‌های دوهفته یک‌بار به دولت انتقالی و نهاد خیزش ملی

- داشبوردهای عملکرد عمومی در روزهای ۳۰، ۹۰ و ۱۵۰ برای ایجاد اعتماد مردمی
- حسابرسی‌های فنی خارجی در روزهای ۶۰ و ۱۸۰ توسط ناظران بین‌المللی
- دریافت بازخورد از اتحادیه‌های صنعتی و ادغام آن در سیاست‌های بازبینی‌شده فصلی

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده

چالش ۱: مقاومت انحصارهای صنعتی وابسته به سپاه

- ریسک: تلاش برای حسابرسی، مصادره یا خصوصی‌سازی هلدینگ‌های وابسته به رژیم (مانند خاتم‌الانبیا) ممکن است با کارشکنی یا خرابکاری پنهان مواجه شود
- راه‌حل: صدور احکام حقوقی مسدودسازی دارایی‌ها، حمایت آشکار بین‌المللی از خصوصی‌سازی پاک و استقرار نیروهای امنیتی در واحدهای حساس

چالش ۲: واکنش منفی عمومی به خصوصی‌سازی یا مشارکت ایرانی‌های مقیم خارج

- ریسک: جریانات پوپولیستی ممکن است خصوصی‌سازی را به‌عنوان غارت خارجی یا مدیریت مشترک ایرانی‌های مقیم خارج را به‌عنوان تبعیض نخبگان جلوه دهند
- راه‌حل: کمپین‌های ارتباطی عمومی با تأکید بر مالکیت ملی، اشتغال و منافع عمومی؛ جفت‌سازی ایرانی‌های مقیم خارج با همکاران داخلی؛ اولویت دادن به شفافیت

چالش ۳: قاچاق، غارت یا بازارهای غیرقانونی در دوره گذار

- ریسک: با بازتنظیم نظام‌های حقوقی، تجارت غیرقانونی سوخت، فولاد و داروها ممکن است افزایش یابد
- راه‌حل: تشکیل نیروی ویژه گمرک تحت کارگروه صنایع استراتژیک (ISTF) با هماهنگی مرزی؛ حضور پلیس در مناطق صنعتی؛ استفاده از فناوری برای ردیابی

چالش ۴: ادامه فرار مغزها یا مهاجرت متخصصان

- ریسک: باقی‌مانده متخصصان ممکن است به دلیل عدم اطمینان مهاجرت کنند و فرآیند بازراه‌اندازی را مختل نمایند

- راه‌حل: ارائه قراردادهای موقت ۱۲ ماهه؛ همکاری با وزارت کار و آموزش برای بازآموزی و تثبیت

چالش ۵: بلاتکلیفی حقوقی و تأخیر در جذب سرمایه خصوصی

- ریسک: نبود اصلاحات در دادگاه‌های تجاری، قوانین ورشکستگی یا چارچوب‌های JV ممکن است مانع سرمایه‌گذاری ایرانی‌های مقیم خارج یا خارجی شود
- راه‌حل: تدوین ضمانت‌های قانونی موقت تحت نظر MITP با نظارت پارلمان گذار؛ انتشار جدول زمانی برای اصلاحات کامل

چالش ۶: رخوت اداری از سوی مدیران میانی وابسته به رژیم سابق

- ریسک: برخی مدیران میانی ممکن است اجرای اصلاحات را کند یا در آن سنگ‌اندازی کنند
- راه‌حل: اجرای ارزیابی و بررسی وفاداری؛ ترکیب رهبری گذار با همکاران بومی در قالب قراردادهای موقت؛ چرخش مدیریتی منطقه‌ای

۱۲. آب

خلاصه اجرایی

ایران در شرایط ورشکستگی آبی قرار دارد. این برنامه، اقدامات ضروری برای مدیریت و تثبیت بخش آب کشور در مرحله‌ی پس از فروپاشی رژیم ارائه می‌دهد. هدف از این برنامه تداوم خدمات حیاتی آب، پیشگیری از بی‌ثباتی سرزمینی ناشی از بحران‌های آبی در دوره گذار، و ایجاد بستری برای مدیریت پایدار منابع آب در آینده است. این برنامه به تهدیدهای فوری می‌پردازد، لزوم توزیع عادلانه آب را ترویج می‌کند، و اصلاحات اساسی را ذیل بخش "حاکمیت آب در دوره انتقالی" مدیریت و اجرا می‌کند. این بخش توسط جامعه مدنی، دولت گذار، کارشناسان مستقل، و شرکای بین‌المللی حمایت می‌شود.

اهداف

- تضمین دسترسی بدون وقفه همه شهروندان به آب آشامیدنی ایمن و خدمات بهداشتی در طول دوره انتقالی ۱۸۰ روزه
- تأمین، حفاظت و تثبیت سریع زیرساخت‌های حیاتی آب در سراسر کشور.

- برقراری بخش "حاکمیت آب در دوره انتقالی" که شفاف، پاسخگو و مشارکت‌محور باشد.
- استقرار پایه‌های فنی، حقوقی و مالی برای مدیریت پایدار و عادلانه منابع آب در بلندمدت، منطبق با رویه‌های بین‌المللی و استانداردهای حقوق بشری.
- تقویت اعتماد عمومی و مشارکت شهروندی از طریق ارتباط شفاف، شفافیت داده‌ها و بهره‌گیری از تخصص‌های محلی و جامعه مدنی.

فاز صفر: هماهنگی پیش از ورود (قبل از روز اول)

- تشکیل بخش "حاکمیت آب در دوره انتقالی": تشکیل یک نهاد متشکل از کارشناسان و تکنوکرات‌ها با اختیارات قانونی برای نظارت بر بخش آب.
- هماهنگی داخلی: برقراری شبکه‌های ارتباطی قدرتمند با مدیران و مسئولان داخلی برای تسهیل یک گذار منسجم و بی‌وقفه در بخش آب.
- هماهنگی بین‌المللی: شناسایی نهادهای کلیدی بین‌المللی برای تعامل سریع و اطمینان از دسترسی به موقع به کمک‌های انسانی و فنی در زمان مناسب.
- آمادگی امنیتی: ایجاد شبکه‌های ارتباطی امن و نقاط استقرار لجستیکی.

فاز ۱: به‌دست‌گیری فوری و انسداد (روزهای ۱ تا ۱۰)

- کنترل نهادهای: برکناری فوری مقامات ارشد بخش آب که با فساد مرتبط هستند، و حفاظت از تاسیسات کلیدی آب در برابر خرابکاری.
- امنیت زیرساختی: استقرار تیم‌های امنیتی برای محافظت از سدهای کلیدی، خطوط لوله، لوله‌های انتقال آب، و ایستگاه‌های پمپاژ در مناطق آسیب‌پذیر (مانند خوزستان، فلات مرکزی، حوضه دریاچه ارومیه و غیره).
- عملیات اضطراری: تضمین تأمین آب با اولویت‌بندی بیمارستان‌ها، آب آشامیدنی مراکز شهری و روستایی، و سپس آبیاری حداقلی ضروری برای مصارف کشاورزی.
- انجماد مالی: تعلیق مجوزها، قراردادهای مرتبط با آب تا زمان حسابرسی سریع برای توقف فساد، در عین حفظ هزینه‌های عملیاتی حیاتی.
- حفاظت از آب‌های زیرزمینی: تعلیق همه حفاری‌های جدید چاه‌های آب زیرزمینی تا انجام ارزیابی جامع و تخصصی از وضعیت سفره آب‌ها و تدوین استراتژی ملی مدیریت پایدار.
- ساختار سازمانی: حفظ ساختارهای سازمانی موجود مانند وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست، شورای عالی آب، و وزارت جهاد کشاورزی در کوتاه‌مدت، همزمان با اصلاحات نهادی در راستای تهیه نقشه‌راه آینده.

- حفظ نیروهای کلیدی: نگهداری کارکنان میان‌رتبه‌ای مدیریتی در وزارتخانه‌ها و ادارات مرتبط با آب، مگر آنکه شواهد فساد یا تعارض منافع در مورد آن‌ها تأیید شده باشد.
- اطلاع‌رسانی عمومی: آغاز اطلاع‌رسانی ملی برای آگاه‌سازی عموم از اقدامات تثبیتی، تشویق همکاری مدنی، و کسب اعتماد.

فاز ۲: تثبیت و ارزیابی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- بازگرداندن خدمات حیاتی: اولویت‌دهی به بازایی دسترسی به آب آشامیدنی و تأسیسات بهداشتی و تخصیص‌های موقت آب کشاورزی بر اساس ارزیابی فنی از منابع موجود.
- واردات کالاهای کلیدی کشاورزی: هماهنگ‌سازی سیاست‌های واردات کشاورزی متناسب با میزان دسترسی به منابع آب موجود، با هدف کاهش فشار بر منابع حیاتی آبی و پشتیبانی از امنیت غذایی ملی.
- لزوم ارزیابی زیست‌محیطی: انجام حسابرسی ملی از پروژه‌های بزرگ زیرساختی آب برای شناسایی پروژه‌هایی که فاقد ارزیابی زیست‌محیطی معتبر هستند یا نیاز به بازبینی دارند.
- تأمین اضطراری: اعزام واحدهای سیار تصفیه آب و تانکرهای آب به مناطق به‌شدت آسیب‌دیده مانند سیستان و بلوچستان.
- همکاری با نیروهای متخصص: همکاری با مهندسان باتجربه، متخصصان و مشاوران فنی برای تقویت ظرفیت عملیاتی.
- ارزیابی زیرساختی: آغاز ارزیابی‌های اولیه از زیرساخت‌های کلیدی آب برای شناسایی نیازهای فوری و مناطق اولویت‌دار برای حمایت فنی یا مالی فوری.

فاز ۳: تداوم عملیاتی (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- اصلاح امنیت نهادی: جایگزینی نیروهای امنیتی وابسته به رژیم با واحدهای ارزیابی‌شده تحت نظارت بخش "حاکمیت آب در دوره انتقالی"
- شفافیت: صدور به‌روزرسانی‌های هفتگی عمومی درباره منابع آبی، سطح مخازن، و تداوم تلاش برای بازسازی اعتماد و فراهم‌سازی دسترسی عمومی به پایگاه داده‌های ملی آب.
- بازبینی پروژه‌های قرارگاه خاتم‌الانبیاء: تعلیق تمام پروژه‌های تحت مدیریت قرارگاه خاتم‌الانبیاء تا انجام حسابرسی کامل توسط کارشناسان مستقل.
- اقدامات انطباق محیط زیستی: تعلیق پروژه‌های زیرساختی آب که فاقد ارزیابی محیط زیستی معتبر هستند؛ تا زمان انجام بازبینی رسمی.

- اقدامات ضدفساد: انتشار عمومی تخصیص‌های منابع آب، توقف پروژه‌هایی که حامل انگیزه‌های سیاسی هستند، و آغاز مستندسازی از موارد مشکوک فساد در بخش آب برای پیگرد قانونی در آینده توسط نهادهای قضایی مستقل.
- مشاوره بین‌المللی: ترتیب بازدید نمایندگان بین‌المللی (مانند سازمان ملل و بانک جهانی) و کارشناسان مدیریت آب از کشورهای دارای تخصص و تجهیزات پیشرفته مانند ایالات متحده آمریکا، استرالیا، و اسرائیل برای تأمین حمایت مالی و فنی.
- تضاد منافع: از طریق حسابرسی‌های جامع، برکناری مدیران و کارکنانی که به دلیل سود مالی از پروژه‌های زیرساختی آب یا وابستگی به نهادهای نظامی دچار تضاد منافع هستند.

فاز ۴: برنامه‌ریزی راهبردی و گذار نهادی (روزهای ۱۰۱ تا ۱۸۰)

- نقشه راه حکمرانی آب: همکاری با نهادهای کلیدی برای تدوین نقشه‌راه ملی حکمرانی آب که شامل کاهش شدت خودکفایی کشاورزی، مدیریت غیرمتمرکز در سطح اداری تحت نظارت سازمان‌های مرکزی، تضمین مشارکت ذی‌نفعان، شفافیت و پاسخگویی زیست‌محیطی باشد نیز بتواند زمینه لازم برای قانون‌گذاری در این حوزه در آینده را فراهم سازد.
- برنامه‌ریزی برای اصلاح نهادی: تدوین تغییرات ساختاری پیشنهادی برای وزارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط با آب برای بهبود کارایی، شفافیت و پاسخگویی، بدون تلاش اجرای زود هنگام این تغییرات.
- اهداف اقتصادی: همکاری نزدیک با دستگاه‌های سیاست خارجی، اقتصادی، و گردشگری با هدف تدوین یک برنامه گذار بلندمدت برای جایگزینی مشاغل پرمصرف آبی با مشاغل کم‌مصرف و کم‌ارتباط با آب.
- پیشنهاد اصلاح قانون اساسی: پیشنهاد حذف مفهوم «خودکفایی» در محصولات غذایی و کشاورزی از قانون اساسی آینده برای حفاظت بهتر از منابع آب سطحی و زیرزمینی.
- استراتژی مدیریت منابع زیرزمینی: نهایی‌سازی ارزیابی ملی از وضعیت سفره آب‌ها و توسعه نقشه‌راه برای بهره‌برداری پایدار از منابع زیرزمینی به منظور هدایت قانون‌گذاری و مقررات آتی.
- اولویت‌های احیای زیست‌محیطی: شناسایی و مستندسازی از اکوسیستم‌های اولویت‌دار برای احیا در دوره پس از گذار، از جمله دریاچه ارومیه، تالاب‌ها و حوضه‌های تخریب‌شده، با استفاده از داده‌های مرجع و مفاهیم فنی و علمی مرتبط با احیا.
- تدوین تراز آبی: انجام ارزیابی اولیه تراز آبی در سطح حوضه‌ای برای اطلاع‌رسانی در مورد تخصیص فوری و برنامه‌ریزی بلندمدت.

- پیش‌نویس چارچوب حقوقی: طرح پیشنهادات برای قانون‌گذاری مدرن در حوزه آب شامل حق‌آبه، مدیریت حوضه‌ای و مشارکت عمومی، برای حمایت از تدوین قوانین مدرن زیست‌محیطی و آبی.
- چارچوب شراکت بین‌المللی: تدوین نقشه‌راه برای تعامل بلندمدت با شرکای بین‌المللی و کشورهای همسایه در زمینه مدیریت منابع آب فرامرزی، تاب‌آوری اقلیمی، و تأمین مالی زیرساخت‌ها.
- دامنه‌سازی همکاری منطقه‌ای در آب: آغاز مشاوره‌های فنی و زمینه‌سازی دیپلماتیک برای همکاری آبی با کشورهای همسایه و بسترسازی برای مذاکرات ساختارمند در زمینه مدیریت منابع مشترک آب.
- طراحی سامانه ملی داده: آغاز طراحی و اجرای آزمایشی سامانه متمرکز داده‌های آبی برای حمایت از سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در آینده.
- حسابرسی تأمین تجهیزات: آغاز بازبینی اولیه از روش‌های تأمین تجهیزات در بخش آب برای شناسایی ریسک‌های فساد، ضعف‌های نهادی و زمینه‌های نیازمند شفافیت در آینده.
- بازنگری تعرفه‌ها و یارانه‌ها: تحلیل فنی از نظام‌های تعرفه‌ای و سیاست‌های یارانه‌ای موجود برای شناسایی ناکارآمدی‌ها، ریسک‌های مالی و دغدغه‌های مربوط به عدالت، با هدف طراحی اصلاحات بلندمدت و پایدار.
- خلاصه استراتژی سرمایه‌گذاری: آماده‌سازی یک گتاز استراتژیک از نیازهای زیرساختی حیاتی، فرصت‌های تأمین مالی و پروژه‌های اولویت‌دار برای جذب حمایت بخش خصوصی، کمک‌های بین‌المللی، و مشارکت ایرانیان خارج از کشور.

اقدامات میان‌بخشی

- عملیات مقابله با خرابکاری: استقرار بازرسان، نیروهای پلیس و تیم‌های پاسخ اضطراری برای شناسایی و جلوگیری توانان از خرابکاری در زیرساخت‌ها.
- آمادگی در برابر بحران: برگزاری تمرین‌های منظم بر اساس سناریوهای مختلف برای خشکسالی، شکست سد، حملات سایبری و شیوع بیماری‌ها.
- تثبیت اقتصادی: تأمین منابع اضطراری بین‌المللی برای حفظ خدمات حیاتی آبی در هماهنگی با نهادهای گذار مالی و ارائه یارانه‌های موقت برای جلوگیری از اختلال در خدمات فوری در سطح عمومی.

ارتباطات راهبردی

- اطلاع‌رسانی عمومی: پیاده‌سازی استراتژی ارتباطات عمومی پیش‌دستانه از طریق مصاحبه‌های منظم رسانه‌ای، با تأکید بر شفافیت و پاسخ‌گویی.

- مشارکت جامعه: تشویق مشارکت عمومی از طریق ایجاد کانال‌هایی برای گزارش مشکلات، ترویج صرفه‌جویی در مصرف آب در دوران گذار، و حمایت از تلاش‌های محلی.

چالش‌های سیاسی و امنیتی

در صحنه پرتلاطم سیاسی ایران، هر بخش از این برنامه می‌تواند تحت تأثیر امواج مخالفت‌ها قرار گیرد. بازیگران قدرت در دولت موقت - ائتلاف‌های سیاسی، تحرکات قومی و نیز برخی از گروه‌بندی‌های ایرانی خارج از کشور - ممکن است در تعیین مسئولان بخش آب استان‌ها، اداره سدها و صندوق‌های اضطراری، خواستار سهم باشند یا ایجاد تنش کنند. کنترل آب، که ممکن است دارای پرستیژ و پردرآمد باشد، می‌تواند انتصابات را به میدان رقابتی خشن بدل کند و حتی برخی گروه‌ها ممکن است تلاش کنند با سواستفاده از اختلال خدمات محلی، رقیبان خود را کنار بزنند. تنش‌های دیرینه میان پایتخت و مناطق دوردست لایه دیگری از چالش می‌افزاید؛ استان‌هایی چون خوزستان سال‌هاست مدعی‌اند که دیگر استان‌ها از سهم آب آن‌ها استفاده می‌کنند و نیازهای منطقه‌ای و محلی خوزستان را نادیده می‌گیرند. اگر تخصیص‌های اولیه ناعادلانه به نظر برسد، اعتراضات خیابانی می‌تواند ظرف چند هفته شعله‌ور شود و پایداری دولت انتقالی را تحت تأثیر قرار دهد. فشارهای خارجی نیز گذار را پیچیده‌تر خواهد کرد. ترکیه، عراق، افغانستان و دیگر کشورها منابع آب مشترکی با ایران دارند و ممکن است برای کسب امتیازات سیاسی یا قراردادهای، از اختلافات بر سر جریان‌های مرزی آب سواستفاده کنند. در عین حال، محدودیت‌های بانکی یا تحریم‌ها می‌تواند کمک‌های مالی بین‌المللی را به تأخیر اندازد و گروه‌های رقیب در جوامع ایرانی خارج از کشور شاید در پایتخت‌های خارجی برای رویکردهای متعارض لابی کنند.

دغدغه سیاسی دیگر، پایبندی دیرینه کشور به خودکفایی غذایی و کشاورزی است. دهه‌ها پروپاگاندای دولتی، تولید غلات داخلی را معادل «غرور ملی» دانسته است، اما ورشکستگی آبی دستیابی به این هدف را روزبه‌روز غیرواقع‌تر می‌کند. کشاورزان و مقامات استانی ممکن است هر تغییری که بخواهد واردات محصولات کشاورزی را برجسته‌تر سازد یا کشت‌های کم‌آب‌تر را ترویج کند معادل «خیانت به کشور» قلمداد کنند. خرابکاری زیرساختی نیز در خلأ قدرت تهدیدی واقعی است: افراد ناراضی، مجرمان سازمان‌یافته یا گروه‌های تندرو می‌توانند سدها، ایستگاه‌های پمپاژ یا سامانه‌های کنترل را برای بدست‌گیری اهرم فشار، هدف گیرند یا مقامات گذار را بی‌اعتبار کنند. یک رخنه عمده یا حمله سایبری می‌تواند به کمبودهای زنجیره‌ای آب و وحشت عمومی منجر شود. بنابراین بخش "حاکمیت آب در دوره انتقالی" باید یگان‌های واکنش فوری، سامانه‌های پشتیبانی مستحکم و پایش جامعه‌محور برای شناسایی و خنثی‌سازی خرابکاری‌ها پیش از تشدید آن داشته باشد. سرانجام، بقایای ساختار پیشین - پیمانکاران وابسته به نهادهای نظامی، مدیرانی که زمانی قراردادهای پرسود شیرین‌سازی آب، سدسازی یا خط لوله به همراه شبکه‌های فساد در تدارکات داشته‌اند، ممکن است به دنبال بازگشت باشند. آن‌ها می‌توانند با انتشار اطلاعات نادرست یا دامن‌زدن به نارضایتی محلی نفوذ خود را بازیابند. اگر بخش "حاکمیت آب در دوره انتقالی" نتواند مناقصات شفاف و ارتباطات صادقانه ارائه کند، ناخرسندی عمومی، مشروعیت آن را فرسوده و راه را برای بازگشت این بازیگران باز خواهد کرد.

- تداوم دسترسی جمعیت به آب آشامیدنی ایمن و خدمات بهداشتی در سراسر دوره گذار ۱۸۰ روزه.
- عدم وقوع بحران‌های بزرگ بهداشت عمومی یا خرابی‌های زیرساخت‌های آبی که ناشی از سوء مدیریت باشد.
- تأیید وضعیت امنیتی و عملیاتی دست‌کم ۹۰ درصد از سدها، مخازن، سامانه‌های انتقال و تصفیه‌خانه‌های راهبردی.
- ایجاد داشبورد شفافیت عمومی که به‌طور هفتگی شاخص‌های تأمین آب و تصمیم‌های کلیدی حاکمیتی را منتشر می‌کند.
- تکمیل پیش‌نویس «نقشه راه حاکمیت ملی آب»، «راهبرد پایداری آب‌های زیرزمینی»، و «چارچوب حقوقی مدرن حقوق آب» برای تایید و تصویب قانون‌گذاران.
- انجام حسابرسی مستند از پروژه‌های پیشین و شیوه‌های تدارکاتی، با ارجاع پرونده‌های اولویت‌دار فساد به دستگاه قضایی.
- همکاری با شرکای بین‌المللی برای تدوین تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌های مالی به‌منظور اجرای پروژه‌های اولویت‌دار بازسازی و ارتقای ظرفیت در دوره پس از گذار.

۱۳. محیط زیست

مقدمه

سند حاضر، چارچوبی راهبردی برای حکمرانی محیط زیست در مرحله اضطراری دوران گذار پس از تغییر رژیم در ایران است. تمرکز این چارچوب بر تثبیت اکوسیستم‌های حیاتی، احیای کارکردهای اساسی حکمرانی محیط زیست، و مهار سریع تهدیدات ناشی از آلودگی‌های حاد است که پیامدهایی مستقیم بر سلامت عمومی جامعه دارند. هدف این طرح همچنین، فراهم آوردن زمینه لازم برای اصلاحات بلندمدت زیست‌محیطی از طریق مشارکت عمومی، احیای مشروعیت نهادی و گسترش همکاری‌های بین‌المللی است.

اهمیت مدیریت محیط زیست

مدیریت محیط زیست یکی از ارکان اصلی در فرآیند بازسازی ملی و تأمین امنیت در دوران گذار به شمار می‌آید. دهه‌ها سوءمدیریت، فساد گسترده و سیاست‌های مخرب، ایران را تا آستانه‌ی فروپاشی زیست‌محیطی پیش برده است؛ بحرانی که به صورت کمبود آب، آلودگی گسترده هوا و خاک، فرونشست زمین، جنگل‌زدایی، نابودی تالاب‌ها و کاهش تنوع

زیستی بروز کرده است. این ناکارآمدی‌های ساختاری، امنیت غذایی و آبی را به خطر می‌اندازند، سلامت عمومی را تهدید و انسجام اجتماعی کشور را تضعیف می‌کنند. رسیدگی به این چالش‌ها نه تنها برای کاهش خطرات انسانی ضروری است، بلکه گامی بنیادین در جهت بازسازی اعتماد عمومی و حفاظت از میراث طبیعی کشور به شمار می‌رود. افزون بر این، بهبود مؤثر وضعیت محیط زیست می‌تواند بستری برای ازسرگیری تعامل سازنده با جامعه جهانی فراهم کند و دسترسی به تخصص فنی، منابع مالی زیست‌محیطی و همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌ی چالش‌های فرامرزی را ممکن سازد.

اهداف

• هدف ۱: تثبیت زیست‌بوم‌های حیاتی و مهار فروپاشی زیست‌محیطی.

اجرای اقدامات اضطراری قانونی، لجستیکی، و اجرایی برای متوقف کردن تخریب بیشتر اکوسیستم‌های در معرض خطر، مانند تالاب‌ها، جنگل‌ها، حوضه‌های آبریز و مناطق ساحلی.

• هدف ۲: احیای کارکردهای اساسی حکمرانی محیط زیست.

احیای فعالیت‌های سازمان حفاظت محیط زیست و دفاتر استانی آن، حفظ کارکنان و نیروهای فنی کلیدی و تداوم و تقویت فعالیت‌های موجود در پایش زیست محیطی، کنترل آلودگی و مدیریت مناطق تحت حفاظت.

• هدف ۳: حفاظت از سلامت عمومی از طریق واکنش فوری به آلودگی‌های زیست‌محیطی.

اقدامات لازم در راستای رسیدگی فوری به آلودگی‌های شدید هوا و آب، آلودگی‌های ناشی از درگیری‌ها، و پسماندهای خطرناک در مناطق آسیب‌دیده.

• هدف ۴: زمینه‌سازی برای اصلاحات بلندمدت حکمرانی محیط زیست.

آغاز تدوین مشارکتی پیش‌نویس توصیه‌های قانون‌گذاری برای ایجاد حکمرانی یکپارچه محیط‌زیست و همسوسازی سیاست‌ها با عدالت زیست‌محیطی و توسعه پایدار آغاز فرایندهای مشارکتی برای تدوین پیش‌نویس توصیه‌های قانون زیست‌محیطی به‌منظور ایجاد سازوکارهای یکپارچه حکمرانی محیط‌زیست و همسوسازی سیاست‌های آتی با اصول عدالت زیست‌محیطی و توسعه پایدار.

• هدف ۵: احیای تعاملات زیست‌محیطی با جامعه جهانی.

توسعه همکاری با نهادهای بین‌المللی و شرکای منطقه‌ای به‌منظور بهره‌مندی از کمک‌های فنی، دسترسی به منابع مالی اضطراری، و هماهنگی در برابر پاسخ به تهدیدات زیست‌محیطی مشترک.

اولویت‌های کلیدی

- **اولویت ۱: ایجاد ظرفیت اضطراری برای مدیریت و پایش زیست محیطی.**

تشکیل «کارگروه اضطراری محیط‌زیست دوران گذار» با مسئولیت هدایت عملیات اجرایی، هماهنگی اقدامات پاسخ‌گویی، و تسهیل ارزیابی‌های سریع از خسارات زیست‌محیطی، کانون‌های بحرانی آلودگی، و مخاطرات مرتبط با سلامت عمومی.

- **اولویت ۲: تثبیت زیست‌بوم‌های حیاتی و پیشگیری از تخریب برگشت‌ناپذیر زیست‌محیطی در مناطق پرخطر.**

تخصیص منابع اضطراری به آسیب‌پذیرترین زیست‌بوم‌های کشور با هدف حفظ تاب‌آوری اکولوژیکی و جلوگیری از بروز پیامدهای بلندمدت در سطوح ملی و منطقه‌ای.

- **اولویت ۳: احیای کارکرد نهادی و حفظ ظرفیت زیست‌محیطی.**

تداوم عملکردهای کلیدی سازمان حفاظت محیط‌زیست و دفاتر استانی آن از طریق حفظ نیروهای فنی دارای صلاحیت و صیانت از زیرساخت‌های پایش محیط‌زیست.

- **اولویت ۴: رسیدگی به تهدیدات زیست‌محیطی مؤثر بر سلامت عمومی.**

در اولویت قرار دادن کنترل آلودگی، دسترسی به آب سالم و بهبود کیفیت هوا در مناطق شهری و صنعتی پرخطر.

- **اولویت ۵: بازسازی اعتماد عمومی و از سرگیری همکاری بین‌المللی.**

راه‌اندازی کارزار ملی اطلاع‌رسانی برای ارتقای شفافیت، مشارکت مدنی و آگاهی عمومی در روند احیای محیط‌زیست. تعامل موثر با نهادهای بین‌المللی برای تسهیل همکاری‌های فنی، جذب منابع مالی بین‌المللی، و پیشبرد دیپلماسی چندجانبه زیست‌محیطی در حمایت از اقدامات اضطراری.

- **فرض ۱: وجود ساختار سیاسی انتقالی منسجم، کارآمد و به رسمیت شناخته شده.** وجود یک ساختار سیاسی متمرکز با حداقلی از ثبات برای صدور فرامین اجرایی، همراه‌سازی نهادهای ملی و اجرای اقدامات اضطراری محیط زیستی ضروری است.
- **فرض ۲: تداوم حضور نهادهای کلیدی محیط‌زیستی و آمادگی مدیران میان‌رتبه تایید شده برای همکاری.** حضور و آمادگی متخصصان محیط‌زیست، به‌ویژه کارشناسان و مدیران میان‌رتبه ارزیابی شده در سازمان حفاظت محیط‌زیست و دانشگاه‌ها، برای حمایت از دوران گذار، یک شرط اساسی در نظر گرفته شده است.
- **فرض ۳: آمادگی سازمان های بین‌المللی برای مشارکت سریع و سازنده.** فرض بر این است که بازیگران کلیدی بین‌المللی، از جمله نهادهای سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای محیط‌زیستی و مؤسسات تأمین مالی، آمادگی خواهند داشت تا به محض شکل‌گیری یک چارچوب گذار معتبر، همکاری خود را آغاز کرده، کمک‌های فنی ارائه دهند و از سازوکارهای مالی پشتیبانی کنند.
- **فرض ۴: استقبال عمومی از ارتباط شفاف و فرصت‌های مشارکت مدنی.** فرض می‌شود که سطحی از انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی با امکان اطلاع‌رسانی مؤثر، جذب داوطلبان، و مشارکت جوامع محلی در اقدامات اضطراری محیط‌زیستی وجود داشته و یا به سرعت قابل احیا باشد.
- **فرض ۵: اعطای فوری اختیارات قانونی برای اجرای تدابیر اضطراری.** دولت گذار قادر خواهد بود ابزارهای قانونی لازم را برای اعمال ممنوعیت‌ها، مشخص کردن مناطق اضطراری و بازسازی اختیارات نهادی در صورت نیاز تأمین کند.

اقدامات

فاز صفر – پیش از روز اول

- **تشکیل کارگروه اضطراری محیط زیست دوران گذار:** هسته‌ای فراگیر متشکل از تکنوکرات‌ها، متخصصان محیط زیست، و دانشمندان تشکیل شود تا آمادگی لازم برای در دست گرفتن ساختارهای حکمرانی محیط زیست، تدوین پروتکل‌های فوری تثبیت وضعیت، و شناسایی مناطق اولویت‌دار زیست‌محیطی را داشته باشد.
- **تدوین نقشه ملی اولویت‌بندی زیست‌بومی (نقشه تریاژ محیط زیست):** کارگروه اضطراری محیط زیست دوران گذار با بهره‌گیری از داده‌های ماهواره‌ای موجود، گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی و تحقیقات علمی، نقشه‌ای از بحرانی‌ترین زیست‌بوم‌های کشور از جمله تالاب‌ها، جنگل‌ها و کانون‌های تنوع زیستی تهیه می‌کند تا دولت گذار بتواند منابع محدود را به‌صورت هدفمند به مناطقی که در آستانه فروپاشی اما قابل احیا اختصاص دهد.

- **شناسایی نهادهای بین‌المللی برای دریافت کمک‌های اضطراری محیط‌زیستی:** نهادهای کلیدی بین‌المللی و سازمان‌های چندجانبه منطقه‌ای شناسایی شوند تا در شرایط مناسب، هماهنگی برای دریافت کمک‌های اضطراری زیست‌محیطی آغاز گردد. این نهادها در اعزام فوری تیم‌های فنی، تأمین تجهیزات، و بازگشایی مسیرهای تأمین مالی چندجانبه برای محیط زیست پس از تغییر رژیم، نقش حیاتی خواهند داشت.

فاز ۱ - پاسخ اضطراری و تثبیت (روزهای ۱ تا ۱۰)

- **اعلام وضعیت اضطراری ملی محیط‌زیست:** با صدور یک فرمان اجرایی اضطراری، اکوسیستم‌های بحرانی و کلیدی کشور تحت حفاظت قانونی فوری قرار گیرند. این فرمان بستر پاسخ‌گویی سریع به بحران‌ها را فراهم، فعالیت‌های مخرب را متوقف می‌کند و نشانگر اولویت‌بخشی ملی به بقای زیست‌محیطی است.
- **توانمندسازی حکمرانی محیط‌زیست:** ساختارهای اجرایی سازمان حفاظت محیط زیست و دفاتر استانی آن حفظ و تقویت شوند. نیروهای فنی و مدیریتی میان‌رده تأیید شده در سمت خود باقی بمانند تا تداوم هرگونه نظارت زیست‌محیطی، مدیریت مناطق حفاظت‌شده و کنترل آلودگی که در حال اجرا بودند تضمین شود. با غریبال‌گری سریع، افراد دارای سوابق اثبات‌شده فساد یا کوتاهی سیاسی در حفاظت محیط‌زیست از کار معلق شوند.
- **فعالیت‌های پرخطر:** هرگونه جنگل‌زدایی صنعتی، استخراج شن و ماسه، مجوزهای شکار در مناطق اولویت‌دار و حفر چاه‌های عمیق آب زیرزمینی - در هماهنگی با بخش حاکمیت آب در دوره انتقالی - تا ارزیابی بیشتر تعلیق شود.
- **تأمین امنیت و حفاظت از دارایی‌های استراتژیک زیست‌محیطی:** تیم‌های امنیتی و اجرایی برای تأمین امنیت سایت‌های استراتژیک و جلوگیری از غارت تجهیزات و تخریب ایستگاه‌های پایش مستقر شوند.
- **واکنش اضطراری به آلودگی آب و هوا:** از راهنمایی‌های بخش حاکمیت آب در دوره انتقالی در راستای تأمین آب آشامیدنی سالم، واحدهای تصفیه آب سیار و تانکرهای آب به مراکز شهری و روستایی در خطر حمایت شود و کنترل‌های اضطراری در شهرهایی با سطوح بحرانی آلودگی هوا اعمال گردد.
- **اقدامات اضطراری کیفیت هوا:** محدودیت‌های موقت ترافیکی در شهرهای به شدت آلوده برای کاهش انتشار آلاینده‌ها اعمال شود. استفاده از سوخت‌های آلاینده در نیروگاه‌ها کوره‌های صنعتی، به ویژه در مناطق با شرایط آلودگی حاد متوقف گردد.

فاز ۲ - ارزیابی اضطراری و اقدام مقابله‌ای در برابر آلودگی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- ارزیابی میدانی فوری: پایش میدانی سریع در مناطق با اولویت بالا انجام و گزارش‌هایی در مورد عملکرد اکولوژیکی، آلودگی‌ها، نیازهای فوری و ظرفیت احیا تهیه شود. غربال‌گری اولیه ریسک‌های اقلیمی برای شناسایی مناطق دارای آسیب‌پذیری مضاعف ناشی از بیابان‌زایی، کم‌آبی و تنش گرمایی لحاظ شود.
- **پاکسازی اضطراری آلودگی و پسماندهای ناشی از درگیری و صنعت:** ارزیابی و پایش سریع محیط زیست برای شناسایی آلودگی‌های ناشی از درگیری و فعالیت‌های صنعتی تهدیدکننده سلامت آغاز شود. پاکسازی اضطراری کانون‌های آلودگی برای جلوگیری از بحران‌های بهداشتی ثانویه آغاز گردد.
- **اجرای تدابیر اضطراری برای حفاظت از منابع شیلات خلیج فارس:** کشتی‌های ترالر خارجی متوقف و با استفاده از نیروهای دریایی و محلی، مناطق حفاظت‌شده موقت دریایی ایجاد شود. همچنین، صدور مجوزهای جدید صید صنعتی در مناطق ساحلی برای حفاظت از تنوع زیستی دریایی تا ارزیابی‌های بیشتر به طور موقت متوقف شود.
- **اطلاع‌رسانی عمومی محیط زیست:** یک کارزار ملی اطلاع‌رسانی عمومی برای اطمینان‌بخشی به شهروندان در مورد تعهد دولت به حفاظت فوری از محیط زیست راه‌اندازی شود. این کارزار باید با هدف ارتقا شفافیت درباره مخاطرات زیست‌محیطی، ترغیب مشارکت فعال شهروندان در اقدامات حفاظتی و بازسازی اعتماد عمومی نسبت به رویکرد مسئولانه دولت در مدیریت محیط زیست طراحی و اجرا شود.

فاز ۳ - هماهنگی بین‌نهادی و تدوین نقشه راه اصلاحات ساختاری (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- **ارزیابی پروژه‌های زیرساختی:** در هماهنگی با بخش حاکمیت آب در دوره انتقالی و نهادهای مربوطه تمامی پروژه‌های کلان زیرساختی و توسعه‌ای باید تحت ارزیابی جامع تأثیرات زیست‌محیطی (EIA) قرار گیرند تا آثار آن‌ها بر اکوسیستم و سلامت عمومی بررسی شود. پروژه‌هایی که فاقد ارزیابی معتبر هستند یا نیاز به ارزیابی دوباره دارند مورد بررسی قرار گیرند و بر اساس معیارهای علمی مرتبط با محیط‌زیست و بهداشت عمومی، برای تعلیق، اصلاح یا ادامه اجرا طبقه‌بندی شوند.
- **شوراهای حوضه آبریز منطقه‌ای:** شش "شورای آب و اکوسیستم" محلی در حوضه‌های آبریز کلیدی (با الگوبرداری از تقسیم‌بندی‌های حوضه رودخانه‌ای ایران) ایجاد شوند. این شوراهای محلی با اختیارات محلی و حضور ذی‌نفعان، مدیریت منابع را متناسب با شرایط منطقه‌ای هدایت کرده و پل ارتباطی میان سیاست ملی و اقدامات محلی خواهند بود.
- **اصلاحات قانونی و نهادی:** کمیسیونی موقت برای تدوین پیش‌نویس توصیه‌ها برای قانون‌گذاری نوین محیط زیست تشکیل خواهد شد. حوزه‌های اولویت‌دار شامل به رسمیت شناختن رسمی حقوق آب و مدیریت منابع در

سطح حوضه -در هماهنگی با بخش حاکمیت آب در دوره انتقالی -، سازوکارهای مشارکت عمومی، و اعمال اصول توسعه پایدار در سیاست‌ها می‌باشد.

- **مشارکت و مشاوره‌های بین‌المللی:** نقشه راهی برای تعامل بلندمدت با نهادهای بین‌المللی کلیدی تدوین شود و گفتگوهای دوجانبه با کشورهای همسایه در خصوص مدیریت پایدار حوضه‌های آبی مشترک آغاز گردد. بازدید ناظران بین‌المللی و کارشناسان از کشورهای دارای تجربه پیشرفته در پایداری زیست‌محیطی، برای ارزیابی چالش‌های اکولوژیکی و حمایت از تلاش‌های کمک مالی و فنی تسهیل گردد.

فاز ۴ - زیرساخت‌های راهبردی، تقویت سامانه‌های اطلاعاتی و تضمین سازوکارهای پاسخگویی (روزهای ۱۰۱ تا ۱۸۰)

- **حفاظت از جنگل‌ها:** ممنوعیت سراسری قطع تجاری درختان در جنگل‌های ارزشمند اعمال و گشت‌های جنگل‌بانی افزایش یابد.
- **سامانه ملی هوشمند محیط‌زیست:** یک سامانه یکپارچه با دسترسی آزاد ایجاد شود تا داده‌های محیط‌زیستی را از منابعی نظیر تصاویر ماهواره‌ای، شبکه‌های حسگر و گزارش‌های میدانی محلی گردآوری، تحلیل و منتشر کند. این سامانه با هدف ارتقای شفافیت، تقویت سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، و بازسازی اعتماد عمومی و بین‌المللی به نظام حکمرانی محیط‌زیست راه‌اندازی خواهد شد.
- **برنامه راهبردی جذب سرمایه‌گذاری زیست‌محیطی:** برنامه‌ای راهبردی درباره نیازهای فوری احیای اکولوژیکی، اولویت‌های زیرساختی محیط‌زیست و فرصت‌های تأمین مالی تهیه شود تا جذب حمایت‌های بین‌المللی، کمک‌های فنی و مشارکت ایرانیان خارج از کشور تسهیل گردد.
- **کمیسیون حقیقت‌یاب و پاسخگویی زیست‌محیطی:** یک نهاد رسمی تحقیقاتی برای مستندسازی جرایم زیست‌محیطی و فساد نهادی در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی تشکیل شود. تمرکز این کمیسیون بر تخریب نظام‌مند تالاب‌ها، صدور مجوزهای صنعتی غیرقانونی، و نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پروژه‌های انتقال آب، جنگل‌زدایی و دیگر آسیب‌های گسترده به منابع طبیعی کشور خواهد بود.

توصیه‌ها

- **توصیه ۱: گنجاندن احیای محیط زیست در دستور کار کلان ایجاد ثبات ملی.** بحران محیط‌زیست باید به مثابه مسئله‌ای در حوزه امنیت ملی و مسئولیت حاکمیتی تلقی شود. این موضوع به سلامت عمومی، انسجام

اجتماعی و امنیت منطقه‌ای گره خورده است. ادغام اقدامات زیست‌محیطی با بخش‌های دیگر نظیر زیرساخت، سلامت عمومی و کشاورزی، برای موفقیت بلندمدت ضروری است.

- **توصیه ۲: ایجاد سازوکار هماهنگی فوری برای اجرای اقدامات اضطراری محیط‌زیستی.** برای جلوگیری از ناهماهنگی نهادی و تأخیرات بوروکراتیک در دوران گذار، تنها یک نهاد اجرایی و هماهنگ‌کننده مسئولیت هدایت و نظارت بر اجرای اقدامات اضطراری محیط‌زیستی را برعهده گیرد. این نهاد باید دارای اختیارات مشخص باید مسئولیت هدایت و نظارت بر اجرای اقدامات اضطراری محیط‌زیستی را و نظارت بر وزارت‌خانه‌ها، استان‌ها و بخش‌های فنی را برعهده گیرد.
- **توصیه ۳: اطمینان از تخصیص سرمایه اولیه بودجه‌ای و سیاسی به احیای محیط زیست.** در مراحل ابتدایی دوران گذار، باید منابع مالی اولیه و ظرفیت سیاسی لازم به اقدامات زیست‌محیطی اختصاص یابد. این تخصیص نه تنها بستر اجرایی برای آغاز اقدامات اضطراری را فراهم می‌کند، بلکه نشانه‌ای روشن از عزم دولت گذار برای اولویت‌دادن به محیط زیست در برابر افکار عمومی داخلی و نهادهای بین‌المللی خواهد بود.
- **توصیه ۴: نهادینه کردن شفافیت داده‌ها و آگاهی مشترک از وضعیت.** ایجاد و راه‌اندازی یک سامانه مرکزی برای گردآوری، تحلیل و اشتراک‌گذاری داده‌های محیط‌زیستی ضروری است تا پایه‌ای مستحکم برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد فراهم شود، هماهنگی میان نهادها تقویت، و اعتماد داخلی و بین‌المللی نسبت به تعهد دولت گذار در حوزه حفاظت محیط‌زیست بازسازی شود.
- **توصیه ۵: تحقق نتایج زود هنگام و ملموس برای تقویت اعتماد عمومی.** با اولویت‌بخشی به اقدامات فوری، کم‌هزینه و قابل مشاهده که به سرعت اجرا شوند، می‌توان قدرت اجرایی دولت گذار را به نمایش گذاشت، از بی‌اعتمادی عمومی کاست، و پیامی روشن از اراده برای عبور از گذشته و تعهد به عدالت زیست‌محیطی صادر کرد. اولویت این اقدامات باید به‌ویژه در مناطق محروم و متأثر از بی‌عدالتی‌های گذشته باشد تا مشارکت و اعتماد عمومی تقویت شود.

نتایج مورد انتظار

- نتیجه ۱: سازوکار اضطراری حکمرانی زیست‌محیطی فعال و عملیاتی شده است.

- نتیجه ۲: زیست‌بوم‌های بحرانی تحت حمایت قانونی قرار گرفته و اقدامات اولیه برای تثبیت آن‌ها آغاز شده است.
- نتیجه ۳: تهدیدهای فوری ناشی از آلودگی در مناطق پرخطر شناسایی و مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند.
- نتیجه ۴: تداوم عملکرد نهادهای زیست‌محیطی حفظ شده و برنامه‌ریزی برای اصلاحات ساختاری آغاز گردیده است.
- نتیجه ۵: تعامل دوباره با نهادها و سازمان‌های کمک‌رسان بین‌المللی آغاز شده است.
- نتیجه ۶: مشروعیت عمومی از طریق اقدامات ملموس و مشارکت‌پذیری تقویت شده است.
- نتیجه ۷: تدوین چارچوب‌های راهبردی برای گذار بلندمدت زیست‌محیطی آغاز شده است.

نظارت و ارزیابی

معیارهای موفقیت

- درصد مناطق اکولوژیکی ناپایدار شناسایی شده و مناطقی که تحت پوشش مقررات اضطراری حفاظت قانونی قرار گرفته‌اند.
- تعداد ارزیابی‌های میدانی فوری که با موفقیت انجام شده و نقشه‌های اولویت‌بندی ملی که بر اساس آن‌ها منتشر شده‌اند.
- گستره و تعداد مداخلات اضطراری محیط‌زیستی اجرا شده؛ شامل تأمین اضطراری آب، اقدامات کاهش آلودگی هوا، و عملیات پاک‌سازی پسماند در مناطق آسیب دیده.
- استمرار عملکرد نهادهای محیط‌زیستی ملی و استانی (بر اساس شاخص‌هایی مانند تعداد نیروهای فعال، ظرفیت عملیاتی و کیفیت ارائه خدمات عمومی).
- تعداد تعاملات رسمی برقرار شده با نهادها و آژانس‌های بین‌المللی زیست‌محیطی و جذب منابع مالی بین‌المللی.
- سطح پوشش رسانه‌ای، میزان دسترسی عمومی به اطلاعات، و مشارکت جامعه مدنی در نوآوری‌های زیست‌محیطی اولیه.
- پیشرفت در تدوین و تکمیل اسناد راهبردی کلیدی از جمله سامانه ملی هوشمند زیست‌محیطی، برنامه راهبردی جذب سرمایه‌گذاری، و چارچوب پیشنهادی اصلاحات قانونی.

- کارگروه اضطراری محیط‌زیست دوران گذار موظف است گزارش‌های پیشرفت داخلی را ماهانه و گزارش‌های عمومی را به‌صورت فصلی برای ارتقا شفافیت منتشر نماید.
- یک سازوکار مشورتی مستقل، متشکل از کارشناسان ملی و ناظران بین‌المللی، نتایج را تأیید کرده و اعتبار گزارش‌ها را تضمین خواهد کرد.
- کلیه داده‌های پیشرفت و نتایج به‌دست‌آمده، از طریق سامانه‌های گزارش‌دهی عمومی با دسترسی آزاد، مطابق با استانداردهای جهانی شفافیت و پاسخ‌گویی در حکمرانی محیط‌زیست به صورت عمومی منتشر خواهد شد.

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده

- **چالش ۱: گسستگی در نهادهای مربوطه و ابهام اختیارات در طول دوران گذار.** همپوشانی وظایف و ابهام اختیارات در نهادهای گذار ممکن است هماهنگی و اجرا را به تاخیر بیندازد.

راهبرد: کارگروه اضطراری محیط زیست دوران گذار باید به عنوان نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده فعال شود و از طریق سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌ها، و ساختارهای حکمرانی استانی برای تسهیل اجرای برنامه‌ها عمل کند.

- **چالش ۲: حساسیت‌های اجتماعی-سیاسی در مناطق دارای سابقه محرومیت، تبعیض و بحران زیست‌محیطی.**

در استان‌هایی با سابقه‌ی محرومیت، تبعیض و تخریب شدید محیط زیست که بی‌عدالتی زیست‌محیطی در آن‌ها به‌شدت محسوس بوده است، ابتکارات جدید برای احیای محیط زیست ممکن است با تردید و بی‌اعتمادی مواجه شود. این تردید می‌تواند در نتیجه‌ی ترس از تکرار طرد شدن یا بهره‌برداری سیاسی مواجه شود.

راهبرد: شوراهای حوضه آبریز منطقه‌ای باید به عنوان بسترهایی غیرمتمرکز، فراگیر و مبتنی بر مشارکت محلی برای اجرای اقدامات زیست‌محیطی توانمندسازی شوند. این شوراها باید شامل کارشناسان محیط زیست مورد احترام محلی و نمایندگان محلی مردم باشند تا مقبولیت و مالکیت محلی احیای محیط زیست تضمین شود. همچنین اجرای پروژه‌های زودبازده و ملموس در استان‌های تاریخی محروم باید در اولویت قرار گیرد تا حسن نیت دولت گذار به‌وضوح نشان داده شود.

- **چالش ۳: مقاومت گروه‌های سودجو و وابسته به شبکه‌های بهره‌برداری زیست‌محیطی.**

عوامل منتفع از ساختارهای رژیم جمهوری اسلامی، از جمله نهادهای نظامی-صنعتی و پیمانکاران دارای رانت سیاسی، ممکن است در برابر اجرای مقررات زیست‌محیطی تهدید کننده منافع اقتصادی نامشروع آن‌ها مقاومت نشان دهند.

راهبرد: از سازوکارهای حسابرسی حقوقی و فنی پیشنهادی برای شناسایی و تعلیق فعالیت‌هایی که ناقض مقررات زیست‌محیطی هستند یا متعارض منافع آشکار استفاده شود. این سازوکار باید از اختیار قانونی لازم برای توقف پروژه‌های ناسازگار و آغاز اقدامات اصلاحی برخوردار باشد.

- **چالش ۴: محدودیت‌های مالی و الزامات فوری دیگر در روند بازسازی ملی.**

دولت گذار ممکن است با چالش اولویت‌بندی نیازهای فوری زیرساختی و اقتصادی مواجه شود که توجه و منابع را از تلاش‌های احیای محیط زیست منحرف کند.

راهبرد: تدوین برنامه راهبردی جذب سرمایه‌گذاری زیست‌محیطی پیشنهادی برای جذب حمایت‌های زود هنگام بین‌المللی و مشارکت جامعه ایرانیان خارج از کشور ضروری است. همزمان، احیای زیست‌محیطی باید به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از چارچوب‌های کلان تثبیت ملی از جمله سلامت عمومی و بازسازی زیرساخت‌ها نهادینه شود تا تخصیص منابع بین‌بخشی موجه و پایدار شود.

- **چالش ۵: محدودیت در همکاری‌های منطقه‌ای پیرامون مسائل فرامرزی محیط زیست.**

تنش‌های سیاسی در سطح منطقه ممکن است مانع از همکاری‌های اولیه در زمینه مدیریت حوضه‌های آبی مشترک و زیست‌بوم‌های فرامرزی شود.

راهبرد: همکاری فنی از طریق چارچوب‌های چندجانبه و بسترهای موجود محیط زیست سازمان ملل متحد، طبق مشروح نقشه راه مشارکت‌های بین‌المللی دنبال خواهد شد.

- **چالش ۶: خطرات امنیتی محدودکننده دسترسی میدانی.**

ناآرامی‌ها یا اقدامات خرابکارانه ممکن است اجرای عملیات میدانی در مناطق ناامن یا دورافتاده را با اختلال مواجه کند.

راهبرد: هماهنگی با واحدهای امنیتی استانی برای حفاظت از پرسنل و استفاده از ابزارهای پایش از راه دور از طریق سامانه ملی هوشمند محیط زیست، در مناطقی با دسترسی میدانی محدود صورت خواهد گرفت.

۱۴. بهداشت و درمان

۱. سیاست‌های سلامت

اهداف

- به حداقل رساندن اختلال در نظام فعلی ارائه و تأمین مالی خدمات سلامت ایران
- اجرای اصلاحات هدفمند در عرضه برای ارتقای فوری دسترسی و مقرون به صرفه بودن خدمات

اولویت‌های کلیدی

۱. دریافت حق بیمه: تا حد ممکن، حق بیمه‌های سازمان تأمین اجتماعی و بیمه سلامت ایرانیان ادامه یابد تا از کسری بودجه نظام سلامت جلوگیری یا از شدت آن کاسته شود.
۲. حفظ یارانه‌های فعلی: اختصاص یارانه‌های دولتی ($\approx 1/5\%$ از تولید ناخالص داخلی) به ارائه‌دهندگان، ذی‌نفعان بیمه سلامت ایرانیان. به علاوه سهم دولت در سازمان تأمین اجتماعی باید حفظ شود تا خدمات در کوتاه‌مدت مختل نشود.
۳. تزریق بودجه اضطراری در صورت نیاز: در صورت اختلال شدید در وصول حق بیمه، دولت باید آمادگی حمایت مالی اضطراری از نظام سلامت باشد.

فرضیات

- سامانه بانکی و پرداخت کشور به قدر کافی فعال است.
- دولت قادر به استقراض یا آزادسازی دارایی‌های مسدود شده برای حمایت اضطراری است.
- امکان اعمال محدودیت مکانی برای فعالیت پزشکان همچنان وجود دارد.

اقدامات

- توقف اجرای تعرفه‌های حداقلی شورای پزشکی برای کاهش فوری قیمت خدمات خصوصی.

- حذف تعرفه واردات دارو (۳-۴٪ برای اقلام بدون مشابه، ۱۵-۲۰٪ با مشابه داخلی و گاهی تا ۱۰۰٪) برای کاهش قیمت و رفع کمبود مزمن دارو.
- لغو ممنوعیت کار بعد از ساعت اداری برای هیئت علمی تازه‌کار به‌منظور افزایش نیروی پزشکی.
- انعطاف در محل خدمت پزشکان بر اساس امتیازبندی مناطق، برای تعدیل سریع‌تر عرضه و کاهش شکاف روستا-شهر.

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده

- مواجهه با مقاومت گروه‌های بانفوذ (کارتل‌های دارویی، شورای پزشکی). دوره گذار فرصتی برای کاستن از نفوذ آنهاست؛ زیرا:
 - الیگارش فاعلی دارویی در ایران عمدتاً در اختیار افراد وابسته به رژیم است. با کاهش نفوذ سیاسی این افراد در دوران پس از جمهوری اسلامی، حذف مقررات انحصارآفرین باید آسان‌تر شود.
 - شورای پزشکی و گروه‌های ذی‌نفع مشابه احتمالاً در پی فروپاشی رژیم، در سازمان‌دهی و راه‌اندازی کارزارهای فشار سیاسی با دشواری بیشتری روبه‌رو خواهند شد. همچنین در شرایطی که دولت انتقالی با منابع محدود و وظایف فوری‌تری مواجه است، این گروه‌ها برای اقناع آن جهت اجرای اولویت‌هایشان نیز با چالش بیشتری مواجه خواهند بود.

۲. عملیات نظام سلامت

این سند نقشه راه مرحله‌بندی‌شده و مبتنی بر شواهد برای برقراری خدمات حیاتی سلامت در ۱۸۰ روز نخست است. برنامه به چهار فاز تقسیم شده است که هر کدام اهداف، اولویت‌ها، اقدامات و تدابیر کاهش ریسک مشخصی دارند.

طرح گذار مرحله اضطراری (روز ۰ تا ۱۸۰) – هدف کلی

این زمان‌بندی مرحله‌بندی شده برای اجرای کمک‌رسانی، تثبیت و نهادینه‌سازی نظم جدید در افق زمانی ۱۸۰ روزه، ضمن حفظ جان انسان‌ها، مسیر معتبری به‌سوی ایجاد یک نظام ملی سلامت پایدار ترسیم می‌کند. این نوع مرحله‌بندی بازتابی از چارچوب «عبور از مرحله اضطرار به بازیابی اولیه و سپس به توسعه» است که از سوی سازمان جهانی بهداشت و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل برای بحران‌های پیچیده توصیه شده است.

نمای کلی

- ایجاد دو نهاد اصلی: کمیته عالی نظارت به عنوان هیئت حکمرانی غیر سیاسی، و طرح سوانح و تلفات انبوه به عنوان سلول عملیاتی تروما.
- تطابق با استانداردهای حداقلی تیم‌های پزشکی اضطراری سازمان بهداشت جهانی برای ادغام تیم‌های بین‌المللی در ساختار فرماندهی جدید ایران.

اهمیت

- هماهنگی شفاف و متمرکز از تکرار و انحراف منابع می‌کاهد؛ تجربه سوریه و لیبی نشان می‌دهد ایجاد پست فرماندهی در ۷۲ ساعت نخست مرگ‌ومیر ناشی از تروما را کاهش می‌دهد.

اهداف

- کمیته عالی نظارت سیاست و سازوکار پاسخگویی را تعیین خواهد کرد.
- طرح سوانح و تلفات انبوه الگوریتم‌های تریاژ، مسیر تخلیه و فهرست نیروهای اضطراری را تدوین نماید.
- نقشه کشوری ICU، دیالیز و اتاق عمل به داشبورد زنده تروما متصل شود.

اولویت‌های کلیدی

- انتصاب اعضای متخصص (از جمله پزشکان ایرانی خارج کشور و رؤسای استانی).
- دسترسی به موجودی لحظه‌ای تخت‌های تروما و گلوگاه‌های زنجیره سرد؛ استقرار کیت‌های تریاژ و تلفن ماهواره‌ای در فرودگاه‌های منطقه‌ای.

اقدامات (۲۴ ساعت نخست)

- صدور فرمان اجرایی برای تشکیل کمیته عالی نظارت و طرح سوانح و تلفات انبوه با اختیارات اضطراری.
- فعال‌سازی اتاق بحران وزارت بهداشت سابق به عنوان مرکز هماهنگی واحد.
- قراردادهای سریع با پرداخت فوق‌العاده ریسک برای پرسنل اورژانس، ICU و مهندسين تجهیزات پزشکی.

- گزارش‌های روزانه ICU، فرآورده‌های خونی، اقلام حیاتی و زمان پاسخ اورژانس.
- تمرین‌های هفتگی «تیم قرمز» برای آزمایش ارتباطات.

ریسک‌های سیاسی و کاهش خسارات

- احتمال تلاش گروه‌ها برای تصاحب OC؛ پخش زنده جلسات، حضور ناظران سازمان ملل و رابطان سلامت محلی به زبان‌های بومی مشروعیت را تقویت می‌کند.

فاز ۱ (روز ۱-۳۰) – نظام توزیع دارو، عملیات اجرایی بیمارستان و راهکارهای کنترل عفونت

نمای کلی

در ۳۰ روز نخست، تمرکز بر بازگشایی بیمارستان‌ها، ازسرگیری جریان دارو و اعزام تیم‌های پیشگیری از عفونت به مناطق مختلف است؛ در این «ماه طلایی»، لجستیک اولویت بیشتری نسبت به اصلاحات بلندمدت دارد.

اهمیت

بررسی‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که کمبود دارو در دو هفته نخست یک بحران، با افزایش چشمگیر مرگ‌ومیر قابل پیشگیری و مقاومت آنتی‌بیوتیکی همبستگی دارد. همچنین، بازسازی سریع ظرفیت جراحی از فرار پزشکان جلوگیری می‌کند؛ همان‌طور که پس از بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ مشاهده شد.

اهداف

- تحویل داروهای ضروری سازمان جهانی بهداشت (WHO) به هر ۳۱ استان، با اولویت ICUها و بخش‌های دیالیز
- بازگرداندن خدمات پایه‌ای نظیر آب تمیز، برق، زایمان و جراحی در دست‌کم ۸۵٪ از بیمارستان‌های دولتی؛ و تعویق عمل‌های انتخابی برای خالی کردن اتاق‌های جراحی جهت موارد اضطراری
- فعال‌سازی تیم‌های پیشگیری از عفونت در جوامع و اردوگاه‌ها جهت پایش شیوع بیماری و خوشه‌های بیماری

- استفاده از ناوگان پستی و نظامی برای اجرای مدل توزیع مرکزی تا زمان احیای فعالیت عمده‌فروشان خصوصی
- تضمین بازگشت برق و آب به بیمارستان‌های مرجع به‌عنوان نشانه‌ی بازگشت اعتماد عمومی
- اعزام واحدهای سیار کنترل عفونت (IPC) مجهز به دستگاه‌های تولید کلر و تجهیزات محافظتی به مناطق پرتراکم، اردوگاه‌ها و پناهگاه‌ها

اقدامات

موجودی‌گیری انبارهای ملی طی ۷۲ ساعت، انتشار لیست کمبودها و صدور سفارشات کلی با بودجه صندوق مشترک کمک‌های بین‌المللی. تأمین اسکورت ترکیبی نظامی-غیرنظامی برای کاروان‌ها در مسیرهای ناامن.

توصیه‌ها

ادغام ردیابی الکترونیکی دارو در داشبورد کمیته بحران، امضای تفاهم‌نامه‌های تأمین سریع با کشورهای خلیج فارس و سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی و استفاده از خدمات پست ایران و شرکت‌های خصوصی برای رساندن داروهای بیماری‌های مزمن تا نقطه نهایی.

نتایج مورد انتظار

تا روز سی‌ام، ۸۵٪ بیمارستان‌ها تأمین دارو شده‌اند، خدمات فوریت‌های پزشکی (EMS) به همه مراکز استان‌ها رسیده است. قیمت دارو در بازار سیاه کاهش یافته که در نتیجه بهبود عدالت در دسترسی را به همراه دارد.

پایش، ارزیابی، و ریسک‌های سیاسی

داشبوردهای روزانه موجودی دارو را رصد می‌کنند؛ نهادهای ثالث نظیر پزشکان بدون مرز (MSF) حسابرسی‌های مستقل منتشر می‌کنند. انتشار نقشه‌های عمومی ارسال‌ها مانع اتهام جانبداری می‌شود و مصوبات گمرکی اضطراری فرآیند بازرسی محموله‌های سازمان جهانی بهداشت را تسهیل می‌کند.

فاز دوم (روز ۳۱ تا ۹۰): موج سلامت روان، تدویم بیمه و تخصیص منابع انسانی

با کاهش منحنی مرگومیر، سیستم به سمت مراقبت روانی-اجتماعی، حفاظت مالی و تخصیص عادلانه نیرو انسانی حرکت می‌کند. این فاز شامل استقرار تیم‌های سلامت روان و پشتیبانی روانی-اجتماعی (MHPSS) در سراسر استان‌ها، راه‌اندازی سیستم اضطراری و اچ‌ر سلامت (EHVS) و فعال‌سازی سامانه GIS محور منابع انسانی است. برای تضمین دسترسی‌پذیری و پایداری، خدمات MHPSS از طریق شبکه‌های پشتیبانی شبانه‌روزی، ابزارهای دسته‌بندی مبتنی بر هوش مصنوعی، و سامانه‌های نظارت تخصصی تقویت می‌شوند تا ظرفیت کشور در زمینه سلامت روانی و اجتماعی به‌طور چشمگیری گسترش یابد.

اهمیت

مطالعات بلندمدت روی بازماندگان جنگ بوسنی نشان می‌دهد که تروماهای درمان‌نشده باعث می‌شوند درخواست‌های ناتوانی بعدی سه برابر شوند که بار مضاعفی بر سیستم‌های بیمه‌ای شکننده وارد می‌کند. همچنین، تداوم سریع بیمه مانع از مخارج فاجعه‌بار شخصی می‌شود، همان‌طور که در برنامه بیمه اجتماعی رواندا مشاهده شد. با این حال، در بسیاری از موقعیت‌های پس از بحران، کمبود متخصصان سلامت روان مانعی جدی برای ارائه خدمات است، در حالی که نیاز جمعیتی به این خدمات در اوج است.

مدل‌های پشتیبانی هم‌تا با پشتیبانی هوش مصنوعی این گلوگاه را رفع می‌کنند؛ با ارائه خدمات شبانه‌روزی به نیازهای عاطفی کم‌خطر مانند سوگ، فشار خانوادگی، بازیابی پس از تروما، و چالش‌های بازپیوستن اجتماعی. این پاسخ‌دهندگان هم‌تا، در صورت آموزش مناسب و نظارت بالینی، می‌توانند از طریق ابزارهای پردازش زبان طبیعی (برای دسته‌بندی و تشخیص خودکشی)، بار سیستم را کاهش دهند و خدماتی متناسب با فرهنگ مردم در مقیاس وسیع ارائه کنند.

اهداف و اولویت‌های کلیدی

- استقرار دست‌کم یک تیم اصلی MHPSS در هر استان برای هماهنگی خدمات با کمک متخصصان محلی
- عملیاتی‌سازی EHVS برای یارانه‌دهی به خدمات ضروری طی ۶ ماه
- استفاده از سامانه دیجیتال منابع انسانی برای تضمین اینکه ۹۰٪ مردم حداکثر در فاصله ۳۰ دقیقه‌ای از خدمات اورژانسی قرار داشته باشند
- آموزش و اعزام پاسخ‌دهندگان هم‌تا با استفاده از یک برنامه ۱۰۰ روزه، برگرفته از چارچوب Stanford
- ادغام ابزارهای تشخیص ریسک خودکشی و دسته‌بندی بر پایه هوش مصنوعی در گردش کار MHPSS
- گنجاندن پروتکل‌های سلامت روانی در تیم‌های خط مقدم سلامت و پاسخ بشردوستانه

آموزش تیم‌های روانی سه نفره (متخصص یا رزیدنت روان‌پزشکی، مددکار اجتماعی، پرستار محلی) برای استفاده از مشروعیت فرهنگی؛ صدور کارت‌های بیومتریک EHVS با بازپرداخت از طریق پول همراه؛ و انتشار فرصت‌های شغلی با پاداش‌های سختی‌کار برای مناطق محروم. استقرار زیرساخت ملی پشتیبانی هم‌تا با دسترسی شبانه‌روزی از طریق چت و تلفن. بهره‌گیری از موتورهای دسته‌بندی هوش مصنوعی برای شناسایی شدت ناراحتی و ارجاع فوری موارد پرخطر (خودکشی، روان‌پریشی، بازگشت خاطرات تروما) به پزشکان. راه‌اندازی خط تلفن ملی پیشگیری از خودکشی با مسیردهی تماس‌ها و پیام‌ها به پاسخ‌دهندگان یا پزشکان باتجربه از طریق فیلترهای اضطراری هوش مصنوعی. ادغام آزمون‌های PHQ-9 و GAD-7 در فرایندهای دیجیتال و حضوری برای رصد سلامت روان در طول زمان. هماهنگی با کمیته نظارت برای پایش استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی، پوشش نظارت بالینی و سازوکارهای بازخورد.

نتایج مورد انتظار / پایش و ارزیابی / ریسک‌های سیاسی و راهکارها

تا روز ۹۰، پوشش ملی خدمات MHPSS محقق می‌شود، نابرابری در نیروی انسانی ۳۰٪ کاهش می‌یابد، و بیش از ۷۰٪ واچرها ظرف یک هفته پرداخت می‌شوند. نظارت جمعیت هلال‌احمر مانع سوءاستفاده قدرت در استان‌ها می‌شود و کمپین‌های آموزش عمومی در رسانه‌ها به کاهش انگ اجتماعی پیرامون سلامت روان کمک می‌کنند. خدمات پشتیبانی هم‌تا به‌صورت ۲۴ ساعته در تمام استان‌ها فعال است و خط تلفن پیشگیری از خودکشی نیز کاملاً عملیاتی شده. نرخ ارجاع و موفقیت مداخله با ابزارهای معتبر و پایش الگوهای عاطفی مبتنی بر هوش مصنوعی دنبال می‌شود.

فاز ۳ (روز ۹۱-۱۲۰) – شبکه مراقبت فوری و زیرساخت الکترونیک سلامت

اهداف

- دسترسی ۹۰٪ جمعیت به یک مرکز مراقبت‌های ضروری در شعاع ۲۰ دقیقه‌ای.
- برقراری ارتباط زنده داده‌ای با ۸۰ درصد از مراکز درمانی
- راه‌اندازی سامانه ملی عملیات سلامت الکترونیک مبتنی بر DHIS2/OpenMRS و صدور QR code برای شناسه سلامت.

اقدامات

- بازسازی یا احداث مرکز مراقبت‌های ضروری ماژولار با امکان تشخیص در محل درمان.

- استقرار پایگاه‌های تله‌سلامت در مناطق کم‌جمعیت.
- انتشار داده ناشناس برای جمع‌سپاری شناسایی شیوع‌ها.

نتیجه (روز ۱۲۰)

- ۸۰ درصد مراکز گزارش الکترونیک می‌دهند و هشدار SMS طی ۱۰ دقیقه پس از تأیید شیوع ارسال می‌شود.

فاز ۴ (روز ۱۲۱-۱۸۰) – بازاریابی و تقویت کمیته عالی نظارت و طرح سوانح و تلفات انبوه، زنجیره‌های تأمین و سیستم‌های دیجیتال

اهداف

- انجام حسابرسی مستقل از کمیته عالی نظارت و طرح سوانح و تلفات انبوه و زنجیره تأمین.
- ارائه لایحه حکمرانی سلامت انتقالی برای تثبیت استقلال کمیته عالی نظارت و استانداردهای اعتباربخشی.
- گسترش EHOS به ماژول‌های بیماری مزمن و مادران، و اجرای رزمایش شیمیایی/زیستی ملی طرح سوانح و تلفات انبوه.

اقدامات

- نهایی‌سازی توافقات میزبانی داده بلندمدت و ایجاد مرکز عملیات امنیت سایبری بخش سلامت.
- برگزاری مشاوره عمومی آنلاین برای تعیین اولویت‌های سلامت پس از گذار.

نتیجه (روز ۱۸۰)

- کمیته عالی نظارت به رسمیت حقوقی شناخته می‌شود، سامانه‌های دیجیتال دست‌کم ۸۰ درصد عملیات سلامت کشور را پوشش می‌دهند و اورژانس در قانون حفاظت مدنی کدگذاری می‌شود. گزارش ۱۸۰ روزه منتشر و کنفرانس ملی سلامت برگزار می‌گردد.

- M&E: پایش و ارزیابی (Monitoring & Evaluation)
- DHIS2: نرم‌افزار اطلاعات ناحیه‌ای سلامت (District Health Information Software2)
- OpenMRS: سیستم پرونده پزشکی متن‌باز (Open Medical Record System)

۱۵. اقتصاد کلان

تثبیت اقتصادی عمومی

اهداف:

- ایجاد ثبات اقتصادی و اداری
- تضمین حاکمیت دولت
- حفظ کارکردهای اساسی در مرحله انتقالی ایران

اولویت های کلیدی:

- کنترل نهادهای مالی و پولی.
- کوتاه کردن مراحل اداری
- برقراری مجدد روابط بین المللی اساسی

مفروضات:

- رضایت سیاسی گسترده از دولت انتقالی.
- حمایت کافی در میان مدیران میان‌رده‌ی وزارتخانه ها و سازمان‌ها.
- هیچ نهاد جایگزین معتبری برای به چالش کشیدن مشروعیت بین المللی وجود نداشته باشد.

ثبات اقتصادی:

- **کنترل نهادهای مالی/پولی:** ایمن سازی بانک مرکزی ایران و سیستم پرداخت ملی برای جلوگیری از بانک‌گریزی (bank run) و تداوم پرداخت های دولتی منظم برای حفظ مصرف خصوصی (حدود 50 درصد تولید ناخالص داخلی).
- **سیاست پولی:** توانمندسازی بانک مرکزی به عنوان نهادی مستقل:
 - کنترل نرخ بهره با هدف مهار تورم
 - اتخاذ سیاست نرخ ارز شناور یا خزانده و خاتمه سیاست نرخ ثابت ارز
- **کنترل سرمایه:** تحمیل موقت برای جلوگیری از فرار سرمایه و ایمن سازی دارایی‌های وابستگان رژیم سابق.
- صدور بدهی داخلی: انتشار اوراق قرضه از طریق موسسات مالی محلی برای پوشش شکاف های کوتاه مدت بودجه.
- **حمایت از بازنشستگان موجود:** پرهیز از اختلال در پرداخت مزایای بازنشستگان فعلی تا جای ممکن، آمادگی برای گذار از سیستم بازنشستگی با مزایای معین به سیستم بازنشستگی با تامین مالی کامل توسط مشارکت معین (fully funded defined contribution)

روابط بین الملل:

- **به رسمیت شناخته شدن:** تصدیق دارایی های مسدود شده 120 تا 150 میلیارد دلاری از ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، صندوق بین المللی پول و سازمان ملل.
- **منابع اضطراری:** استفاده از دارایی های صندوق اضطراری برای تثبیت بخش مالی، پوشش کسری بودجه و از سرگیری صادرات نفت/گاز.
- **مشارکت مجدد در سطح جهانی:** باز کردن مذاکرات با موسسات بین المللی و بازارهای مالی برای بازگرداندن اعتبار.

- **کوچک کردن نهادهای ایدئولوژیک:** از بین بردن یا کاهش نهادهای مرتبط با رژیم سابق برای کاهش هزینه های مالی و نشان دادن اصلاحات.
- **ادغام وزارتخانه ها:** ادغام آژانس های اضافی برای افزایش کارایی.
- **محدودیت اصلاحات اساسی:** تعویق اصلاحات ساختاری را تا زمانی که یک دولت منتخب با حکم قانون اساسی تشکیل شود.

توصیه:

سریع عمل کنید و اولویت بندی کنید:

- تضمین کنترل مالی/پولی.
- به دنبال به رسمیت شناخته شدن بین المللی
- آغاز اصلاحات کوچک اداری.
- ثبات مالی و تحت نظر گرفتن احساسات عمومی برای تنظیم سیاست ها.

نتایج مورد انتظار:

- جلوگیری از فروپاشی اقتصادی، تثبیت تورم و حفظ اعتماد عمومی.
- برقراری مجدد تعامل بین المللی برای استفاده از سرمایه های حیاتی و فرصت های تجاری.
- کاهش هزینه ها و زمینه سازی برای اصلاحات دراز مدت حکمرانی از طریق ساده سازی اداری.

نظارت و ارزیابی:

- نظارت دقیق بر جریان وجوه به و از بانک های مرکزی و تجاری برای اطمینان از ثبات و اجرای تعدیل های مورد نیاز.
- نظارت منظم برای ارزیابی ثبات اقتصادی بر عرضه خدمات اساسی و جریان کالا از طریق بنادر و مراکز توزیع.
- نظارت بر حضور کارکنان منظم در وزارتخانه ها و ادارات دولتی، انجام تنظیمات برای اطمینان از تداوم خدمات اساسی دولتی.

تثبیت بانک‌ها و پول

نمای کلی

این طرح انتقال، رویکرد راهبردی برای تثبیت بانک‌ها و پول در دوره انتقالی را با تمرکز بر احیای قدرت پولی، تثبیت عملیات بانکی، بازگرداندن اعتماد عمومی و خارجی، حفاظت از یکپارچگی مالی و به کارگیری نقدینگی اضطراری در صورت نیاز، ترسیم می‌کند. هدف این طرح اجرای گام‌های عملی است که در عین پرداختن به چالش‌های فوری، انتقال هموار را تسهیل می‌کند.

اهمیت تثبیت بانک‌ها و پول

تثبیت بانک‌ها و پول در طول دوره گذار بسیار مهم است، زیرا ثبات اقتصادی، دسترسی به خدمات مالی و اعتماد عمومی را تضمین می‌کند که برای بهبود و رشد ملی ضروری است. بدون احیای مجدد قدرت بانک مرکزی و حفظ عملیات بانکی، پس‌اندازها کاهش می‌یابد، فرار سرمایه تسریع می‌شود، تورم افزایش می‌یابد و اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و جامعه بین‌المللی از بین می‌رود.

1. اهداف

هدف 1: ارزیابی سلامت بانک و استقرار پشتیبانی نقدینگی اضطراری.

هدف 2: حفظ عملیات بانکی و تداوم سیستم پرداخت.

هدف 3: بازگرداندن اعتماد عمومی و طرفین خارجی و حفظ یکپارچگی مالی.

2. اولویت‌های کلیدی

اولویت 1: برقراری مجدد کنترل عملیاتی بر بانک مرکزی ایران و سیستم‌های پرداخت ملی برای اطمینان از تداوم خدمات بانکی و جلوگیری از اختلالات مالی.

اولویت 2: بازگرداندن اعتبار سیاست پولی با توانمندسازی یک بانک مرکزی مستقل برای رسیدگی به تورم و گذار به یک رژیم نرخ ارز منعطف.

اولویت 3: از یکپارچگی سیستم مالی از طریق کنترل سرمایه موقت و مسدود کردن دارایی‌ها با هدف قرار دادن افراد در معرض سیاسی و نهادهای مرتبط با رژیم محافظت کنید.

اولویت 4: بسیج منابع مالی خارجی با تضمین شناسایی بین المللی و دسترسی به دارایی‌های مسدود شده برای تثبیت بخش مالی و بازسازی اعتماد.

3. مفروضات

فرض 1: اقتدار انتقالی کارآمد با کنترل نهادهای کلیدی (بانک مرکزی ایران، خزانه‌داری، بانک‌های بزرگ).

فرض 2: ثبات نسبی بدون جنگ فعال و انتقال مسالمت آمیز یا محدود قدرت با حفظ زیرساخت های اصلی.

فرض 3: دسترسی به زیرساخت های مالی، از جمله سیستم های پرداخت، تسهیلات بانک مرکزی و ارتباطات.

فرض 4: گشودگی به تعامل بین المللی، از جمله به رسمیت شناختن بالقوه توسط قدرت‌های بزرگ.

فرض 5: مسیر رفع تحریم‌ها یا دسترسی قانونی به دارایی های مسدود شده در دسترس یا قابل مذاکره است.

اقدام 1: رهبری و کنترل نهادی

- نصب یک رئیس جدید برای بانک مرکزی، وزیر خزانه داری موقت و مدیران موقت بانک های دولتی و خصوصی
- کنترل فیزیکی و اداری ایمن بر بانک مرکزی ایران و زیرساخت های پرداخت ملی.
- ایجاد یک کارگروه تثبیت مالی برای هماهنگی عملیات بانکی، مدیریت نقدینگی و ارتباطات عمومی.

اقدام 2: تثبیت سیستم پولی و بانکی

- اعطای استقلال عملیاتی بانک مرکزی برای تعیین نرخ بهره، مدیریت نقدینگی و اجرای سیاست ضد تورم.
- افزایش نرخ بهره برای مقابله با فشارهای تورمی.
- گذار به رژیم نرخ ارز شناور یا خرنده.
- خدمات بانکی و پرداخت بدون وقفه را برای حمایت از مصرف خصوصی و عملیات بخش عمومی حفظ کنید.
- انتشار اوراق قرضه داخلی از طریق موسسات مالی محلی برای رفع کسری بودجه کوتاه مدت.

اقدام 3: یکپارچگی مالی و کنترل

- ارائه بیمه سپرده 100% برای حساب های خرده فروشی و تجاری برای 100 روز اول با محدودیت برداشت.
- اجرای کنترل سرمایه موقت برای محدود کردن جریان های مالی خروجی.
- مسدود کردن حساب های ارزی بزرگ مرتبط با وابستگان رژیم، مؤسسات عمومی و افراد در معرض سیاسی.
- بررسی و علامت گذاری تراکنش های با ارزش بالا (مثلا بالای 1 میلیون دلار).
- ممنوعیت نقل و انتقالات خودی و فروش دارایی ها توسط نهادهای مرتبط با رژیم.
- هماهنگی با حوزه های قضایی خارجی (مانند چین، امارات متحده عربی) برای مسدود کردن و محافظت از دارایی های عمومی ایران در خارج از کشور.

5. توصیه ها

توصیه 1: اقدام سریع برای ایجاد کنترل بر نهادهای مالی و پولی برای جلوگیری از فروپاشی سیستمیک

توصیه 2: اولویت انتصابات رهبری موسسات مالی را برای نشان دادن ثبات و حکومت تکنوکراتیک

توصیه 3: استفاده از کنترل سرمایه و مسدود کردن دارایی‌ها به صورت استراتژیک برای محافظت از ثروت ملی در عین حال زمان‌دهی برای تحقیقات قانونی

توصیه 4: تمرکز اقدامات اولیه بر روی تضمین سپرده و تداوم سیستم پرداخت برای حفظ اعتماد عمومی.

توصیه 5: تلاش برای به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی (از ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد) برای باز کردن دسترسی به ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار ذخایر منجمد.

توصیه 6: استفاده از وجوه اضطراری برای تثبیت سیستم بانکی، حمایت از عملیات مالی و شروع مجدد تجارت نفت و گاز.

توصیه 7: شروع تعامل دیپلماتیک با نهادهای چندجانبه برای بازسازی اعتبار ایران در بازارهای مالی جهانی.

توصیه 8: تعویق اصلاحات ساختاری یا قانون اساسی در مقیاس بزرگ تا زمان روی کار آمدن یک دولت منتخب دموکراتیک

توصیه 9: کوچک کردن نهادهای ایدئولوژیک یا تکراری برای نشان دادن اصلاحات و کاهش بار مالی.

توصیه 10: نظارت مداوم بر احساسات عمومی و شرایط مالی برای تنظیم مجدد اقدامات در زمان واقعی

6. نتایج مورد انتظار

نتیجه 1: عملیات بانکی تثبیت شده و خدمات مالی بدون وقفه.

نتیجه 2: کاهش تورم و نوسانات ارز از طریق سیاست پولی معتبر.

نتیجه 3: افزایش اعتماد عمومی به موسسات مالی از طریق تضمین، شفافیت و تغییر رهبری.

نتیجه 4: جلوگیری از فرار سرمایه و سلب دارایی از طریق کنترل های هدفمند و مسدودسازی دارایی ها.

نتیجه 5: دسترسی ایمن به منابع مالی با حفاظت از دارایی های عمومی و تعامل مجدد بین المللی.

نتیجه 6: ایجاد زمینه برای اصلاحات بلندمدت تحت رهبری منتخب آینده.

7. نظارت و ارزیابی

معیارهای موفقیت:

- انتصاب و فعال سازی پست های رهبری کلیدی (رئیس بانک مرکزی، وزیر خزانه داری، مدیران بانک)
- تغییر نرخ تورم و نرخ بهره هدف
- نوسانات نرخ ارز
- درصد تغییر حجم سپرده های بانکی
- وضعیت عملیاتی شعب بانک ها، سیستم پرداخت و دستگاه های خودپرداز
- حجم جریان سرمایه خروجی
- تضمین ارزش دارایی های مرتبط با رژیم در داخل و خارج از کشور
- پیشرفت در بازگشایی و استفاده از دارایی های خارجی مسدود شده

- جلسات هفتگی مرجع انتقال با دستور کارها و تصمیمات منتشر شده
- افشای منظم عمومی و انتصابات رهبری، مأموریت‌ها و انتقال
- گزارش ماهانه ثبات پولی و مالی از بانک مرکزی و خزانه‌داری
- به‌روز رسانی‌های دوره‌ای عمومی در مورد دسترسی بانکی، بیمه سپرده‌ها، و پیشرفت اصلاحات
- ردیابی ماهانه دارایی‌های مسدودشده در خارج از کشور و پیشرفت در همکاری‌های حقوقی بین‌المللی

8. چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده

چالش‌ها:

- مقاومت وفاداران رژیم سابق
- اینرسی بوروکراسی و چندپارگی نهادی
- عدم اجماع سیاسی در مورد اولویت‌های اصلاحات
- ناحیه عمومی و نوسانات سیاسی
- دخالت در نهادهای تکنوکرات

استراتژی‌های کاهش:

- کنترل نهادی و دسترسی فیزیکی ایمن
- تعیین رهبری انتقالی روشن و معتبر
- ایجاد یک ساختار فرماندهی اقتصادی متمرکز
- ایجاد کانال‌های ارتباطی سیاسی و عمومی
- جلوگیری از اصلاحات ساختاری و تمرکز بر اجماع ثبات

نمای کلی

این طرح انتقال، رویکرد استراتژیک برای تثبیت بازارهای مالی ایران در دوره انتقالی را با تمرکز بر جلوگیری از اختلالات سیستمی، بازگرداندن شفافیت، حفاظت از ثروت ملی و بازسازی اعتماد سرمایه‌گذاران ترسیم می‌کند. هدف این طرح اجرای گام‌های عملی - مانند بسته شدن هدفمند بازار، اصلاحات ارزی، و بازگشایی مرحله‌ای - و در عین حال پرداختن به ریسک‌های فوری فرار سرمایه، قیمت‌گذاری نادرست دارایی‌ها و خرابی نهادی است.

اهمیت تثبیت بازارهای مالی

تثبیت بازار مالی در طول دوره گذار بسیار مهم است، زیرا تخصیص سرمایه موثر، اعتماد سرمایه‌گذاران، و ظهور قیمت‌های واقعی و معنادار را تضمین می‌کند، که همگی برای بازگرداندن ثبات اقتصادی و امکان بهبود و رشد ملی ضروری هستند. بدون تثبیت، نوسانات بازار، قیمت‌گذاری مخدوش و فرار سرمایه می‌تواند تلاش‌های اصلاحی گسترده‌تر را تضعیف کند و عادی‌سازی اقتصاد را به تأخیر بیندازد.

1. اهداف

- هدف 1:** جلوگیری از اختلال سیستماتیک در بازارهای مالی.
- هدف 2:** از مسئولیت‌پذیری و حمایت از سرمایه‌گذار اطمینان حاصل کنید.
- هدف 3:** ثبات و منطقی کردن بازار ارز.
- هدف 4:** بازگشایی و عادی‌سازی بازارهای مالی

2. اولویت‌های کلیدی

- اولویت 1:** با بستن موقت بخش‌های آسیب‌پذیر بازار (مانند بازارهای سهام و بدهی شرکت‌ها) از اختلال در بازار جلوگیری کنید تا از فروش هراس‌انگیز و سلب دارایی‌های خودی جلوگیری کنید.

اولویت 2: اصلاح بازار ارز با اجرای سیستم دو نرخ برای تثبیت ارز و اولویت بندی واردات ضروری و در عین حال حفظ کنترل سرمایه برای حفظ ذخایر.

اولویت 3: قبل از بازگشایی بازار، حسابرسی انجام دهید، ارزیابی مجدد دارایی‌ها را ارزیابی کنید و چارچوب های حاکمیتی، افشای و نظارتی را تقویت کنید.

اولویت 4: بازگشایی بازارهای مالی به صورت انتخابی، با شروع بازار خزانه داری تحت رویه های انتشار شفاف، و به دنبال آن بازگشایی‌های مرحله ای بازار سهام و بدهی مرتبط با اصلاح معیارها.

3. مفروضات

فرض 1: مرجع انتقالی فعال با کنترل نهادهای نظارتی مالی از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار.

فرض 2: ثبات نسبی بدون جنگ فعال و انتقال مسالمت آمیز یا محدود قدرت با حفظ زیرساخت‌های اصلی.

فرض 3: کنترل فیزیکی و دیجیتالی کافی زیرساخت‌های مالی از جمله بورس اوراق بهادار تهران، سیستم های معاملاتی و بسترهای داده بازار.

فرض 4: در دسترس بودن تخصص تکنوکراتیک برای انجام ممیزی، مدیریت کنترل سرمایه و نظارت بر اصلاح بازار.

فرض 5: کانال های بین المللی برای هماهنگی در مورد مسدود شدن دارایی‌ها، نظارت بر سرمایه و در نهایت ادغام مجدد در بازارهای جهانی باز است.

4. اعمال

- اقدام 1:** انتصاب رهبری جدید در نهادهای کلیدی بازار مالی از جمله بورس اوراق بهادار تهران، سازمان بورس و اوراق بهادار و صندوق توسعه بازار سرمایه برای اطمینان از نظارت معتبر و همسویی سیاست‌ها.
- اقدام 2:** معاملات در بورس اوراق بهادار تهران (TSE) را به مدت ۳۰ تا ۶۰ روز به حالت تعلیق در آورید تا از فروش وحشتناک جلوگیری شود و امکان حسابرسی فراهم شود.
- اقدام 3:** به دلیل عدم نقدشوندگی و عدم یکپارچگی قیمت گذاری، بازار بدهی شرکت‌ها را به مدت ۱۰۰ روز تعطیل کنید.
- اقدام 4:** انجام حسابرسی مستقل و ارزیابی مجدد ارزش گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و ابزارهای مالی قابل معامله عمومی.
- اقدام 5:** اجرای سیستم نرخ ارز دوگانه با نرخ مدیریت شده برای واردات ضروری و نرخ شناور برای سایر معاملات.
- اقدام 6:** اعمال کنترل سرمایه برای جلوگیری از خروجی‌های مرتبط با وابستگان رژیم سابق یا دارندگان ثروت غیرقانونی.
- اقدام 7:** از سرگیری عملیات بازار خزانه داری ظرف ۳۰ روز، با اولویت بندی ابزارهای کوتاه مدت و نیاز به افشای کامل بازده و سررسید.
- اقدام 8:** قوانین حمایت از سرمایه گذار را قبل از بازگشایی بازار، از جمله افشای افزایش یافته، استانداردهای حاکمیتی و محدودیت‌های معاملاتی داخلی، ایجاد کنید.
- اقدام 9:** معیارها و شرایط را برای بازگشایی مرحله‌ای بازار، مرتبط با شفافیت، اصلاحات قانونی، و تکمیل حسابرسی تعیین کنید.
- اقدام 10:** هماهنگی با موسسات مالی بین‌المللی و تنظیم‌کننده‌های بازار برای همسو کردن اصلاحات پس از گذار با استانداردهای جهانی.

5. توصیه ها

توصیه 1: برای جلوگیری از فروش بی نظم و حفظ ارزش دارایی در دوره انتقال اولیه، سریعاً برای تعلیق بازارهای آسیب پذیر اقدام کنید.

توصیه 2: قبل از بازگشایی هر بازار مالی برای اطمینان از یکپارچگی و حمایت از سرمایه گذار، شفافیت و تدابیر قانونی را در اولویت قرار دهید.

توصیه 3: از بازار خزانه داری به عنوان یک لنگر اعتبار استفاده کنید، و آن را زودتر تحت استانداردهای دقیق افشا و قیمت گذاری بازگشایی کنید.

توصیه 4: بازگشایی فازها بر اساس معیارهای قابل تأیید، مانند تکمیل ممیزی‌ها، ایجاد حمایت از سرمایه گذار، و آمادگی نظارتی.

توصیه 5: کنترل سرمایه را تا زمانی که ردیابی دارایی و بررسی های قانونی کامل شود، حفظ کنید، به ویژه برای افراد در معرض سیاسی و نهادهای مرتبط با رژیم.

توصیه 6: مشارکت شرکای بین‌المللی برای همسو کردن اصلاحات مالی با استانداردهای جهانی و جذب جریان‌های سرمایه در آینده.

توصیه 7: آزادسازی پیچیده مالی یا اصلاحات ساختاری را تا زمان استقرار یک دولت منتخب در قانون اساسی به تعویق بیندازید.

توصیه 8: برای مدیریت انتظارات و ایجاد اعتماد با سرمایه گذاران داخلی و بین‌المللی به طور مداوم و عمومی ارتباط برقرار کنید.

6. نتایج مورد انتظار

نتیجه 1: جلوگیری از فروپاشی بازار مالی از طریق بسته شدن به موقع و کنترل جریان سرمایه. حفظ ثروت ملی با جلوگیری از فروش داخلی و خروج سرمایه غیرقانونی.

نتیجه 2: بازگرداندن اعتماد سرمایه گذاران از طریق افزایش شفافیت، تدابیر نظارتی و رهبری معتبر.

نتیجه 3: تثبیت جریان ارز از طریق سیستم دو نرخ و اصلاحات هدفمند بازار ارز.

نتیجه 4: بهبود یکپارچگی بازار از طریق حسابرسی، اصلاحات قانونی و تجدید ساختار حاکمیتی.

نتیجه 5: بازگشت مرحله‌ای به عملکرد بازار، شروع با بازار خزانه‌داری تحت قیمت‌گذاری و افشای معتبر.

نتیجه 6: تقویت اعتبار بین المللی، پایه گذاری برای ادغام مجدد بازار سرمایه پس از گذار.

7. نظارت و ارزیابی

معیارهای موفقیت:

- انتصاب و افشای عمومی رهبری جدید در بورس اوراق بهادار، سازمان بورس و اوراق بهادار و نهادهای مرتبط
- وضعیت عملیاتی زیرساخت های کلیدی بازار (سکوهاى تجارى، سیستم های داده) و بخش های بازار (TSE، بدهی شرکت‌ها، خزانه داری)
- تکمیل ممیزی های خارجی و بررسی های ارزیابی دارایی‌ها
- تصویب مقررات حمایت از سرمایه گذار و افشا
- اختلاف نرخ ارز روزانه بین نرخ های رسمی و شناور

- حجم معاملات FX پردازش شده تحت هر نرخ
- حجم معاملات سرمایه خروجی مسدود یا بررسی شده است
- تعداد و ارزش حساب‌های مسدود یا پرچم‌گذاری شده برای اقدام قانونی
- پیشرفت در بررسی حقوقی دارایی‌های مالی مرتبط با رژیم
- حجم معاملات و مشارکت پس از بازگشایی‌های مرحله‌ای
- انتشار منحنی بازده اوراق قرضه و پاسخگویی بازار

فرآیند بررسی:

- جلسات هفتگی مرجع انتقال با دستور کارها و تصمیمات منتشر شده
- افشای منظم عمومی و انتصابات رهبری، مأموریت‌ها و انتقال
- بولتن‌های منظم در مورد شرایط بازار، تغییر سیاست‌ها، و بازگشایی جدول زمانی
- گزارش‌های شفافیت ماهانه در مورد پیشرفت حسابرسی، اجرای کنترل سرمایه، و عملیات FX.
- حسابرسی شخص ثالث ارزش‌گذاری، افشای مالی و انطباق با مقررات
- هیئت مشاوره خارجی برای بررسی شرایط بازگشایی بازار و معیارها
- گزارش‌دهی داخلی استاندارد از نهادهای بازار به مرجع انتقالی
- جلسات مشارکت سرمایه‌گذار برای جمع‌آوری ورودی و برقراری ارتباط با نقاط عطف اصلاحات

8. چالش‌های سیاسی پیش‌بینی شده

چالش‌ها:

- مقاومت وفاداران به رژیم سابق
- اینرسی بوروکراتیک و تکه تکه شدن نهادی

- عدم اجماع سیاسی در مورد اولویت های اصلاحات
- بی اعتمادی عمومی و نوسانات سیاسی
- دخالت در نهادهای تکنوکرات

استراتژی های کاهش:

- کنترل نهادی و دسترسی فیزیکی ایمن
- رهبری انتقالی روشن و معتبر را تعیین کنید
- یک ساختار فرماندهی اقتصادی متمرکز ایجاد کنید
- ایجاد کانال های ارتباطی سیاسی و عمومی
- جلوگیری از اصلاحات ساختاری و تمرکز بر اجماع ثبات

تثبیت سیستم بهداشت و درمان

هدف:

- به حداقل رساندن اختلالات در نظام سلامت ایران.
- اصلاحات هدفمند برای افزایش کارایی و دسترسی.

اولویت های کلیدی:

- حفظ منابع.
- رفع موانع سمت عرضه.

مفروضات:

- رضایت سیاسی گسترده برای دولت انتقالی.
- حمایت کافی در میان مدیران میانی وزارتخانه ها و سازمان ها.

تامین مالی:

- تداوم کمک های دولت به سازمان بیمه تامین اجتماعی و سازمان بیمه سلامت ایرانیان، هرکدام با هزینه حدود ۱ درصد تولید ناخالص داخلی.
- حفظ یارانه های ارائه دهندگان، با هزینه تقریبی تقریباً ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی.
- اطمینان از جمع آوری مستمر حق بیمه از کارمندان بخش دولتی و خصوصی. در صورت اختلال، ممکن است برای پوشش کمبودها به بودجه اضافی موقت نیاز باشد.

اصلاحات فوری در سمت عرضه:

- حذف تعرفه واردات دارو برای کاهش هزینه ها و بهبود دسترسی به دارو.
- لغو ممنوعیت خدمات بعد از ساعت کاری تا به اعضای هیئت پزشکی تازه استخدام شده اجازه دهد بعد از ساعت کار کنند و دسترسی به خدمات افزایش یابد.
- پایان اجرای قیمت گذاری تحمیلی سازمان نظام پزشکی برای تقویت رقابت قیمت.
- به پزشکان اجازه دهید تا به طور آزادانه در سراسر ایران کار کنند و دسترسی را افزایش دهند.

توصیه ها:

- اصلاحات فوری را برای تثبیت سیستم و در عین حال برنامه ریزی برای گسترش نیروی کار درازمدت در اولویت قرار دهید.
- از موسسات و سازمان های پزشکی غیرایدئولوژیک برجسته ایران به عنوان الگوهایی برای گذار از جمهوری اسلامی استفاده کنید.

نتایج مورد انتظار:

- اصلاحات کوتاه مدت با کاهش هزینه ها و افزایش در دسترس بودن خدمات، تسکین فوری را فراهم می کند.
- اصلاحات درازمدت باعث ایجاد ظرفیت می شود، اما به زمان نیاز دارد تا نتایج حاصل شود.

- نظارت دقیق بر جمع آوری حق بیمه برای جلوگیری از کمبود بودجه.
- مداخلات تحریف کننده طولانی مدت در قیمت گذاری و تخصیص مجوزهای کار، عدم تعادل قابل توجهی در نظام پزشکی ایران ایجاد کرده است. حذف این سیاست ها کارایی را بهبود می بخشد، اما ممکن است باعث اختلالات کوتاه مدت در مناطق خاص شود، که مستلزم نظارت دقیق بر کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده در مناطق دوردست و اعمال تنظیمات لازم است.

چالش های سیاسی پیش بینی شده:

حذف قیمت گذاری و مجوزهای کاری تحمیلی می تواند باعث اختلالات کوتاه مدت در دسترسی به خدمات پزشکی در مناطق خاص و برای گروه های اجتماعی خاص شود که وفاداران جمهوری اسلامی ممکن است از آن برای تحریکات سیاسی سوء استفاده کنند. ترغیب انجمن های پزشکی موجود برای نظارت دقیق بر این مسائل و رسیدگی به آنها از طریق یارانه های مناسب و ابزارهای مبتنی بر بازار بسیار مهم است.

خصوصی سازی

با اینکه خصوصی سازی دارایی های متعلق به دولت و نهادهای نیمه دولتی در کوتاه مدت پس از سقوط رژیم اسلامی ممکن نیست، دولت موقت باید چارچوبی روشن و مؤثر برای تثبیت این دارایی ها و آمادگی برای اصلاحات آتی ایجاد کند.

۱. اهداف

تمرکز در کوتاه مدت باید بر موارد زیر باشد:

- حفاظت از اموال عمومی
 - بازگرداندن شفافیت
 - تضمین تداوم عملیات اجرایی روزمره
- این اقدامات نه تنها برای بازسازی اعتماد عمومی به نهادهای دولتی حیاتی هستند، بلکه پایه ای برای بازیابی اقتصادی بلندمدت و خصوصی سازی موفق فراهم می کنند.

۲. اولویت‌های کلیدی

اقدامات زیر باید فوراً انجام شوند:

- در اختیار گرفتن، حفاظت، ثبت و ضبط دارایی‌ها
- حذف منصوبان سیاسی از شرکت‌های دولتی و انتصاب مدیریت موقت
- حفظ عملکرد نهادهای تولیدی
- استخدام شرکت‌های حسابرسی برای بررسی تراکنش‌های گذشته و نظارت بر امور مالی جاری
- شناسایی بدهی‌ها و حفظ ارزش اقتصادی نهادها
- تعریف چارچوب اولویت‌بندی برای خصوصی‌سازی

۳. مفروضات

- گذار عمدتاً مسالمت‌آمیز
- بازداری از خسارت جبران‌ناپذیر به زیرساخت‌های اقتصادی

۴. اقدامات

- تهیه فهرستی جامع از نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی شامل بنیادها، موقوفات دینی و سایر نهادهای وابسته
- در اختیار گرفتن کنترل کامل بر دارایی‌های این نهادها، شامل:
 - املاک و دارایی‌های فیزیکی
 - سوابق و اسناد دیجیتال
 - دارایی‌های مالی
 - سهام شرکت‌ها
 - سایر سرمایه‌گذاری‌ها
- ایجاد یک سیستم شفاف و متمرکز برای ثبت دارایی‌ها به منظور حفاظت از آن‌ها، جلوگیری از سوءاستفاده، و آماده‌سازی برای بازسازی ساختاری

- برکناری منصوبان سیاسی از سمت‌های کلیدی در شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به همراه قطع نفوذ آنها، به‌منظور بازگرداندن شایسته‌سالاری و صداقت حرفه‌ای
- انتصاب تیم‌های مدیریتی موقت؛ شامل تکنوکرات‌ها، متخصصان صنعت و کارمندان غیرسیاسی با وظیفه حفظ ثبات نهادی و شفافیت تا زمان شکل‌گیری ساختار مدیریتی دائمی و بر مبنای شایستگی
- ادامه بی‌وقفه‌ی عملکرد نهادهایی که خروجی اقتصادی مثبت دارند
 - الزام مدیریت موقت به حفظ سطح تولید، اجرای قراردادهای موجود و حفظ اشتغال در کوتاه‌مدت. این اقدام از شوک اقتصادی جلوگیری، اعتماد عمومی را حفظ می‌کند و به شرکای داخلی و خارجی اطمینان می‌دهد که زیرساخت اقتصادی کشور علی‌رغم تغییرات سیاسی همچنان پابرجاست.
- انتخاب شرکت‌های حسابرسی مستقل و معتبر داخلی و خارجی برای نظارت بر تراکنش‌های گذشته و عملیات مالی آینده
- حسابرسی‌های تخصصی برای نهادهای بزرگ دولتی و بنیادها به‌منظور کشف فساد، اختلاس، قراردادهای جعلی، ریسک‌های پنهان یا انتقال غیرقانونی دارایی‌ها تحت نظارت شرکت‌های حسابرسی.
- الزام شرکت‌های حسابرسی به نظارت لحظه‌ای بر عملکرد مالی نهادها، با هدف پیشگیری از سوءمدیریت. این نظارت نه‌تنها پاسخگویی را تقویت می‌کند، بلکه پایه‌ای برای پیگیری‌های قانونی و ایجاد مکانیزم‌های شفافیت پایدار خواهد بود.
- شناسایی کلیه بدهی‌های نهادهای دولتی، با هدف جلوگیری از انتقال ریسک‌های مالی بی‌پایان به دولت جدید تحت نظارت شرکت‌های حسابرسی. این شرکت‌ها باید راهکاری ارائه دهند که هم ارزش عملیاتی و اقتصادی این نهادها را حفظ کند و هم ریسک مالی آینده دولت را کاهش دهد.
- تدوین یک چارچوب استراتژیک و فهرست اولویت‌بندی‌شده برای خصوصی‌سازی نهادهای دولتی. این چارچوب باید بر اساس معیارهایی چون حداکثرسازی ارزش اقتصادی، حداقل‌سازی اختلال در اقتصاد و جلوگیری از تقویت وابستگی رژیم سابق تدوین شود. خصوصی‌سازی باید به‌صورت شفاف، مرحله‌بنده‌شده و هدفمند اجرا شود تا اهداف بزرگ‌تری چون احیای اقتصادی و عدالت تحقق یابند.

بازنشستگی

اهداف

- به حداقل رساندن نارسایی در حمایت از بازنشستگان فعلی
- اجرای اصلاحات بدر راستای بهبود حکمرانی و تضمین پایداری مالی سیستم کنونی، به‌عنوان گامی مقدماتی پیش از گذار نهایی به نظامی مبتنی بر مشارکت تعریف‌شده و سازوکار اندوخته‌گذاری

- **جمع‌آوری حق‌بیمه‌های بازنشستگی:** دولت باید تا حد امکان به جمع‌آوری حق بیمه‌های صندوق‌های بازنشستگی فعلی (از جمله سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری و...) ادامه دهد. این امر به دلیل ماهیت مبتنی بر موازنه نقدی این صندوق‌ها ضروری است، زیرا حقوق بازنشستگان فعلی از محل حق‌بیمه‌های پرداختی توسط شاغلان فعلی تأمین می‌شود.
- **تزریق منابع مالی اضطراری در صورت نیاز:** در صورت ایجاد اختلال جدی در جمع‌آوری حق بیمه‌ها در کوتاه‌مدت، دولت باید آمادگی ارائه منابع مالی اضطراری به سیستم بازنشستگی را داشته باشد.

فرضیات

- نظام بانکی کشور قابل بهره‌برداری باقی می‌ماند
- دولت در صورت لزوم توانایی استقراض یا آزادسازی فوری بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران برای حمایت اضطراری از نظام بازنشستگی را خواهد داشت.

اقدامات (برگرفته از اصلاحات پیشنهادی بانک جهانی)

- **توقف هرگونه وام‌دهی به دولت:** صندوق‌های بازنشستگی نباید نقش «قلک وام» دولت را ایفا کنند، بلکه باید در راستای منافع بازنشستگان عمل نمایند.
- **توقف انتقال دارایی‌های دولتی برای تسویه بدهی‌های دولت:** جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به جای پرداخت بدهی‌های خود به صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های دولتی زیان‌ده را با ارزش‌گذاری‌های بسیار غیرواقعی به این صندوق‌ها واگذار کرده است. این رویه باید فوراً متوقف شود.
- **احیای شورای عالی تأمین اجتماعی:** شورای عالی تأمین اجتماعی، نهادی سه‌جانبه متشکل از نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان بود که در سال ۱۳۸۹ منحل شد. وظیفه آن تعیین هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی بود. احیای این شورا نظارت مستقل بر فعالیت‌های سازمان تأمین اجتماعی را تقویت خواهد کرد.
- **الزام برخورداری از تخصص مرتبط برای عضویت در هیئت مدیره:** اعضای جدید هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌هایی که تحت نظارت وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی قرار دارند، باید از تخصص‌های

مرتبط برخوردار بوده باشند و ملزم به رعایت وظایف امانت‌داری (fiduciary duty) نسبت به منافع بازنشستگان شوند.

نظارت و ارزیابی (برگرفته از اصلاحات پیشنهادی بانک جهانی)

- در اولین فرصت و در صورت امکان با کمک‌گیری از مؤسسات حسابرسی بین‌المللی، اولین حسابرسی خارجی از صندوق‌های بازنشستگی تحت نظارت وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی (شامل سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح و صندوق بازنشستگی روستائیان و عشایر) انجام شده و از آن پس به صورت دوره‌ای تکرار شود.
- بانک مرکزی به عنوان متولی مستقل این صندوق‌ها منصوب خواهد شد تا «از سلامت فیزیکی و قانونی دارایی‌ها اطمینان حاصل کند و بر معاملات مدیران دارایی نظارت داشته باشد» (بانک جهانی، ۲۰۰۳).